

اگر امروز تدبیر نشود امیدی نمی‌ماند



میزگرد شرایط پیمانکاری امروز و راه‌های گذراز بحران

چه باید کرد؟



ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

سال ۳۴ | تیرماه ۱۳۹۷ | شماره ۳۶۸ دوره جدید ۱۳۸

Syndicate Of Iran Construction Companies
Monthly Magazine

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پور آقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۲۴)

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری
- شورای سیاست‌گذاری:
- مهندس منوچهر ملکبانی فرد (نماینده هیأت مدیره)
- مهندس جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- مهندس بهمن دادمیان (رئیس هیأت مدیره)
- دکتر ایرج گلابتونچی (دبیر سندیکا)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار سندیکا)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سر دبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: مهندس علی ورزنده
- سر دبیر: مهندس محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس محمدعلی پور شیرازی (کمیسیون عضویت و پیگیری)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی

فهرست مطالب

۳۳	پروژه غیراستاندارد افتتاح نمی‌کنیم - گزارش	۶	اگر امروز تدبیر نشود - سرمقاله
۳۴	ناامیدی اجتماعی؛ پیامد و چرایی؟ - جام جهانی و درس ژاپنی‌ها - پاگرد	۸	چه باید کرد - گزارش
۳۶	آشنایی با سیستم خنک‌کننده موتورهای آب - مقاله	۱۷	۶ تجربه جهانی در مبارزه با فساد - مقاله
۴۰	جوینت ونچر و تقسیم ریسک - مقاله	۱۹	مذاکره برای تامین مالی ۸ طرح - گزارش
۴۲	اسرار عدم معماری در عمارت وینچستر - مقاله	۲۰	مکاتبات - مکاتبات سندیکا
۴۳	چرا اقتصاد به اینجا رسید - مقاله	۲۴	آزادراه شمال و چالش برجام - تحلیل
۴۵	چالش‌های ماندگاری شرکت‌های فعال در صنعت احداث - مقاله	۲۶	نمایشگاه توان فنی و مهندسی کشور - بازدید
۴۹	اولین مشکل دولت یازدهم و دوازدهم - مقاله	۲۹	۴۱ درصد انرژی کشور در ساختمان‌ها هدر می‌رود - کنفرانس
۵۰	سمینار ارزیابی خسارت بیمه‌ای ساختمان‌ها - مقاله	۳۰	بررسی پیش‌نویس جدید آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور - میزگرد

نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار است و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است، در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)،
شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱ تلفن: ۶۶۴۴۶۴۲۶۱ - ۶۶۴۴۰۲۰۳۷
فکس: ۶۶۴۴۰۸۴۴۶۴۴۰۸۴ پست الکترونیکی:
payamabadgaran@yahoo.com
نشانی الکترونیکی: www.acco.ir



اگر امروز تدبیر نشود امیدی برای فردا نمی ماند

سرمقاله

نیروهای انسانی قرار می دهد که نتیجه آن نبود رغبت و انگیزه برای نسل جوان و در یک کلام بازگشت به نقطه صفر است. اگر از این منظر به تحولات اخیر در حوزه اقتصاد بنگریم نشانه هایی از حرکت بهمن هایی دیده می شود که هنوز در قله هستند و اگر به موقع برنامه ریزی نشود، بهمن شکن های قدرتمندی تدارک نشود آن بهمن ها ریشه بسیاری از فعالیت ها و کسب و کارها را که ماحصل دهها سال تلاش و کوشش هزاران انسان تلاشگر، خلاق و متخصص است را خواهد سوزاند. نیم نگاهی به مسیر حرکت شاخص های کلان کشور مثل تورم نقطه به نقطه، گرانی کالاها و مصالح ساختمانی، ماشین آلات، هزینه های جاری فعالیت های تولیدی و... نشان می دهد اگر دولت تدبیر و امید امروز تدبیر نکند امیدی برای فردا نمی ماند. هم اکنون بسیاری از شرکت ها و پیمانکارهای عمرانی که در راستای ساختن

و سرمایه در کشور بوده و در اثر نابودی آن ها، در حقیقت آن چرخه نیز از بین رفته و اشتغال و رفاه اجتماعی بخشی از جامعه، دگرگون و ما به ازای آن یاس و پژمردگی جایگزین شده است. به عبارت روشن تر آنچه که در وهله اول به چشم می آید اضمحلال سرمایه و دارایی کسانی است که سالیان دراز به جامعه خدمت کرده اند اما کاش عمق مسئله به همین مقدار محدود بود. اندکی تامل در این مسئله نشان می دهد زیان صاحبان کسب و کار تنها بخش اندکی از آثار مخرب نوسانات اقتصادی است. در این فرایند بیش از افراد و کسانی که در حرف تولیدی و وابسته به سیاست های مالی و پولی دولت فعالیت می کنند و فعالیت آنها مستقیماً تحت تاثیر شرایط اقتصادی قرار دارد، جامعه و نسل جوان و آتی متضرر می شود، چرا که شوک های ناشی از رخدادهای مهار نشده اقتصادی در موج بعدی خود خلاهایی را ایجاد می کند و یا موانعی را بر سر فعالیت

شاخص های اقتصادی در دوره سه ماهه اخیر (سال ۱۳۹۷) نمایانگر وضعیت ویژه و خارج از تصورات پیشینی است، از این راه تبیین و تشریح آن در ابعاد کلان و خرد برای مهار و مدیریت وضعیت پیش آمده کاملاً ضروری است. در این سه ماه فنر کنترل شده ثبات اقتصادی تحت فشار مسائل داخلی و خارجی از حالت سابق خود خارج شده و با قدرتی که موارد مشابه اندکی در تاریخ معاصر می توان برای آن یافت، رو به صعود گذارده است. تغییرات اقتصادی ناگهانی و ظهور تورم های پیش بینی نشده و پرفشار، تاثیرات مخرب و نابود کننده ای بر بسیاری از کسب و کارها و پیشه ها می گذارد. در دهه های اخیر شاهد آن بوده ایم که بر اثر چنین رخدادهایی، بخشی از یا حتی قریب به همه سرمایه برخی از کسب و کارها از بین رفته است و در اثر آن علاوه بر صاحبان آن سرمایه، جامعه نیز متضرر گشته است چرا که آن سرمایه ماحصل چرخه تولید

کشور و فراهم سازی زیر بنای توسعه امروز و فردای کشور، همه سرمایه و دانش خود را به کار گرفته اند، بایده خطرناکی مواجه شده اند که می توان آن را «برتری منطق اقتصادی بیکاری بر کار و فعالیت» دانست. این منطق گرچه از نظر وجدان اجتماعی و مسئولیت های فردی و جمعی در قبال جامعه امری مذموم، نکوهیده و مورد طرد اقشار مختلف جامعه به خصوص کسانی است که همواره در مسیر توسعه کشور حرکت می کنند اما در نهان خود زنگ خطر را برای سرمایه های مادی و معنوی جامعه به صدا در آورده است. واقعیت آن است که امروز با شرایط خاصی مواجه هستیم که ابزارهای موجود در نظام مدیریتی و نظارتی کشور برای مدیریت آثار منفی و مخرب این شرایط بر اوضاع و احوال فعالان حوزه عمرانی نیاز به تنظیم دارند. اگر پیمانکاران در چند سال گذشته با مسئله ای به نام بدهی های معوق دولت و در دو سه سال گذشته با دردسرهای تبدیل و قدرت خرید واقعی اسناد خزانه و مشارکت مواجه بودند و تامین نقدینگی لازم برای به حرکت درآوردن پروژه های عمرانی برای آنها یک معضل بزرگ بود اما در شرایط امروز خطر ورشکستگی، شرکت های پیمانکاری را تهدید می کند. ممکن است احتمال نابودی سرمایه و دارایی فعالان این حوزه از نظر برخی ها اغراق آمیز به نظر آید اما حقیقت آن است که آثار بی ثباتی سیاست های پولی و نوسانات شدید اقتصادی بیش از همه بر تن رنجور کسب و کارهایی می نشیند که نه راه پس دارند و نه راه پیش. این گروه از فعالان کشور میراثدار دهها سال فعالیت و تلاش خود و پدران و بزرگان حوزه عمرانی هستند. آنان به حکم مسئولیت های خود در برابر جامعه هیچ گاه از زیر بار مسئولیت، تلاش و فعالیت شانه خالی نکرده اند و به همین دلیل امروز در حالی متعهد به اجرای طرح ها و پروژه های عمرانی هستند که قیمت ها مدام در نوسان است. این فعالیت ها را به دلیل نیاز مبرم کشور و همچنین اشتغالزایی برای حجم قابل توجه نیروی انسانی نمی توان معوق نگه داشت یا موکول به دوران دیگر کرد؛ که از قضایای نیت بانیان جنگ روانی علیه کشور، توقف چرخه حرکت اموری است که در خدمت رفاه

عمومی مردم و گره گشایی از مشکلات آنها قرار دارد. بنابراین شرایط خطیر کشور و نیاز مبرم جامعه به این دست از فعالیت ها، مانع از آن است که صاحبان این حرف بتوانند منافع فردی خود را بر منفعت جامعه ترجیح بدهند و براساس منطق اقتصادی «بیکاری به صرفه تر از کار است» رفتار کنند. اما همانطور که ذکر شد این بخش از فعالیت های کشور مانند خیلی از فعالیت های سازنده تولید دیگر، راه پیش ندارد چرا که نوسانات قیمت اقلام مورد نیاز فعالیت آنها تحت تاثیر شرایط کلان اقتصادی کشور، امکان تداوم روند گذشته را مخدوش کرده و نقدینگی پیمانکاران و فعالان حوزه عمرانی را برای تامین اقلام در مضایقه شدید قرار داده و به عبارتی مسیر پیش رو را مسدود کرده است. در این شرایط چه باید کرد و چگونه می توان از هنر مدیریت و بهره برداری مطلوب از منابع موجود بر مشکلات غلبه کرد؟ این سوالی است که شاید ذهنیت بسیاری از فعالان کسب و کارها را درگیر کرده است اما در حوزه عمرانی اهمیت این مسئله به دلیل آنچه که تشریح شد مضاعف است.

تجربه کشورهای توسعه یافته و جوامعی که درگیر بحران های سیاسی و اقتصادی در مسیر توسعه بوده اند و حتی تجربه سالیان اخیر کشور خودمان نشان می دهد که برنامه ریزی و پیش بینی رخدادهای اجرای برنامه های مثبت با همفکری تصمیم سازان و تصمیم گیران در اتاق فکریایی که به منظور عبور از شرایط بحرانی تاسیس می شود، می تواند امیدها را برای گذر از بحران با کمترین هزینه زنده نگه

سخن امروز ما به عنوان یک تشکل قدیمی و صاحب اعتبار تاریخی که تجارب گرانی در اندوخته خود دارد، آن است که با برنامه ریزی، همدلی و پذیرش مسئولیت های متقابل میان مردم و دستگاههای حاکمیتی می توان بر هر مشکل و بحرانی غلبه کرد

دارد. در این شرایط لازم است بدانیم نظام حاکم بر تسویه حساب با پیمانکاران حوزه عمرانی که مورد استناد و مبنای عمل سازمان برنامه و بودجه کشور قرار دارد، پیش بینی دقیقی نسبت به مشکلات پیش آمده ندارد و سازوکار آن را تعبیه نکرده است و به عنوان مثال سرفصل های تعدیل آن جوابگوی شرایط امروز نیست. علاوه بر این سرریز شدن نتایج مشکلات اقتصادی از جمله ناامیدی و ترس از آینده اقتصادی کشور در نیروی انسانی، ایجاب می کند نظام پرداخت به پیمانکاری اصلاح شود و این پرداخت ها به گونه ای باشد که بخشی از گرانی نیروی انسانی شاغل را ترمیم کرده و آنها را به تداوم در این مسیر امیدوار نگه دارد. سخن امروز ما به عنوان یک تشکل قدیمی و صاحب اعتبار تاریخی که تجارب گرانی در اندوخته خود دارد، آن است که با برنامه ریزی، همدلی و پذیرش مسئولیت های متقابل میان مردم و دستگاههای حاکمیتی می توان بر هر مشکل و بحرانی غلبه کرد. کما این که همدلی فعالان بخش خصوصی و عمرانی و همین طور همراهی عموم دولتمردان در سالهای اخیر موجب شد که علی رغم مشکلات موجود و بحران بدهی های دولت از طریق ابزارهایی چون واگذاری پروژه های نیمه تمام (هر چند که به مرحله اجرا نرسید و تا ملل جدی درباره آن در شرایط امروز کاملاً احساس می شود) اسناد خزانه و مشارکت، چراغ فعالیت های توسعه ای کشور خاموش نشود و گام های بزرگی در همین سال های برداشته شود. امید است دست اندرکاران و تصمیم گیران اعم از نهادهای اجرایی و نظارتی با درک درست و فهم دقیق شرایط امروز کشور، مانع از آن شوند که بهمن ها و بحران ها آوار تخریب خود را متوجه فعالیت های زیربنایی کشور کنند. برای عبور از این مقطع لازم است که از ظرفیت های خاموش و بالقوه، تجارب نهادهای قدیمی و مدیران نسل دیروز بهره برد و امید را در چرخه عمران و سازندگی کشور جاری ساخت.

به امید آنکه مسئولان محترم با شنیدن صدای ما منتظر شنیدن شکستن استخوانهایمان نمانند و چاره ای بسازند.

میزگرد شرایط پیمانکاری امروز و راه‌های گذر از بحران

چه باید کرد



میزگرد شرایط پیمانکاری امروز و راه‌های گذر از بحران روز شنبه ۲۳ تیرماه توسط کمیسیون انتشارات سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران برگزار شد. در این میزگرد علاوه بر چند تن از اعضای هیات مدیره، نمایندگانی از کمیسیون انتشارات و سایر کمیسیونهای سندیکا حاضر بودند و ضمن تحلیل شرایط اقتصادی فعلی کشور و تاثیر آن بر عملکرد صنعت احداث، راهکارهای گذر از بحران کنونی را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

این میزگرد با سوال نائب رئیس سندیکا در این باره که مخاطب صنعت احداث برای طرح این مسائل و راهکارهای پیشنهادی کیست، به گفتگویی چالشی تبدیل شد، و ماهنامه پیام آبادگران این مباحث را به دلیل اهمیت موضوع به طور کامل پوشش داد تا به عنوان گفتگویی راهبردی چراغ راه شرکتهای عضو در فعالیتهای صنفی آنها باشد.

در ابتدای این میزگرد آقای وزینی عنوان کرد: قرار بر این بود که سیاست‌های اقتصادی و شرایط مالی کشور را در ماهنامه پیام آبادگران توسط کارشناسان اقتصادی نقد و بررسی کنیم اما به نظر می‌رسد در شرایط کنونی هیچ کس بهتر از اعضای سندیکا نمی‌توانند تاثیر شرایط کنونی از جمله نوسانات نرخ ارز و تحریمها را در صنعت احداث واکاوی کنند و برای ارائه راهکار پیشقدم‌تر از آنها باشد.

مهندس محمدعلی پورشیرازی از اعضای کمیسیون انتشارات نیز با تاکید روی رسالت کمیسیون انتشارات و ماهنامه در انعکاس دیدگاه هیات مدیره و فعالان صنعت، به سیاست اقتصادی دولت، کمبود اعتبارات، و نوسانات ارزی و محدودیت‌های موجود برای فعالان صنعت احداث اشاره کرد و بررسی طبقات آن را ضروری دانست.

در سطح کشور دارایی سرمایه‌ای تشکیل نمی‌شود

در ادامه مهندس سالارعلیاری رئیس کمیسیون تحقیق و توسعه عنوان کرد: کار شرکت‌های پیمانکاری تاکنون ارائه خدمات اجرای طرح‌های ملی و استانی از طریق تامین اعتبارات (بودجه) دولتی و با روش برگزاری مناقصات کاملاً رقابتی بود. با اینکه در طول ۳۰ سال اول بعد از انقلاب نسبت بودجه عمرانی به تولید ناخالص ملی (GDP) پایین و قریب ۵٪ بود، با این بودجه صنعت و اعضای سندیکای ما توانستند اغلب زیر ساخت‌های کشور را بسازند و اشتغال به وجود آوردند. همچنین با کسب تجربیات گرانسنگ در رشته‌های مختلف صنعت احداث توانمندی‌های خود و کشور را در این حوزه افزایش داده و به سرمایه ملی تبدیل شدند. آنها در طول اجرای این طرح‌ها مهندسین، متخصصین و کارگرانی تربیت کرده‌اند که اگر زمینه صدور خدمات فنی مهندسی (حداقل اخذ ضمانتنامه) مهیا شود این نیروی انسانی باتجربه، رقابت در مناقصه‌های برون مرزی را مقدور می‌نماید. چنانچه در

مورد بازسازی عراق، بدون حمایت دولت حدود ۵۰ شرکت از صنف ما توانستند در آنجا فعال شوند.

وی افزود: متأسفانه با ورود شرکت‌های دولتی و خصولتی (غیر خصوصی) به حوزه پیمانکاری، سهم پیمانکاران خصوصی از کارهای پیمانکاری کاهش یافت و از سال ۸۴ با رشد قارچ گونه این شرکتها، واگذاری انحصارات به آنها و نیز مقررات زدایی دولت در عرصه فعالیتشان، شرکت‌های مذکور به رقباي بلامنازع پیمانکاران خصوصی تبدیل شدند و در این رقابت کاملاً نابرابر، پیمانکاران خصوصی از میدان رقابت خارج و با

کاهش زیاد حجم فعالیت مواجه شدند. علاوه بر آن طی سالهای اخیر به ویژه از سال ۹۰ به بعد شرایط اقتصادی کشور دچار بحران‌های مختلف از جمله کاهش قیمت نفت، بروز مشکلات در بعضی موسسات اعتباری، افزایش هزینه‌های جاری دولت و ... شد. این مسائل هم موجب کاهش بیشتر بودجه عمرانی گردید و نسبت آن به تولید ناخالص ملی را تا حد متوسط ۲/۵٪ کاهش داد.

مجموعه عوامل فوق، از جمله تصرف بخش زیادی از فضای کسب و کار پیمانکاری توسط شرکت‌های غیر خصوصی و کاهش شدید بودجه طرح‌های



مهندس سالارعلیاری:
متأسفانه با ورود شرکت‌های دولتی و نظامی (غیر خصوصی) به حوزه پیمانکاری، سهم پیمانکاران خصوصی از کارهای پیمانکاری کاهش یافت و از سال ۸۴ با رشد قارچ گونه این شرکتها، واگذاری انحصارات به آنها و نیز مقررات زدایی دولت در عرصه فعالیتشان، شرکت‌های مذکور به رقباي بلامنازع پیمانکاران خصوصی تبدیل شدند و در این رقابت کاملاً نابرابر پیمانکاران خصوصی از میدان رقابت خارج و با کاهش زیاد حجم فعالیت مواجه شدند

عمرانی که موجب بیکار شدن بیش از ۷۰٪ شرکت‌های پیمانکاری گردیده از یک طرف، چالش‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی کشور به ویژه تحریم‌های ظالمانه آمریکا که موجب انسداد صدور خدمات فنی و مهندسی گردیده از طرف دیگر و همچنین انباشت مطالبات پرداخت نشده شرکت‌های پیمانکاری از دولت که طی سالهای اخیر به صورت اوراق بهادار از قبیل اوراق مشارکت و اسناد خزانه پرداخت می‌گردد نه تنها توان اجرایی، مدیریتی و رقابتی این شرکت‌های پیمانکاری را تحلیل برده است زمینه بروز تحولات جدی در استمرار بقای آنها را نیز فراهم کرده است.

دولت نگاه حمایتی به بخش خصوصی داشته باشد

آقای وزینی با اشاره به سخنان مهندس علیاری که به نوعی کمبود اعتبارات عمرانی و محدودیت‌های ناشی از حضور گسترده شرکت‌های غیر خصوصی را مدنظر داشت عنوان کرد: امروزه مسائل تشدید شده و نوسانات و تغییر قیمت‌ها و نبود سیاست‌های پایدار هم مزید علت شده است.

در ادامه دکتر مقدس‌زاده عضو دیگر هیات مدیره نیز عنوان کرد: خارج از مسائل سیاسی و تحریم‌ها و ... این سوال مطرح می‌شود که چرا به این وضعیت رسیده‌ایم. بخش عمده‌ای از معضلات موجود ناشی از رویکرد دولت بوده است. به تاریخ توجه کنید شرایط سیاسی و اجتماعی ایران به گونه‌ای بوده که به خاطر منابع و ثروتی که این کشور داشته دولت‌ها حرف اول را زده‌اند و تا جایی که توانسته‌اند قدرت‌نمایی کرده‌اند و با تکیه بر این ثروت حرف خود را به کرسی نشاندند و حالا که این منابع و شرایط وجود ندارد به بحران رسیده‌اند! آنها خواسته یا ناخواسته نگاه جامع و درستی به اقتصاد نداشته و ندارند و نتیجه ارائه روش‌ها و نگرش‌های کوتاه مدت و توجه به راه کارهایی که به صورت مسکن عمل نماید را همگی شاهد هستیم.

وی افزود: در مقطعی از تاریخ ظاهراً رویکرد بخشی از حاکمیت به سمت بازار آزاد متمرکز گردید و بعضاً به نظر می‌رسد پیروی از تفکر نئولیبرالی یا روش رادیکالی بازار آزاد مطرح بوده ولی متأسفانه به جای خصوصی‌سازی واقعی منتج به تشکیل شرکت‌های خصولتی شده است که به دلیل تفکر مدیریت دولتی حاکم بر این سازمانها کارایی و خروجی لازم را نداشته است. بخش خصوصی نیز که مظلوم واقع شده، در برابر این نهادهای قدرتمند محلی از اعراب نداشته و در نتیجه بخش خصوصی واقعی توان رقابتی خود را در داخل و خارج از کشور از دست داده و در نهایت متجر به بسته شدن یا کاهش فعالیت‌های این نوع

شرکت‌ها گردیده است و دغدغه مهم دولت که اشتغال‌زایی است را با بحران مواجه نموده است، البته ولی به نظر می‌رسد دولت می‌تواند با اجرای برنامه‌های پروتکسیون‌یستی و حمایت کامل و واقعی از بخش خصوصی داخلی توان شرکت‌های خصوصی را ارتقاء دهد.

با همه این اوصاف قطعاً با دانش و غیرت و عشق به وطنی که در این فعالان عرصه سازندگی موج می‌زند و تأیید عرایض بنده همین حضورشان در ایران عزیز و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات است، اطمینان دارم با تکیه بر توانمندی‌های بخش خصوصی در آینده‌ای نه چندان دور به یک رونق اقتصادی و اشتغال پایدار خواهیم رسید.

جامعه پیمانکاری در شرایط رکود قرار دارد

در ادامه آقای وزینی با بیان اینکه ما همیشه با این نکته مواجه هستیم که دولت‌ها پروژه‌هایی بلندپروازانه یا واقع‌بینانه تعریف می‌کنند و در نیمه راه با مشکلاتی مواجه می‌شوند، پرسید: در حال حاضر دولت علاوه بر مشکلات مالی خود با پروژه‌های نیمه تمام به ارث رسیده مواجه شده است. در این وضعیت به چه نکاتی باید توجه شود؟ در پاسخ به این سوال مهندس شعبان یوسفیان عضو هیات مدیره و کمیسیون فنی سندیکا عنوان کرد: جامعه پیمانکاری در شرایط رکود قرار دارد و به همین دلیل جامعه در رکود قرار دارد چرا که پیمانکاران نقش عمده‌ای در گردش مالی و تولید ثروت ملی در کشور دارند. درباره رکود هم حکومت و هم خود ما مقصر هستیم. متأسفانه توان دولت برای اداره مالی کشور کم شده و ادامه این روند به تولید ناخالص و افزایش ثروت ملی ختم نخواهد شد در نتیجه نقدینگی برای پروژه‌های زیربنایی باقی نخواهد ماند. دولت درآمدی از محل ارزش افزوده که پایه اقتصاد هر کشوری است ندارد و متأسفانه راه‌های کسب آن را نیز نمی‌داند و متقابلاً هزینه‌های بالاتر از معمول دارد

و این مسئله مانع اصلی رشد اقتصادی کشور است. در زمینه مصارف انرژی نیز برنامه درستی وجود ندارد از یک طرف شهروندان به صرفه جویی در مصرف آب و برق دعوت می‌شوند که البته با کمی اغماض دعوت به مصرف درست امری لازم است به شرطی که مدیریت جلوگیری از اتلاف انرژی نیز صورت گیرد. وی افزود: به نظر می‌رسد امروزه سیاست دولت در اجرا و تامین مالی طرح‌ها نادرست است و باید با یک نگاه ملی و دانایی جدید به مسائل نگریسته شود. با وجود علاقه سازندگان به بهبود شرایط حاضر و پتانسیل موجود نزد آنها، از آنجایی که هرفعالیت اقتصادی می‌تواند در چهارچوب‌های تعریف شده حکومتی به ثمر برسد لذا لازم است این اراده در طرف مقابل نیز وجود داشته باشد در غیر این صورت ما قادر به انجام هیچ کاری نخواهیم بود پس باید مسیرها اصلاح شود و در آن مسیر قوانین اصلاح شود و مدیریت درست حاکم گردد. با اینکه در کشور ما به اندازه کافی قانون وجود دارد ولی متأسفانه اهتمام کافی به اجرای آن وجود ندارد.

یوسفیان گفت: در مورد بخش پیمانکاری هم باید گفت بیشتر پیمانکاران ما شرایط نامطلوبی را تجربه می‌کنند. اگر جمع مبلغ قراردادهای ۳۵ هزار شرکت رتبه‌بندی شده بخش خصوصی را با مبلغ قراردادهای بخش خصولتی مقایسه کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که بخش خصوصی در این شرایط جایگاهی ندارد. پس شرایط عادلانه‌ای برای فعالیت پیمانکاران وجود ندارد. در مورد پیمانکارانی هم که مشغول به کارند وضعیت‌های مختلفی متصور است. بخشی از آنها با نقدینگی کارفرما کار می‌کنند و کارفرما برای تامین نقدینگی هزاران بلا بر سر آنها می‌آورد. بخشی با شرایط اوراق کار می‌کنند که شاید شرایط آن را از اول نپذیرفته‌اند ولی با اجبار قرارداد نقدی آنها به قرارداد اوراق تبدیل شده است و اکنون آنها با خسارات تنزیل اوراق درگیر هستند. بخشی از پیمانکاران

هم با تهاتر کار می‌کنند که در این مورد عموماً بدترین ملک برای تهاتر و با قیمت بالاتر از عرف پیشنهاد می‌شود. وی افزود: مشکل دیگر پیمانکاران عدم ثبات قیمت‌ها است. دولت گذشته تورم را به قیمت بیکاری و رکود مهار کرده در حالی که مهار تورم با شرایط رونق هنر است. در ۴ ساله دوم دولت تدبیر و امید دارایی مردم نصف شد و ارزش پول هم پایین آمد. تمامی پیمانکاران توانای بخش خصوصی که با پتانسیل قبل از انقلاب پا به عرصه سازندگی در جمهوری اسلامی گذاشته‌اند در سالهای اخیر و طی یک سیر نزولی زمین‌گیر شدند. تورم امروز نسبت به اول انقلاب چندین و چند برابر شده و امکان کار کردن پیمانکاران را از بین برده است. در این شرایط پیمانکاران قادر به حفظ امکانات و دارایی‌های خود در مقابله با تورم نخواهند بود چه رسد به توسعه برای سازندگی. از جانب دیگر رفتار مجریان طرح‌ها می‌بایست تغییر یابد، در بسیاری از قراردادهای قوانین جاری رعایت نمی‌شود و دولتمردان بیشتر از اینکه به فکر گره‌گشایی باشند به دنبال فرافکنی و سلب مسئولیت از خود هستند لذا در این شرایط سرمایه‌گذار نیز رغبت خود را از دست داده و وارد سازندگی نمی‌شود

آیا مخاطب ما دولت است؟

مهندس بیژن سعیدآبادی نائب رئیس سندیکا نیز عنوان کرد: در قدم اول باید دید مخاطب ما کیست. مخاطب ما اعضای صنف هستند یا حکومت؟ ما در تعاملی سازنده با حکومت قرار نداریم که صلاحیت و اختیار ارائه راه حل داشته باشیم، ضمن اینکه در کنار مشکلات مطرح شده فساد، رانت، رویاپردازی در مورد درآمد حاصل از فروش نفت و دولت بی پول نفتی را باید اضافه کرد که تداوم برخی از این شرایط و رویای حاکمیت بر درآمدهای نفتی، استفاده از منابع انسانی کشور را برای تولید ثروت عقیم کرده است. اگر مخاطب ما اعضا باشد باید به آنها توصیه کنیم در شرایط کنونی به انواع ریسک‌های قابل شناسایی و غیر قابل

پیش‌بینی توجه کنند و احتیاط بیشتری را پیشه نمایند و در انتظار باشند تا اوضاع به ثبات بیشتری برسد. اگر مخاطب ما دولت است باید پیشنهاد تغییر در رویکرد و اصلاح در ساختار مبتنی بر رویکرد جدید را ارائه کرد.

وی افزود: دولت از بخش خصوصی حمایت نمی‌کند و به همین خاطر علیرغم تبلیغات گسترده و گوش خراش صادرات، شرکت‌های ما از سال ۲۰۱۳ در عراق زمین‌گیر هستند. برای رفع مشکل این همکاران و جلب حمایت دولت رفت و آمدهای زیادی شد که تا کنون در حد حرف و حدیث مانده است. با شرایط بین‌المللی کنونی هم نمی‌توان

به موفقیت در عرصه صدور خدمات فنی و مهندسی اندیشید چرا که نه به لحاظ سیاسی، نه به لحاظ آثار مخرب تحریم‌ها، نه به لحاظ هماهنگی بین دستگاه‌ها از جمله گمرکات کشور، نه به لحاظ قوانین و نه به لحاظ مسائل بانکی از جمله صدور تضامین بانکی قابل قبول و هزینه‌گزار انتقال پول و امنیت آن که حداقل بین ۸ تا ۱۳ درصد است، فعالیت توأم با توفیق در این عرصه مقدور نیست چرا که همه این مسائل اصل رقابت را زیر سوال می‌برد.

وی افزود: برای کار فرامرزی لازم است مسائل بین‌المللی حل شود وگرنه همه این موارد و مشکلات به بی‌اعتمادی



مهندس بیژن سعیدآبادی:

ما تا سال قبل به اعضای خود توصیه می‌کردیم با توجه به کمبود منابع مالی دولت با قبول مسئولیت بیشتر به مشارکت در سرمایه‌گذاری، طراحی و اجراء و بهره‌برداری در انجام طرح‌ها وارد شوند و نگاه بلند مدت در مورد برگشت سرمایه خود داشته باشند. اما امروز با این شرایط که نمی‌دانیم فردا چه اتفاقی خواهد افتاد چگونه می‌توانیم از اعضای خود انتظار ایجاد مشارکت و پذیرش مسئولیت‌های بیشتر داشته باشیم؟

سازندگان به حاکمیت منجر خواهد شد. ما تا سال قبل به اعضای خود توصیه می‌کردیم با توجه به کمبود منابع مالی دولت با قبول مسئولیت بیشتر به مشارکت در سرمایه‌گذاری، طراحی و اجراء و بهره‌برداری در انجام طرح‌ها وارد شوند و نگاه بلند مدت در مورد برگشت سرمایه خود داشته باشند. اما امروز با این شرایط که نمی‌دانیم فردا چه اتفاقی خواهد افتاد چگونه می‌توانیم از اعضای خود انتظار ایجاد مشارکت و پذیرش مسئولیت‌های بیشتر داشته باشیم؟

وی در ادامه افزود: متأسفانه کسی به صدای ما گوش نمی‌دهد، در صلاحیت ما هم نیست که با توجه به تعامل ضعیفی

که فی‌مابین بخش خصوصی و دولت در حوزه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی وجود دارد، به حاکمیت ارائه راهکار در سطح کلان اقتصادی بدهیم. در حد اعضا هم ما تنها می‌توانیم اعضا را به حرکت محتاطانه در شرایط کنونی دعوت کنیم. در نهایت باید ببینیم مخاطب ما کیست، اینکه به علل فوق مرثیه‌خوانی را ادامه دهیم و یا در صدد دادن راه حل به دولت و حاکمیت دارای گوش شنوا و تشنه ارائه طریق بخش خصوصی باشیم؟ آقای وزینی در واکنش به سخنان مهندس سعیدآبادی با بیان اینکه این مرثیه در ادامه مرثیه ۴۰ ساله است که در مورد آن همنوا هستیم تاکید کرد: بی‌شک اعضای سندیکا با اشراف به این مسائل در فعالیت‌های خود دقت نظر بیشتری خواهند داشت. ضمن اینکه ممکن است گوش شنوایی در حاکمیت این حرف‌ها را بشنود و به آنها ترتیب اثر بدهد. در نهایت فارغ از نتیجه حاصل، صنف پیمانکاران عمرانی دارای یک مسئولیت اجتماعی برای تشریح شرایط کنونی و تلاش در جهت بهبود شرایط دارد.

روی راه حل اصلی تمرکز کنیم

در ادامه مهندس وفایی عضو هیأت مدیره سندیکا عنوان کرد: جناب آقای مهندس سعیدآبادی سوال بسیار مهمی را مطرح کردند ولی قبل از پاسخ به آن باتوجه به موضوع می‌گردد، مشخص می‌گردد شرایط پیمانکاری در بحران است و بحران‌های صنعت احداث در ۴ مقوله می‌گنجد؛ مقوله اول شرایط بحرانی حاصل از سیاست‌های اقتصادی دولت و بحران‌های حاصل از تحریم‌ها، مانند کمبود نقدینگی و بحران پروژه‌های نیمه تمام و افزایش افسارگسیخته دلار است. بحث بعدی، بحران قوانین می‌باشد. بزرگترین مشکل در این باره فراوانی قوانین است. کشور فرانسه در مقایسه با ایران ۲ تا ۳ برابر بیشتر سابقه قانونگذاری دارد اما قانون‌های موجود در ایران ۲ برابر بیشتر از فرانسه می‌باشد. مسئله دیگر، قابل

تفسیر بودن قانون و روشن و شفاف نبودن آن است. علاوه بر این، با عدم اجرای قانون نیز مواجه هستیم. به عنوان مثال مرکز پژوهش‌ها، در مورد اجرای قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، یک بررسی انجام داده و اعلام کرده تنها حدود ۲۰-۳۰ درصد این قانون اجرا شده است که اتفاقاً تمام مواردی که برای شفافیت و حمایت از بخش خصوصی بوده اجرا نشده است. متأسفانه در مورد عدم اجرای قانون و فرار از آن برخورد مشخصی هم وجود ندارد و به خاطر صدمه به بخش خصوصی هیچ نهاد و دستگاهی محاکمه و مواخذه نمی‌شود.

مهندس وفایی مقوله بعدی را فساد نهادینه در دستگاه‌های اجرایی و عدم شفافیت دانست و گفت: همه از وجود فساد مطلع هستیم اما کسی جرات بیان علنی آن را ندارد. در این باره مخاطب این می‌گردد ما هستیم و نباید به دولت و دستگاه‌های دیگر امید بندیدیم و باید اعتراض خود را به موارد فساد اعلام کنیم. وی افزود: مقوله بعدی، نوع برخورد دولت با بخش خصوصی و صنعت احداث و نوع نگاه ارباب رعیتی آن است. برای مثال بدون توجه به واقعیت‌ها و دیدگاه بخش خصوصی به ناگاه، ضرایب منطقه‌ای و ضریب بالاسری را به یکباره حذف می‌کنند، سعی در حذف پیش پرداخت می‌شود، یا بخشنامه‌هایی مانند بخشنامه فصول و بخشنامه سرجمع تدوین می‌شود که با هدف جلوگیری از فساد دستگاه‌های اجرایی است اما در نهایت نتیجه آن به ضرر بخش خصوصی تمام می‌شود و مصداق «گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری» است.

مهندس وفایی تصریح کرد: اتفاقاً در ۱۵-۲۰ سال گذشته ما به نحوی به مشکلات پرداخته‌ایم که دستاوردهای کمی داشته‌ایم. برای مثال بعد از ۵ سال پرداختن به حفظ قدرت خرید اسناد خزانه هنوز نتوانسته‌ایم اجرای صحیح قانون را مطالبه کنیم. به نظر من در شرایط فعلی باید به جای بخشنامه و قوانین،

روی راه حل‌های بنیادی تمرکز کنیم. یعنی با یک نگاه کلی و فارغ از مشکلاتی که معلول یک علت اصلی هستند، به یافتن یک راه حل اساسی جهت اصلاح ۴ مقوله مطرح شده بپردازیم.

از دولت بخواهیم پشتیبان ما باشد

مهندس پور شیرازی نیز تصریح کرد، مشکلات پیمانکاران از سایر صنوف بیشتر است و شامل مواردی مانند عدم پرداخت دولتی، مشکلات اجرایی، دزدگی عوامل با تجربه قدیمی، عدم پشتیبانی دولت و ... می‌شود. متأسفانه قیمت‌های اولیه اجرا بالا رفته و هزینه نهایی پروژه را به شدت بالا برده است. از طرفی دولت از این نکته غافل است که حرفه پیمانکاری با حرف مختلف در ارتباط است و اگر در کشورهای دیگر توسعه ناگهانی دیده شد به خاطر بها دادن دولت آنها به سازندگان زیربنایی بوده است لذا ما باید از سیستم و دولت بخواهیم پشتیبان ما باشد. متأسفانه در شرایط فعلی به علت نبود امنیت اقتصادی، نقدینگی خفته به عرصه سازندگی ورود نمی‌کند در حالی که در ژاپن اگر کسی بالای ۲۵ دلار داشته باشد دیگر به پس‌انداز نمی‌اندیشد و در سازه‌های زیربنایی مشارکت می‌کند.

کشتی ما دچار حادثه شده

و باید آن را نجات دهیم

مهندس علیاری نیز در پاسخ به سوال آقای وزینی که در شرایط کنونی پیمانکاران و دولت چه اقدامی باید انجام دهند عنوان کرد: این مسائل و مشکلات از قبل وجود داشته منتهی آنقدر بوده و ادامه پیدا کرده که شرایط بحرانی شده است، و حالا لازم است برای عبور از بحران اولاً همه آحاد ملت بیدار شوند. هر کسی که به اندازه یک تار موز محبت این کشور را در دل دارد باید بیدار شود و تلاش کند. شاید گفته‌های ما در طی سالهای گذشته شنونده نداشته ولی نباید مایوس شویم، به قول شاعر دست از طلب ندارم تا کام من برآید، یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید.

ما باید تا می‌توانیم تدبیر و تلاش نموده و به حد زیادی مطالبه‌گر باشیم، چرا که کشتی ما دچار حادثه شده و باید آن را نجات دهیم. غیر از ما کسی قادر به نجات این کشتی نیست و در این مسیر آنقدر باید سماجت کنیم و داد بزنیم تا همگان بیدار شده و کار دسته جمعی را شروع نمایند در ثانی ما باید در نگرش و رفتار گذشته خود بازنگری کنیم و ببینیم چه کردیم و نتیجه آن کارها چه بوده است و چه تغییراتی در این باره لازم است انجام شود. این امر باید در سطح ۸۰ میلیون نفر اتفاق بیافتد. به نظر من ما باید قانونمند عمل کنیم و همدیگر را به‌طور جدی مراعات کنیم.

مهندس علیاری ادامه داد: در مورد حاکمیت هم به نظر این حقیر اولاً بایستی همه تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و نخبگان کشور حول مصالح ملی جمع شده و کلیه مسائل و مشکلات اصلی موجود را (که مشخص هم می‌باشند) تقویم نمایند. سپس روی اهداف و ابرچالش‌های اولویت‌دار و همچنین راهبردهای اصلی آنها اتفاق نظر به عمل آورند. در ثانی با تاکید بر پایداری به قوانین جاریه و ساختار سازی و ایجاد ساختار مناسب، عملیاتی شدن راهبردها و رسیدن به اهداف مورد نظر را تضمین نمایند. پرواضح است با وجود ساختار نهادینه شده رفتار سلیقه‌ای از بین رفته و آحاد ملت به ویژه کنشگران همه رشته‌ها می‌دانند که چگونه و در چه چهارچوبی باید حرکت کنند تا از راه درست و به‌طور اخلاق‌مند به هدف خود برسند. همه بزرگان و دولتمردان هم باید قوانین موجود را رعایت کنند آنجاست که راه‌های موجود جهت افزایش میزان GDP کشور و سهم بودجه عمران در GDP افزایش یافته قابل رویت‌تر خواهد بود. همچنین راهکار بر داشتن تنگناهای بخش خصوصی، به ویژه پیمانکاران صنعت احداث و نجات آنها از فضای غیر رقابتی موجود ممکن می‌گردد. بدون انجام مواردی که ذکر شاید اصلاحات موقتی ممکن باشد اما اصلاحات اساسی و زیربنایی مقدور نیست و بعد از چند سال دوباره بحران به

سراغ ما خواهد آمد.

مهندس علیاری تاکید کرد: رعایت قانون باید از دولتمردان و بزرگان شروع شود چرا که ابعاد تاثیر این کار به اندازه جایگاهی که در آن قرار داریم و دارند خواهد بود. با رعایت قانون و ساختار سازی، امنیت و ثبات به اقتصاد و جامعه باز خواهد گشت. در مورد اعضای صنف هم باید اعضا مانند راننده‌ای که در شرایط مه‌آلود رانندگی می‌کند با توجه به شدت و ابعاد مه و کاهش شعاع دید تصمیم‌گیری کنند که با چه سرعتی حرکت کنند یا ترمز کنند و منتظر بهتر شدن شرایط باشند. در این شرایط شرکتهای ما ضمن چشم‌پوشی از گسترش کسب و کارشان، می‌توانند ساختار شرکتهای خود را بازبینی کنند و

ساختاری با شرایط جدید به وجود آورند. البته فارغ از این بحث باید گفت شرایط پیمانکاری سه عامله گذشته مقرون به صرفه نیست و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد که خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: سندیکا نیز بهتر است طی یک برنامه مدون قوانین مرتبط به خود و اعضای خود را جمع‌آوری، الگ و اولویت‌بندی کرده سپس برای اجرایی شدن آنها اقدامات لازم را به عمل آورد. اقدامات مورد نظر هم پیشنهادات اجرایی مفید مشارکت در تهیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های قوانین مورد نظر و مطالبه‌گری و کمک به اجرای درست آنها باشد.



تلاش برای کسب شرایط رقابت‌پذیری خلاق

در قسمت دیگری از این میزگرد آقای وزینی با بیان اینکه بخش خصوصی، بخش خصولتی و همه ما سوار یک کشتی هستیم، درباره سیاست‌هایی که لازم است دولت جهت حمایت از بخش خصوصی اتخاذ کند پرسید که دکتر مقدس‌زاده در پاسخ به آن عنوان کرد: دولت باید قبل از هر چیز تکلیفش را با خودش مشخص کند یا محور توسعه آن انسان است یا تولید ثروت که هر کدام شرایط خاص خود را دارند اما خروجی‌ها نشان می‌دهد دولت با این رویکرد اساساً

مهندس علیاری:

کشتی ما دچار حادثه شده و باید آن را نجات دهیم. غیر از ما کسی قادر به نجات این کشتی نیست و در این مسیر آنقدر باید سماجت کنیم و داد بزنیم تا همگان بیدار شده و کار دسته جمعی را شروع نمایند در ثانی ما باید در نگرش و رفتار گذشته خود بازنگری کنیم و ببینیم چه کردیم و نتیجه آن کارها چه بوده است و چه تغییراتی در این باره لازم است انجام شود.

دنبال توسعه نیست.

وی اشاره نمود رویکرد دولت باید از رقابتی به حمایتی تبدیل گردد البته منظور بنده حمایت خاص و محیرالعقولی نیست فقط کافی است در قدم اول مباحث تقنینی که بخش خصوصی لطمات زیادی از آن خورده را تسهیل نماید. شما به مسائل مالیاتی توجه نمایید دولت برای جلوگیری از فرار مالیاتی و ارتقای درآمد مالیاتی عزم خود را جزم نموده است اما با چه روشی؟ با فشار بیشتر بر بخش خصوصی شفاف که بدون آنکه درآمدهای خود را از کارفرمایان حاصل نماید پیش‌تر از ایشان مطالبه می‌کنند. در بخش تأمین اجتماعی هم که اوضاع به قدری واضح است که نیازی به بیان بیشتر ندارد.

مقدس‌زاده افزود: دولت باید محور توسعه خود را مشخص کند یا بهتر بگوییم باید توسعه‌گرا باشد و این زنگ خطری برای دولت است که شرکت‌های خصوصی به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت خود را با اجبار محدود یا کلاً تعطیل کنند اگر این اتفاق بیفتد قطعاً بحران اجتماعی روی خواهد داد. تنها راه دولت این است که بخش خصوصی را هم با چشم خودی نگاه کند و حمایت‌های لازم را اتخاذ نماید و بهترین مسیر آن همانا توجه به تشکلهای و سندیکاهای مربوطه بوده که این نهادها می‌توانند به شکل‌های مناسبی مجموعه‌های خود را سامان‌دهی نمایند.

وی تصریح کرد: این نکته را باید دولت و حاکمیت مورد توجه قرار دهند که در کوتاه مدت بهترین راه حل اعتماد و اطمینان به سندیکاها و تشکلهای است که در این صورت است که می‌تواند از بحران‌های اجتماعی جلوگیری کند. سازمانها و شرکت‌های بخش خصوصی هم باید به توسعه خود توجه کنند تا اگر انشاءالله روزی برسد که مردم بر این باور باشند که دولت همت خود را برای توسعه و حل و فصل معضلات به کارگمارده است، به سهم خود در توسعه کشور مشارکت فعال تر و بیش از پیش داشته باشند.

وی خاطرنشان کرد: از سویی دیگر ما هم نباید نگاه پیمانکاری صرف داشته باشیم و لازم است در بخش‌های دیگر نیز توسعه یافته و توان خود را ارتقا دهیم تا بتوانیم شرایط رقابت‌پذیری خلاق را ایجاد کنیم.

دولت به وظیفه خود عمل کند

در بخش دیگری از این میزگرد مهندس یوسفیان با اشاره به سوال مهندس سعیدآبادی درباره اینکه مخاطب ما کیست عنوان کرد: حاکمیت به عنوان یکی از مخاطبان ما توجهی به توصیه‌ها و پیشنهاد‌های این بخش ندارد، مخاطب دیگر ما اعضای صنف هستند. در این بخش برخی از پیمانکاران از روی استیصال اقدامات انتحاری انجام می‌دهند. چنانچه مستحضر هستید در برخی اسناد مناقصه شرایطی خارج از شرایط عمومی پیمان قرار داده می‌شود و گفته می‌شود همین شرایط هم با اوراق پرداخت خواهد شد. با این وجود پیمانکاران در مناقصات شرکت می‌کنند چون مستاصل هستند و چاره‌ای جز این کار ندارند. در این شرایط عده‌ای از پیمانکاران به ناچار وارد سرمایه‌گذاری نیز می‌شوند در حالی که حرفه پیمانکاری با سرمایه‌گذاری مناسبت ندارد سرمایه پیمانکار ماشین آلات، نیروی انسانی و توان تخصصی وی است و نباید پیمانکاران وارد مسیر نادرست تأمین

دکتر مقدس‌زاد:

این زنگ خطری برای دولت است که شرکت‌های خصوصی به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت خود را با اجبار محدود یا کلاً تعطیل کنند اگر این اتفاق بیفتد قطعاً بحران اجتماعی روی خواهد داد این نکته را باید دولت و حاکمیت مورد توجه قرار دهند که در کوتاه مدت بهترین راه حل اعتماد و اطمینان به سندیکاها و تشکلهای است که در این صورت است که می‌تواند از بحران‌های اجتماعی جلوگیری کند

نقدینگی گردند.

وی با اشاره وضعیت ناپایدار اقتصادی کشور به عدم امنیت پیمانکاران در اجرای پروژه‌های صرفاً پیمانکاری اشاره کرد و اظهار نمود با وجود تلاش سندیکا در جهت نزدیک کردن شاخص‌های تعدیل به واقعیت تعدیل‌ها درست محاسبه می‌شوند ولی با شرایط کنونی پاسخگوی افزایش قیمت‌ها نیستند. در این شرایط چنانچه پیمانکاری در قرارداد خود متعهد به تأمین سرمایه نیز باشد خدا می‌داند با چه معضل اقتصادی مواجه خواهد شد. وی در پایان تأکید کرد: ما از دولت انتظار حمایت نداریم اما لازم است به وظایف قانونی خود عمل کند.

پیمانکاری در شرایط کنونی

بندبازی است

مهندس علی ورزنده رئیس کمیسیون انتشارات نیز با بیان اینکه مخاطبان ما دولت، حاکمیت، مردم و همکاران ما هستند، افزود: همه ما به شرایط کنونی اشراف داریم. اوضاع پیش روی ما اوضاع مطلوبی نیست و روز به روز اخبار بدتری به گوش ما می‌رسد. ما ضمن وظیفه تخصصی و صنفی خود در ماهنامه یک وظیفه ژورنالیستی هم داریم، و به عنوان یک نشریه باید دیدگاه‌ها و بیانات اعضای خود را منعکس کنیم.

وی افزود: در یک دوره زمانی نظرات اقتصاددانان معروف را در نشریه منعکس کردیم و برخی دوستان بر ما خرده گرفتند که اینها متخصص هستند و از آنها کاری بر نمی‌آید و ما نیاز به انسانهای بندبازی داریم که در شرایط استراتژیک فعلی بتوانند به ما بندبازی یاد دهند. اکنون ما سراغ پیمانکاران آمده‌ایم که کار آنها در شرایط اقتصادی کنونی کشور بی‌شبهت به بندبازی نیست.

وی در پایان ضمن قدردانی از حاضران در میزگرد و طرح مسائل کلیدی، از برگزاری سلسله میزگردهایی با همین موضوع و با حضور سایر اعضای هیات مدیره و اعضای صنف خبر داد.

ورود به وضعیت قرمز

مهندس علاءالدین سادات باریکانی عضو دیگر کمیسیون انتشارات نیز عنوان کرد: ما سالیان زیادی است که با شرایط نامناسبی کار می‌کنیم. ورود شرکتهای بخش دولتی به بازار کار پیمانکاری و واگذاریهای ناعادلانه کارها، بخش خصوصی را به تدریج تضعیف کرد. ما کمتر شرکتی در طول این سالها داشتیم که با ظرفیت کامل خود فعالیت داشته باشد. با این وجود همکاران در سالهای اخیر کار می‌کردند تا اینکه اخیرا مشکل نقدینگی و تأخیر در پرداخت دولت هم اضافه شد، از طرفی قوانینی مانند مالیات و بیمه هم سخت‌گیرانه تر شدند و رmq پیمانکاران به تدریج کمتر و کمتر شد. در حال حاضر به شرایطی برخوردیم که به یکباره و ظرف یکماه قیمتها ۷۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. اکنون سوال این است که پیمانکاری که قبل از این بحران، با سختی گذران می‌کرده چه باید کند.

وی افزود: ما در سالیان گذشته شاهد کاهش یا توقف کار شرکتهای بوده‌ایم اما با روند کنونی احتمالا طی یک سال جاری درصد قابل ملاحظه‌ای از این شرکتهای با توقف کامل و ورشکستگی مواجه خواهند شد که این امر به معضل پروژه‌های نیمه تمام و تشدید بیکاری دامن خواهد زد.

باریکانی تصریح کرد: سندیکا به لحاظ مسئولیت حرفه‌ای باید به معضل صنف بپردازد و اگر در بخش دولتی گوش شنوایی وجود دارد او را مخاطب قرار دهیم و گرنه بیندیشیم این صنف نیمه جان را چگونه زنده نگه داریم که در شرایط بهتر و با حل مشکلات بتواند به فعالیت خود ادامه دهد. به اعتقاد من امروز مسئله ما از حالت عادی خارج شده و ما وارد وضعیت قرمزی شده‌ایم و فارغ از اینکه ما همیشه سعی کرده‌ایم نظر خود را به دولتمردان منتقل کنیم، در مورد قوانین اظهار نظر کنیم و دولت را به سمت اعتماد به بخش خصوصی سوق دهیم، امروز هم باید تاکید کنیم که این

بخش از بخش‌های مهم و مولد اقتصاد است و هر وقت با ظرفیت قابل توجهی کار کرده اقتصاد به شرایط قابل قبولی رسیده و به محض اینکه این بخش با رکود مواجه شده اقتصاد با رکود مواجه شده، در واقع وضعیت این بخش که فعالیت آن در راستای منافع ملی و اقتصاد سالم است، شاخص خوبی از وضعیت کل اقتصاد است.

وی افزود: ما باید نظرات خود را درباره راه حل‌های کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم کنیم و جمع‌بندی خود را به دولت ارائه دهیم. در جمع صنف هم فرهنگ‌سازی و توسعه زیرساختها را دنبال کنیم ولی در شرایط بحرانی کنونی که ممکن است اقتصاد به حالت کما برود باید ببینیم چه

خواسته‌ای باید از دولت داشته باشیم، و همزمان همکاران خود را از معضلات آگاه کنیم تا با خسارات کمتری از این بحران عبور کنیم.

دولت رویکرد توسعه ندارد

در بخش پایانی آقای وزینی از مهندس سعیدآبادی پرسید با فرض امیدواری به اینکه سیاستمداران حساس به توصیه‌های بخش خصوصی توجه کنند، برای داشتن چشم‌اندازی بهتری از آینده صنعت احداث چه باید کرد، که مهندس سعیدآبادی عنوان کرد: حاکمیت باید رویکرد خود را به توسعه تعریف کند چرا که دیگر سیاست‌های یک بام و چند هوا جواب نمی‌دهد که با نوسان نرخ نفت



مهندس یوسفیان:

تجربه دنیا نشان داده است اقتصاد دولتی موفق نبوده است می‌توان به دولت پیشنهاد داد به مرور زمان کارهای اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کند و از ظرفی امنیت بین‌المللی سرمایه بخش خصوصی را تأمین کند. از مجریان نیز انتظار می‌رود از وضع شرایط نامتعارف در قراردادهای خودداری کنند.

رفتارهای متفاوتی با بخش خصوصی داشت. با اینکه چیزی به پایان دوره چشم‌انداز ۱۴۰۴ نمانده اما هیچ کدام از اهداف آن تحقق نیافته و هیچ کس در این زمینه پاسخگو نیست. در واقع نظارتی بر برنامه چشم‌انداز و شاخصی برای سنجیدن میزان پیشرفت آن وجود ندارد.

وی افزود: منابع زیادی را برای برنامه‌های مختلف هزینه کرده‌ایم بدون آنکه به اهداف آنها برسیم. به نظر می‌رسد دولت رویکرد توسعه‌ای ندارد. توصیه کوتاه مدت سندیکا در این شرایط به شرکتهای خود این است که مراقب باشند و ریسک‌پذیری کمتری نشان دهند. بخش

خصوصی در فضای موجود مشکلات کمی ندارد و نباید به این مشکلات دامن زده شود. از جمله این مشکلات این است که بخش خصوصی هم احتمال دارد ناخودآگاه و یا به ناچار آلوده به فساد و رانت موجود شود، لیکن در صورتی که جهت گیری های کلی درست باشد می توان برای همه مشکلات از جمله برچیدن فساد چاره اندیشی کرد. با توجه به کمبود منابع دولت توصیه بلند مدت سندیکا به اعضای خود تشکیل سرمایه است تا به طور مستقل و یا به طریق مشارکت پروژه اجرا کنند. البته در این شرایط هم فرآیندهای جاری بنگاه و هم شیوه مدیریت آن تغییر خواهد کرد که البته مهمترین و مشکل ترین بخش این تغییر، به نظر اینجانب تغییر نگاه کوتاه مدت بنگاههای حاضر، به نگاه بلند مدت است.

سعیدآبادی افزود: اقدامات لازم بلند مدت در سطح ملی نیز شامل برچیدن فساد و افزودن سهم بخش خصوصی در GDP است که می تواند رویکرد توسعه ای دولت باشد. علیرغم اینکه تشکلهای صنفی و حرفه ای نباید کار سیاسی کنند اما به نظر من این تشکلهای ناگزیرند به کار سیاسی ورود کنند، نه اینکه حزب سیاسی درست کنند، بلکه سیاسی نگاه کنند، سیاسی فکر کنند و اثر بگذارند و نخبه معرفی کنند. اگر تشکلهای صنفی بخواهند به تحرکات سیاسی عکس العمل نشان دهند و برای تصدی گیری در جایگاههای تصمیم سازی و تصمیم گیری نخبه معرفی کنند، پیش از همه کارها باید با هم متحد و همصدا شوند.

شرکتهای ما توانمند نشده اند

مهندس وفایی نیز در این بخش عنوان کرد: در دنیای امروز، دیگر لفظ کشورهای جهان سوم به کار نمی رود و عموماً به آن ها کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته گفته می شود، که بزرگترین تفاوت کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، افراد و

تشکلهای آنها هستند که توانمند شده اند و باعث شده اند کشورشان توسعه یابد. در ۴۰ سال گذشته شرکت های ما بزرگ شده اند ولی توانمند نشده اند. اگر صنعت احداث خود را با ترکیه مقایسه کنیم متوجه وضعیت خود می شویم. همین شرکت های رشد یافته و بزرگ ما ضمن اینکه آینده نامعلومی دارند، با هزار و یک مشکل روبرو هستند. درست است که حل مشکلات در دست دولت است اما واقعیت این است که وقتی افراد و تشکلهای یک جامعه توانمند می شوند و مطالبه گری می کنند و پاسخ می خواهند، دولت و حاکمیت مجبور به اصلاح امور می شود. متأسفانه تشکلهای ما شیوه استیفای حقوق خود را نمی دانند.

وی افزود: در اساسنامه تشکلهای ذکر می شود که نباید کار سیاسی انجام دهند در صورتی که به نظر من ۹۵ درصد کارهایی که ما فکر می کنیم سیاسی هستند در واقع سیاسی نیستند و در دایره وظیفه تشکلهای می گنجند. متأسفانه ما با همین دیدگاه خود سانسوری می کنیم. برای مثال در مقطعی، از دو نماینده مجلس دعوت کردیم تا برای حضور در جلسه به سندیکا بیایند، در جلسه یکی از اعضای حاضر، درباره میزان فساد در دستگاه ها سوالی پرسید و آن نماینده مجلس در جواب گفت فساد در بخش خصوصی

مهندس وفایی :

در دنیای امروز، دیگر لفظ کشورهای جهان سوم به کار نمی رود و عموماً به آن ها کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته گفته می شود، که بزرگترین تفاوت کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، افراد و تشکلهای آنها هستند که توانمند شده اند و باعث شده اند کشورشان توسعه یابد.

است و بابت زنجانی را مثال زد که ما در دادن پاسخ محکم در همان جلسه تعارف کردیم. یا برای مثال در مورد مسئله آب، آقای دکتر کلانتری عنوان کرده است که با توجه به منابع موجود تنها قادر به تامین غذای ۵۰ میلیون نفر هستیم، از طرفی هم بحث افزایش جمعیت به ۱۵۰ میلیون نفر تا ۲۰-۳۰ سال آینده مطرح است، یک نفر نمی آید از این تناقض سخن بگوید و آن را نقد کند.

مهندس وفایی عنوان کرد: سندیکا دستاوردهای خوبی داشته است ولی هنوز به هدف غایی خود نرسیده ایم. ما باید درسندیکا در محتوا و فرم آن تجدید نظر کنیم تا بتوانیم به اهداف خود دست یابیم.

حضور مطالبه گران

مهندس علیاری نیز در سخنان پایانی خود عنوان کرد: از اعضای سندیکا درخواست حضور پررنگ تر و مطالبه گرانه دارم تا تحرک را در سندیکا بیشتر کنند. در مورد سندیکا هم لازم است این تشکل در پیگیری مطالبات اعضا از کارفرمایان به آنها کمک کند و با رای زنی لازم در جهت کاهش فشار مالیاتی بر آنها قدم بردارد. در مورد دولت هم ساختار سازی، رعایت قانون و نهاد سازی و گردش قدرت درون سیستم برای بهبود شرایط لازم است. در مورد رعایت قانون، هم باید در مورد برنامه های توسعه راهبردهای عملیاتی و برنامه اجرا و شاخص هایی برای سنجیدن انتخاب شود.

اقتصاد دولتی جواب نمی دهد

مهندس یوسفیان نیز با اشاره به اینکه تجربه دنیا نشان داده است اقتصاد دولتی موفق نبوده است عنوان کرد: می توان به دولت پیشنهاد داد به مرور زمان کارهای اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کند و از طرفی امنیت بین المللی سرمایه بخش خصوصی را تامین کند. از مجریان نیز انتظار می رود از وضع شرایط نامتعرف در قراردادهای خودداری کنند.

مسلم است که براساس همین اصل وقتی که سود بانکی به صورت دستوری کاهش می‌یابد، در فضای میهم کسب و کار در حالی که شاخص‌هایی مانند ارزیابی ریسک (RA) بسیار بالاست، این سرمایه‌ها به سوی تولید که صرفاً مطلوب دولت است سرازیر نخواهد شد و براساس همین نظریه ماندویل و آدام اسمیت، اقتصاد براساس اصول اخلاقی در جهت اشتغال زایی و کمک به اقتصاد ملی و کاهش بیکاری حرکت نخواهد کرد! به زبان ساده تر آنچه که در تلاطم‌های اخیر بازارهای مالی رخ داد کاملاً عادی بود و انتظار دولت غیرواقع بینانه و بر خلاف اصول پایه ای اقتصاد بود. بر اساس همین اصل ساده است که عموم اقتصاددانان مخالف اقتصاد دستوری هستند. مادامی که دولت برای این نیاز "سودجویی" کانال موجه را تعریف نکند این سرمایه و سیل نقدینگی (۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان) از بازاری به بازار دیگر و در نهایت به فرار سرمایه منجر خواهد شد. توده‌ای‌ها که مکتب کمونیسم- سوسیالیسم را در ایران نمایندگی می‌کردند با وجود اینکه سازمان یافته‌ترین تشکل ایران بود به دلایل مختلف نتوانستند قدرت را در دست بگیرند اما بخش مهمی از تفکرات کمونیستی- سوسیالیستی به ناخودآگاه جمعی ایرانیان رسوخ کرد و بازخوردهای بیرونی زیادی به جای گذاشت که تا امروز ادامه داشته است.

از صد سال پیش تا کنون، ستیزه جویی با ثروت و مالکیت خصوصی به بخشی از ادبیات عامه مردم ما تبدیل شده و پاپیولیست‌ها و مدیران ریز و درشت همواره با بهره‌گیری از این ذهنیت ثروتمند ستیز عامه با سودای رسیدن به قدرت و یا پوشش بر ناکارآمدی خودشان موج سواری کرده اند.

البته مبارزه با فساد امری پسندیده و ضروری است اما نیازمند شفافیت، قوانین شفاف، استراتژی، عزم راسخ ملی، برخورد‌های مستقل و شفاف است و فرسنگ‌ها با مبارزه تریبونی با فساد و درشت گویی‌های مقطعی با اهداف سیاسی فاصله دارد و صد البته چنین بگیر و ببند‌های مقطعی خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد وارد می‌کند.



۶ تجربه جهانی در مبارزه با فساد

ماندویل در "افسانه زنبورها" کندویی را ترسیم می‌کند که زنبورهایش تصمیم می‌گیرند قانع باشند و طمع‌ورزی نکنند و آخر کار کندویی بی‌رونق و پوسیده به جای می‌گذارند!

بنابراین وظیفه دولت‌هاست که با وضع قوانین عادلانه و شفاف و اجرای بی‌اغماض قوانین این "سودجویی"‌ها را کنترل کنند و به سویی هدایت کنند که خودخواهی و سودجویی‌های فردی بیشترین نفع اجتماعی را داشته باشند! بنابراین اصرار دولت و بانک مرکزی بر پایین نگه داشتن سودهای بانکی توجیه دقیقی ندارد. اینکه پیوسته مقامات ارشد دولتی بگویند "عده ای سودجو وارد بازار ارز و طلا و مسکن شده‌اند و چنین و چنان شده است" و "دولت با این سودجویان چنین و چنان خواهد کرد" ناشی از عدم شناخت این اصل بنیادین اقتصاد یعنی رسمیت سودجویی و منفعت طلبی است.

امید خزانی: اخلاق حاکم بر اقتصاد با اخلاق عمومی متفاوت است. نیم قرن قبل از آدام اسمیت انگلیسی که جمله معروفش "قصاب و نانوا از روی خیرخواهی گوشت و نان به مردم نمی‌دهند و از روی نفع شخصی این کار را می‌کنند!" اساس اقتصاد سرمایه‌داری بر پایه "سودجویی" را بنیان‌گذاری کرد، برنارد ماندویل (Bernard Mandeville) هلندی با انتشار کتاب "افسانه زنبورها" و جمله معروف "گناهان فردی می‌توانند حسنات جمعی باشند" تحولی در نگاه سنتی به اقتصاد ایجاد کرد.

ماندویل معتقد بود که طمع و خودخواهی بشر نیروی محرکه اقتصادی‌اند و اگر به رسمیت شناخته نشوند جامعه از نظر اقتصادی پیشرفت نخواهد کرد. بنابراین "سودجویی" امری کاملاً عادی و موافق با طبع بشری است و حتی اگر از نظر اخلاق فردی امری نکوهیده باشد برای کلیت جامعه مفید خواهد بود.

هر چند قوانین در ایران از ثروت و مالکیت خصوصی حمایت می‌کند اما ناخودآگاه جمعی ما ایرانیان در ثروت ستیزی - که البته ریشه در فسادهای نهادینه شده از زمان‌های گذشته دارد - خشک و تر را با هم سوزانده است.

تریبون‌های فساد ستیزمقام‌های دولتی و غیردولتی این روزها اگر منتج به برخوردهای شفاف، قانونمند با فساد نشوند قطعاً اثر مخرب تر "گریز سرمایه‌ها" را تشدید خواهد کرد!

در دوره قبل از تحریم‌ها (۱۹۹۶-۲۰۰۴) حتی تنش‌های اندک داخلی ایران باعث شد سرمایه زیادی از ایران روانه دویی شود و سالانه ۱,۱ میلیارد دلار فقط سرمایه خارجی (FDI) جذب شود که رقم بسیار ناچیزی است و این آمار در دوره پرتنش آقای احمدی نژاد کاملاً منفی شد و به

تنها ثمره ای که به جای گذاشت در دوره اول دولت وی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ سرمایه ای بالغ بر ۲۵۰ میلیارد دلار در اثر تنش‌های تریبونی و اشتباهات فاحش اقتصادی از ایران خارج شد!

۶ استراتژی جهانی

برای مبارزه با فساد

برای مبارزه با فساد استراتژی‌های آزموده شده جهانی وجود دارد که با توسل به آنها در صورت عزم راسخ بدون جنجال‌های تریبونی می‌شود فساد را به حداقل رساند و از طرفی جلوی فرار سرمایه را هم گرفت.

۱- حقوق بالا برای کارمندان

و مدیران دولت

البته در کشوری که حدود ۴ میلیون



حدود ۲۵۰ میلیارد دلار فرار سرمایه رسید! سال‌هاست که ما در پی جذب سرمایه خارجی و سرمایه ایرانی‌های خارج از کشور هستیم که گفته می‌شود بالغ بر چند تریلیون دلار است ولی موفقیتی نداشته ایم و یکی از دلایل اش عدم شفافیت و جنجال‌های تریبونی است و سرمایه گذاری‌های خارجی هم اندک بوده و در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی محدود شده است.

رییس دولت‌های نهم و دهم که فصلی نو در فسادستیزی تریبونی گشود، همواره در پشت تریبون چه در دوره کارزار تبلیغاتی اش و چه در دوره اوج قدرتش از لیست مفسدان اقتصادی سخن می‌گفت که در جیبش بود و قرار بود رسوایشان کند! البته هرگز تا پایان دولتش فاش نشد و

می‌کنند که خود فساد را کاهش می‌دهد. در واقع نظام پرداخت هماهنگ که در کشور ما اجرا می‌شود خود فسادزاست. برای مثال در کشور اسپانیا مدیرمیانمی که برای گمرک استخدام می‌شود صرفاً از طریق آزمون بسیار سخت CSE است و نخبگانی که از پس آزمون برمی‌آیند در ابتدای کارشان ۱۰۰۰۰ یورو حقوق می‌گیرند. این نوع مبارزه با فساد هم جلوی فرار سرمایه را می‌گیرد و هم فرار مغزها را.

۲- شفاف سازی

در هزینه کردهای دولت

هزینه‌هایی که دولت برای معافیت‌های مالیاتی، یارانه‌ها، خدمات عمومی، بودجه‌های اضافی برای مصارف بخش‌های خاص انجام می‌دهد باید شفافیت یابد. هر چقدر دولت‌ها در شفاف‌سازی هزینه‌ها تلاش کنند فساد سازمان یافته کاهش می‌یابد.

۳- کاهش تشریفات اداری

(Red Tape)

یکی از مهمترین استراتژی‌های مبارزه با فساد کاهش تشریفات اداری است. در ایران ۱۸۲۰۰۰ ضابطه، بخشنامه و تبصره برای انجام کارهای تجاری وجود دارد که نه تنها باعث فساد سیستمی می‌شود بلکه روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بسیار کند می‌کند. رتبه ایران هم اکنون از نظر سهولت کسب و کار و تشریفات اداری ۱۲۴ام است و راه اندازی کسب و کار در ایران به طور میانگین ۸۷ روز طول می‌کشد که فقط از برخی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی موقعیت بهتری دارد! در حالیکه رتبه ترکیه ۶۰ و رتبه امارات-دوبی از لحاظ سهولت کسب و کار ۲۰ام است. هر چقدر این رتبه پایین تر باشد فساد سیستمی پایین است. جالب است بدانیم راه اندازی کسب و کار در کانادا ۱,۵ روز و در نیوزلند فقط ۱ روز طول می‌کشد!

۴- جایگزینی نظام واپس‌گرایی

سوسپید دهی بخش‌های مختلف با

نظام پرداخت نقدی هدفمند

یکی از مهمترین سیستم‌های فسادزا پرداخت یارانه به بخش‌های مختلف

کارمند دولتی دارد امکان پرداخت حقوق بالا وجود ندارد و خود این تعداد بالا از کارمندان باعث مشکلات ساختاری در اقتصاد می‌شود و دولت را بزرگ، بوروکراتیک و کم بازده می‌کند. در برنامه‌ای میان مدت لازم است دولت و مجلس این تعداد را به یک هفتم تا یک هشتم کنونی برسانند و نسل جدیدی از کارمندان دولت را صرفاً از طریق آزمون‌های CSE که در کشورهای پیشرفته جهان متداول است استخدام کنند.

در کشورهای پیشرفته جهان مدیران میانی و کارمندان صرفاً از طریق آزمون‌های بسیار سخت CSE استخدام می‌شوند که فقط نخبگان از پس آن بر می‌آیند و حقوق‌های بالایی هم دریافت

مذاکره برای تامین مالی ۸ طرح

سرمایه‌گذاری در ۸ طرح آزادراهی به ارزش ۴ هزار میلیارد تومان خبرداد و افزود: این طرح‌ها شامل آزادراه‌های حرم تا حرم، اصفهان - شیراز، تبریز - ارومیه، تبریز - بازرگان، قم - سلفچگان - اراک - خرم‌آباد، سیرجان - بندرعباس، کنارگذر جنوبی تهران و مراغه - هشت‌رود - نغده - تمرچین است.

خدمتی نحوه مشارکت سرمایه‌گذاران در این طرح‌ها را توضیح داد و عنوان کرد: سرمایه‌گذاران می‌توانند در تامین سهم مالی دولت با تضمین سازمان برنامه و بودجه یا تکمیل آزادراه‌هایی که بخش‌هایی از آن به دلیل کمبود منابع مالی پیمانکار نیمه کاره مانده است مشارکت کنند و در سود آتی آزادراه سهیم شوند. وی افزود: در خصوص آزادراه‌هایی که عملیات اجرایی آن آغاز نشده است نیز با استفاده از سود حاصل از عوارض و سایر منافع آزادراهی می‌توانند هزینه‌های مشارکت را پس از بهره‌برداری مستهلک کنند.

منبع: روابط عمومی شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور- ۱۱ تیر

معاون وزیرراه گفت: طبق موافقت سازمان برنامه و بودجه کلیه سرمایه‌گذاران می‌توانند با استناد به آیین نامه ماده ۵۶ قانون الحاق به منظور تامین مالی ۸ طرح آزادراهی به ارزش ۴ هزار میلیارد سرمایه‌گذاری کنند. خیراله خادمی در دیدار با مدیران شرکت‌های تامین مالی درباره همکاری بخش خصوصی در پروژه‌های آزادراهی گفت: براساس آیین‌نامه اجرایی ماده واحده قانون اصلاح ماده ۵۶ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت طرح‌هایی که در قانون بودجه دارای ردیف اعتباری هستند و با استفاده از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی احداث می‌شوند، برگشت اصل و سود سرمایه‌گذاری طی یک دوره معین از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور تضمین می‌شوند.

خدمتی بیان داشت: یافتن مطمئن‌ترین روش برای مشارکت سرمایه‌گذاران که آنها از بازگشت اصل سرمایه و سود حاصله اطمینان داشته باشند برای ما از اهمیت بالایی برخوردار است.

وی از آمادگی تامین مالی برای

به ویژه در زمینه انرژی است. دولت‌ها سالانه ۱,۹ تریلیون دلار یارانه به بخش انرژی پرداخت می‌کنند که علاوه بر ضربات مهلک به محیط زیست زمینه ایجاد فساد سیستمی را تقویت می‌کند.

در ایران بالاترین یارانه به انرژی در دنیا پرداخت می‌شود و حتی بسار بیشتر از کشورهای ثروتمند و کم جمعیت حوزه خلیج فارس. میزان مصرف سوخت در ایران حداقل ۱۵ برابر کشور ترکیه (از نظر ارزش) است. ارز وارداتی (ارز ارزان) که به واردات کالاهای مختلف با هدف پایین نگه داشتن قیمت‌ها اختصاص می‌یابد وقتی با بوروکراسی پیچیده و نظارت ضعیف ترکیب شود فسادهای بزرگ به بار می‌آورد. یارانه همواره با احتکار، قاچاق و بروز بازار سیاه عجین می‌شود. در کشورهای پیشرو با بهره‌گیری از نظام راستی‌آزمایی یارانه‌های اعتباری و نقدی به گروه‌های خاصی از جامعه پرداخت می‌شود

۵- پیوستن به معاهدات

بین‌المللی مالی

پیوستن به نظام‌های بین‌المللی مالی به طور چشمگیری فساد سازمانی را کاهش می‌دهد و باعث اعتماد برون سازمانی به نهادهای مالی و اداری می‌شود. برای مثال یکی از دلایل موفقیت بنیاد خیریه محک در بین صدها مرکز خیریه که تراکنش‌های مالی دارند پیوستن به نظام‌های شفاف سازی بین‌المللی و اخذ گواهینامه‌های شفافیت مالی است.

۶- استفاده از تکنولوژی‌های هوشمند

کشور شیلی در آمریکای لاتین که یکی از بالاترین نرخ‌های فساد اداری را داشت با استقرار دولت هوشمند بین سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۲ تقریباً فساد اداری گسترده‌اش را ریشه کن کرد.

بنابر موارد اشاره شده در بالا اقتصاد زیان، اخلاق و منش ویژه خود را داراست و مبارزه با فساد نیز نیازمند بهره‌گیری از استراتژی‌های کوتاه مدت و میان مدت است و از مسیر جنجال‌های تریبونی نمی‌گذرد. جنجال‌های تریبونی فقط به تشدید تنش‌ها و ناامنی در بازارهای سرمایه و فقیرتر شدن فقرا و قشرهای متوسط می‌انجامد.

۲۵ تیر- عصر ایران





جناب آقای مهندس غلامحسین حمزه مصطفوی
ریاست محترم امور نظام فنی اجرایی - سازمان برنامه و بودجه کشور
موضوع: تبصره ۳ ماده ۴۱ شرایط عمومی پیمان

پس از سلام

به پیوست تصویر نامه های شماره ۹۹/۷/۵/۴۶۵۵ مورخ ۹۶/۱۲/۸ و ۱۲/۷/۵/۱۰۴۶ مورخ ۹۶/۱۰/۱۱ شرکت عمران آذرستان در ارتباط با مفاد بند ۳ ماده ۴۱ شرایط عمومی پیمان ارسال و به استحضار می رساند، شرکت عمران آذرستان اظهار می دارد:

- ۱- در قرارداد منعقد آن شرکت براساس ضوابط شرایط عمومی پیمان، با شهرداری شهر کرد جهت اجرای پروژه برجهای دوقلو شهر کرد، عملیات مورد تعهد تا مرحله پایان اسکلت فلزی انجام گردیده است.
- ۲- نظر به عدم توانایی مالی کارفرما و نبود اعتبارات لازم برای ادامه کار، کارفرما رأساً طبق صورتجلسه مورخ ۹۴/۶/۱۰ با اعمال ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان نسبت به اعمال خاتمه پیمان اقدام نموده و انجام اقدامات بعدی (تحویل قطعی پروژه در وضعیت نیمه تمام) را طبق صورتجلسه پیوست به شرکت ابلاغ نموده است.
- ۳- پس از طی فرآیند ارائه مدارک و مستندات پروژه اجرا شده بنابه درخواست مهندس مشاور و تشکیل جلسات کارشناسی و تأیید مشاور طی نامه شماره ۱۱۹۶۸ مورخ ۹۵/۶/۲۰ در خصوص تحویل قطعی علیرغم دو مرحله درخواست مکتوب در تاریخ ۹۵/۸/۱۲ و ۹۵/۹/۱۷ اقدام موثری به توسط کارفرما، جهت دعوت از کمیسیون تحویل قطعی و تحویل فیزیکی پروژه بعمل نیامده است و مراحل تسویه حساب قراردادی نیز متوقف باقی مانده است.
- ۴- متعاقباً شرکت طی نامه شماره ۱۰۶۴ مورخ ۹۶/۱۰/۱۰ به استناد مفاد تبصره ۳ ماده ۴۱ شرایط عمومی پیمان تر به تحقق تحویل قطعی ، اقدامات بعدی در خصوص آزاد سازی تضامین انجام تعهدات و مراحل تسویه حساب را از کارفرما مطالبه نموده است.

- ۵- شرکت عمران آذرستان در خصوص انجام اقدامات قانونی و قراردادی درخواست اعلام نظر می نماید.
- با بررسی بعمل آمده ، به نظر این سندیکا با توجه به اقدامات مطابق ردیفهای فوق و مفاد تبصره ۳ ماده ۴۱ (تحویل قطعی) شرایط عمومی پیمان که تصریح می نماید «اگر کارفرما با وجود تقاضای پیمانکار ، اقدام به اعزام هیأت تحویل نکند، واین تأخیر بیش از دوماه به طول انجام و پس از درخواست مجدد پیمانکار و انقضای یک ماه از تاریخ تقاضای مجدد، کارفرما دراین زمینه اقدامی نکند، عملیات موضوع پیمان تحویل قطعی شده تلقی می گردد و باید اقدامات پس از تحویل قطعی در مورد آن انجام شود» لذا عملیات موضوع پیمان مشمول تحویل قطعی گردیده است.
- تقاضا دارد مقرر فرمایند در صورت تأیید مراتب را جهت اعلام به شرکت عمران آذرستان به این سندیکا ابلاغ نمایند.

با تقدیم احترام
ابو ج کلانچوی
دیر ۹۶/۱۲/۲۲



ریاست جمهوری
سازمان برنامه و بودجه کشور

شماره: ۱۳۳۲۸۳
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۳/۲۴
پست: ندارد

بسمه تعالی

جناب آقای گلابتونچی
دبیر محترم سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
موضوع: پروژه برج های دوقلو شهرکرد

باسلام و احترام؛

بازگشت به نامه‌ی شماره‌ی ۵۷۸۵۸-۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ منضم به نامه‌ی شماره‌ی ۹۹/۷/۵/۴۶۵۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۸ شرکت عمران آذرستان در مورد ابلاغ خاتمه پیمان پروژه موضوع یادشده و مراحل تحویل کار، اعلام می‌نماید:

در قراردادهای پیمانکاری که مطابق مفاد نشریه شماره ۴۳۱۱ و ضوابط مربوط نظام فنی و اجرایی تنظیم و منعقد شده‌اند، در صورت ابلاغ خاتمه پیمان به پیمانکار، لازم است اقدامات بعدی به شرح مفاد ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان به انجام برسد. در این رابطه کارفرما آن قسمت از کارها را که ناتمام است طبق مفاد ماده ۴۱ تحویل قطعی گرفته و اگر معایبی در مورد کارهای ناتمام ملاحظه شود، پیمانکار مکلف است به هزینه خود در مدت مناسبی گه با توافق کارفرما تعیین می‌شود، رفع عیب نماید و سپس تحویل قطعی دهد. همچنین آن قسمت را که پایان یافته است را طبق مفاد ماده ۳۹ تحویل موقت می‌گیرد، و منظور آن قسمت از کار است که به اتمام رسیده و قابل بهره‌برداری باشد و ناتمام بودن بخش‌های دیگر مانع کارکرد و بهره‌برداری قسمت مذکور نباشد. در اجرای تحویل قطعی قسمت‌های مربوط، اگر کارفرما با وجود تقاضای پیمانکار اقدام به اعزام هیات تحویل نکند و این تحویل بیش از دو ماه به طول انجامد و پس از درخواست مجدد پیمانکار و انقضای یک ماه از تاریخ مجدد، همچنان کارفرما در زمینه اعزام هیات تحویل اقدام نکند، به استناد تبصره (۳) ماده ۴۱ شرایط عمومی پیمان، عملیات موضوع پیمان تحویل قطعی شده تلقی می‌گردد و باید اقدامات پس از تحویل قطعی برای آن انجام شود.

اضافه می‌نماید در مجموعه پرسش و پاسخ‌های امور پیمانکاری مندرج در تارنمای این امور به نشانی: Nezamfanni.ir موضوع مورد استعلام با شماره ۰۱۴۸۰۲ درج گردیده است.

سیدجواد قانع فر

رئیس امور نظام فنی و اجرایی،

مشاورین و پیمانکاران



«به نام خدا»

حضور گرامی جناب آقای دکتر محمد باقر نوبخت
معاون محترم رئیس جمهور و ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه کشور
موضوع: مشکلات ناشی از افزایش قیمت ها و درخواست اعلام شاخص های تعدیل

با سلام؛

احتراماً، همانگونه که مستحضرید به دلیل شرایط اقتصادی حال حاضر کشور ناشی از تحریم های یکجانبه و ظالمانه و نوسانات شدید نرخ ارز موجب افزایش بی سابقه بهای مصالح، ماشین آلات و تجهیزات و قطعات مرتبط و هزینه اجرای کار و هزینه بالاسری پیمانها گردیده و شرکتهای پیمانکاری که دارای قرارداد با دستگاههای اجرایی کشور هستند در شرایط خطیری قرار گرفته اند.

کمبود نقدینگی ناشی از افزایش شدید هزینه ها و عدم پوشش هزینه های جاری با صورت وضعیتهای موجود حتی با احتساب تعدیلهای مربوطه که تنها بخشی از هزینه های جاری پروژه ها را پوشش می دهد موجب تضعیف کامل توان پیمانکاران و توقف و تعطیلی پروژه ها و بیکاری افراد شاغل و تبعات بد اقتصادی - اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

شرکتهای پیمانکاری عضوین سندیکا با نگرانی از وضع موجود و شرایط حاضر درخواست انعکاس شرایط به سازمان محترم بوده و پیشنهاداتی جهت خروج از بحران پیش آمده جهت حفظ اشتغال موجود کشور و اتمام قراردادها و کاهش ضرر و زیان دولت محترم و طرحهای کشور می باشند.

خواهشمند است دستور فرمایند جهت برون رفت از بحران فعلی و کنترل هزینه های مضاعف حادث شده، پیشنهادات زیر در دستور بررسی و اقدام قرار گیرد.

۱- ابلاغ شاخص های موقت تا زمان محاسبه شاخص های قطعی تعدیل متناسب با افزایش هزینه ها در سال جاری برای سه ماهه اول سال

۲ - ابلاغ شاخص تعدیل به صورت ماهانه از سه ماهه دوم تا حداقل پایان سال ۱۳۹۷ یا زمان تثبیت نرخ ارز

۳ - تسریع در تخصیص و تأمین اعتبارات سال ۱۳۹۷

۴ - استحضار دارید در حال حاضر تامین کلیه مصالح از جمله آهن آلات، تجهیزات الکتریکی و مکانیکی حتی با پرداخت نقدی در بازار بسیار مشکل می باشد. حال آنکه پیمانکاران جهت مطالبات خود اسناد خزانه اسلامی یا



اوراق مشارکت سه ساله دریافت می‌نمایند؛ جهت کاهش ضرر و زیان وارده به پیمانکاران در اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی بند "ه" قانون بودجه سال ۱۳۹۷ ضریب حفظ قدرت خرید نیز افزایش یابد و همچنین جبران هزینه‌های تنزیل اوراق اسناد خزانه اسلامی و مشارکت به جد در دستور کار قرار گیرد تا مانع ورشکستگی کامل پیمانکاران شود.

- ۵ - پیش بینی مکانیزمی جهت تعدیل و اصلاح نرخ پیمانهای ارزی و فاقد تعدیل
 - ۶ - بررسی اعمال تعلیق در برخی پیمانها با توجه به مشکلات اعتباری و عدم پرداخت مناسب در سال جاری
 - ۷ - جبران هزینه های بالاسری پیمانها بدلیل شرایط خاص و عدم پوشش تعدیل
 - ۸ - جلوگیری از ارسال هرگونه اخطار فسخ، فسخ پیمان و ضبط هرگونه تضمین قرارداد تا پایان سال بدون تأیید شورای عالی فنی کشور و بدون تصویب بالاترین مقام دستگاههای اجرایی.
 - ۹ - بررسی راهکار قطع ارائه اوراق خزانه و مشارکت در بودجه سال ۱۳۹۸ و جایگزینی آن با وجه نقد.
- پیشاپیش از دستوری که صادر می فرمایند سپاسگزاری می نماید.
- شایان ذکر است سندیکا آمادگی خود را جهت هرگونه همکاری و کارشناسی موضوعات در صورت اعلام آن سازمان محترم اعلام می‌دارد و اذعان دارد با درایت و تدبیر حضرتعالی و دیگر بزرگان دولت تدبیر و امید قطعاً بر این مشکلات نیز به فضل پروردگار می‌توان فائق شد و آنها را مهار کرد.

با تقدیم احترام

ابرج گلبنونجی

رئیس

۱/۵/۹۷



عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی در کانال تلگرامی خود طی یادداشتی با نام «آزادراه شمال و چالش برجام» و در روز بازدید از این آزادراه با حضور رئیس مجلس شورای اسلامی، با شبیه سازی این پروژه بزرگ به اقتصاد کشور نسبت به هر گونه توجیه مقطعی برای دوری از اقتصاد رقابتی و عدم برنامه ریزی برای آینده کشور در راستای ایجاد امید هشدار داده است. متن کامل این یادداشت به شرح زیر است:

پروژه‌ای که سنگ بنای آن کج باشد به سختی راست می‌شود. تمام نگرانی من این است که در تدبیر چالش‌های برجام سنگ بناهای معیوبی گذاشته شود که جبران آنها در آینده بسیار سخت، زمان‌بر و پرهزینه باشد. امروز به اتفاق جناب آقای دکتر لاریجانی و تنی چند از نمایندگان محترم و استانداریان تهران و البرز از آزادراه شمال بازدید کردیم. در سی و دو کیلومتر آزادراه بیش از ۱۶۰ کارگاه فعال بود. یعنی تمام طول منطقه‌ی یک آزادراه هم‌زمان در دست ساخت بود.

همه می‌توانستند چشم‌اندازی از این پروژه‌ی عظیم و بی‌نظیر در حوزه مهندسی داشته باشند که در همین شرایط سخت تمام گره‌های فنی و تکنیکی و هم‌چنین مالی و حقوقی آن حل و فصل شده و با پیشرفت ۹۱ درصد با سرعت در حال کار و آماده شدن برای بهره‌برداری است.

حاضران می‌توانستند تصویر وضعیت اتمام یافته پروژه را در ذهن داشته باشند که مردم با راحتی، ایمنی و سرعت مسیر چندین ساعته را در یک ساعت و اندی می‌توانند طی کنند و به مقصد برسند و در طول مسیر هم از زیبایی‌های مسیر و جاده لذت ببرند. ولی، نمی‌توان چنین حسی را به مردم منتقل کرد. چرا که همین پروژه‌ای که امروز یک کارگاه کاملاً زنده و فعال است و بیش از ۳۲۰۰ نفر در آن کار می‌کنند و بیش از ۱۳۰۰ دستگاه ماشین‌آلات در آن فعال است، سالیان سال کم فعال و بلا تکلیف بوده است.

وقتی مسئولیت وزارت خانه را در دست گرفتیم از جمله سراغ این پروژه را گرفتیم. بسیاری از دوستان توصیه کردند که به این پروژه نزدیک نشو. این پروژه وزیر



آزادراه شمال و چالش برجام

پرهیز از اقتصاد رقابتی و آزاد هزینه‌های
سنگینی را بر کشور تحمیل خواهد کرد

عباس آخوندی

خراب کن است. تمام وزاری قبلی تلاش کرده‌اند و هیچ‌کدام نتوانسته‌اند کار را در دوره خود به سامان برسانند.

با این وصف، سوابق را خواستم؛ دیدم صورت مالی درستی وجود ندارد. مسائل حقوقی آن آشفته است. تکلیف سرمایه‌گذار، تامین‌کننده مالی، پیمانکار خارجی، پیمانکاران داخلی و سایر ذی نفعان مشخص نیست. مسائل فنی و مهندسی پروژه حل و فصل نشده است. هیچ تصویر روشنی از کریدور عبوری و روش اجرای فنی این ابرپروژه‌ی فوق‌العاده پیچیده وجود ندارد. هیچ چشم‌اندازی برای تامین مالی آن نیست. و از همه مهم‌تر هیچ‌کس به دیگری اعتماد ندارد. همه فکر می‌کنند طرفشان جدی نیست. حرفهای تضمین اجرایی ندارد. می‌خواهد توپ را به زمین دیگری بیندازند و از این دست تصویرهای منفی. این در حالی بود که از عمر پروژه ۱۷ سال گذشته بود و به سختی پیشرفت پروژه به ۱۵ درصد می‌رسید. در ذهن مردم هم که این پروژه تبدیل به سخره عام شده بود و در مجالس و محافل از آن به عنوان یک جوک یاد می‌شد و می‌شود و هنوز هم به نظر می‌رسد افراد کمتر امیدی به تمام

شدن آن دارند. هرچند، پروژه در بهترین وضعیت خود قرار دارد که یک نقطه بدون فعالیت در آن وجود ندارد و در تمام جبهه‌ها هم‌زمان کار جریان دارد.

چرا این چنین است؟ پاسخ روشن است. پروژه بدون طرح و برنامه دقیق شروع شده بود. آن زمان که پروژه می‌خواست شروع شود، مطالعات فنی، مهندسی، زیست‌محیطی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و مالی آن انجام نشده بود. ریسک‌ها و مخاطرات پروژه ارزیابی و برآورد نشده بود. پروژه فاقد مدل کسب و کار روشن بود. هیچ چشم‌اندازی از مدل تامین مالی آن ترسیم نگشته بود و از این دست نارسایی‌ها.

لذا، در همان روزهای آغازین، پروژه در انتخاب مسیر، تملک اراضی، نحوه ارجاع کار و انتخاب پیمانکار، تامین مالی اولیه با مشکل مواجه شد و راه نیفتاده متوقف شد. دولت‌های بعدی هم که آمدند، هر کدام تلاش کردند و سخت هم کوشیدند. لیکن، چون پروژه کج بنیاد یافته بود، کمی به جلو می‌رفت و مجدد متوقف می‌گردید.

بی‌اعتمادی مردم به پروژه بی‌دلیل نیست. آنان ده‌ها بار وعده اتمام را شنیده‌اند و کار به ثمر ننشسته است. بنابراین، دلیلی ندارد که باور کنند. من هم نباید هیچ انتظاری داشته باشم که مردم از من باور کنند. من چه فرقی



واگذاری بنگاه‌های اقتصادی نیروهای مسلح آغاز شده است

رئیس سازمان خصوصی سازی اعلام کرد: هفته گذشته جلسه‌ای با وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح درباره واگذاری بنگاه‌های اقتصادی داشتیم که اقدام‌های اجرایی آن بزودی در چند ماه آینده آغاز می‌شود. به گزارش ایرنا «میرعلی اشرف عبدالله پوری حسینی» در نشست خبری با موضوع «خصوصی سازی و آینده آن در ایران» گفت: بخشی از سهام بنگاه‌های اقتصادی نیروهای مسلح متعلق به صندوق بازنشستگان است که سهم دولت یا وزارت دفاع نیست که آن را بفروشد. پوری حسینی ادامه داد: اقدام‌های سازمان خصوصی سازی درباره این صندوق‌ها شامل این موارد می‌شود که صندوق‌ها بنگاهداری نکنند، به مرحله انتخاب مدیران عامل وارد نشوند و در حد سهامداری باقی بمانند. وی اضافه کرد: این خواسته هنوز به طور کامل محقق نشده است؛ البته سازمان خصوصی سازی نظارت می‌کند که این صندوق‌ها به حالت سهامداری برگردند. رئیس سازمان خصوصی گفت: به جز صندوق‌های بازنشستگی، سهام برخی شرکت‌ها به طور کامل دولتی و مربوط به وزارت دفاع است. این وزارتخانه فهرستی از این شرکت‌ها را تهیه کرد که بخشی از آن را خودش می‌فروشد و بقیه را به سازمان خصوصی سازی معرفی کرد. به گزارش ایرنا، آخرین روزهای دی ماه ۱۳۹۶ وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به دستور مقام معظم رهبری درباره واگذاری بنگاه‌های اقتصادی اشاره کرد. «امیر سرتیپ امیر حاتمی» تاکید کرد «مسئولیت این کار از طرف مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار شده و ستاد کل در همه زیرمجموعه، این موضوع را دنبال می‌کند تا این نیروها از کارهای اقتصادی غیرمرتبط به هر دلیل، خارج شوند.»

ایرنا- ۲۶ تیر

ولی در اینجا، بیشتر تمایل دارم که خودم و همکارانم را مخاطب قرار دهم و به خودم هشدار دهم که شروع پروژه‌های اصلاحی ضعیف، پیش از آنکه تمام زوایای آن بررسی و حل و فصل شده باشد ممکن است مانند شروع اجرای پروژه‌ی آزادراه شمال شود و مشکلات عدیده‌ای را برای آینده ایجاد کند. ما هریک قدم که از اقتصاد رقابتی و آزاد دور می‌شویم، بازگشتان به آن در آینده، بسیار پرهزینه‌تر و سخت‌تر خواهد شد.

به صرف اینکه گفته شود که در حال یک جنگ تمام عیار اقتصادی هستیم نمی‌توانیم از اصول بازار صرف نظر کنیم. ما هزینه‌های انحراف‌های عظیمی که در دولت‌های نهم و دهم، دقیقاً با همین استدلال برملت تحمیل شد را از یاد نبرده‌ایم.

علی رغم تمام تلاش‌های رئیس جمهور و دولت در چهار سال گذشته هنوز نتوانسته‌ایم به وضعیت سال ۸۳ برسیم. باید بینیم محدودیت‌هایی که در اقتصاد ایجاد می‌شود تا چه اندازه بر سطح امید مردم نسبت به آینده و انتظارات تورمی آنان اثر منفی می‌گذارد. اگر اثر آن جدی است با بگیر و ببند نمی‌توانیم آن را جبران نماییم و باید در راهکارهایمان تجدیدنظر کنیم.

اصلی‌ترین معیار برای درستی سنجی تصمیم‌ها عدم انحراف از اصول بنیادین اقتصاد رقابتی و عدم ضربه زدن به امید مردم و دامن زدن به انتظارات تورمی است.

به گمان من، روش‌های سهمیه‌ای و کنترلی که این روزها در درون دولت و بیرون آن طرفداران فراوانی یافته‌است، تمام این ویژگی‌های نگران کننده را دارد و یقیناً خوبی‌هایی که در مورد آنها بیان می‌شود را ندارند.

من از تجربه آزادراه شمال یادگرفتم، که اساساً راهکارهای ساده کارایی بسیار بیشتری نسبت به راهکاری پیچیده و تودرتو دارند. به جای برقراری کنترل‌های پیچیده که بیشتر چپ‌های جهان طرفدار آن هستند، از راهکار ساده آزادسازی و کنترل حداقلی تبعیت کنیم.

۵ تیر- صما

با دیگران دارم. تا کار به اتمام نرسد و مردم از آن عبور نکنند، به انجام کار ایمان نخواهند آورد. این یک واقعیت است.

تمام نگرانی من در باره تدبیر برجام نیز از همین دست است. چالشی پس از خروج آمریکا از توافق برجام پیش آمده‌است. بزرگترین، سرمایه ما در مدیریت این چالش امید به آینده و انتظارات تورمی پایین در سطح جامعه است.

امید به آینده موجب همبستگی اجتماعی می‌شود و انتظارات تورمی پایین باعث عدم شکل‌گیری بازارهای تصنعی و هجوم نبردن به بازارهای ارز و سکه می‌گردد. قطعاً آمریکا در صدد لطمه زدن به این دو سرمایه اصلی ملی است.

از او که در یک طرف منازعه و دعوا قرار دارد نمی‌توان انتظاری جز ضربه زدن داشت. ولی، در جبهه ملی می‌توان انتظارات فراوانی داشت؛ ابتدا از خود دولت و سپس از دیگر قوا و نیروهای ملی. در بیرون دولت عده‌ای بی‌باکانه در حال انداختن سنگی پیش پای مردم با بردن کشور به سمت تحریم‌های شورای امنیت هستند که من هر چه بیشتر فکر می‌کنم منطق آن را نمی‌فهمم و نمی‌دانم چه حکمت بالغه‌ای در آن است.



MEHR-NEWSAGENCY
Photo: Shahrab Chayoum



در بازدید از پروژه آزادراه تهران شمال مطرح شد

نمایشگاه توانمندی فنی و مهندسی

پیام آبادگران
تیرماه ۱۳۹۷
شماره ۳۶۸

این جهات باید به عظمت پروژه آزادراه تهران- شمال توجه کرد. وی ادامه داد: مهندسان و مشاوران داخلی نیز می‌توانند چه در بخش اجرا و چه در بخش نظارت از تجربیات پروژه آزادراه تهران- شمال بهره‌مند شوند چرا که این پروژه یک تجربه ارزشمند در حوزه ایمنی پروژه تونل و ساخت انواع پل‌ها است که شاید در جاده‌های کشور کمتر به آن توجه شده باشد. لاریجانی تاکید کرد: از پیمانکاران و مهندسان که در اجرای این پروژه نقش دارند تشکر می‌کنیم و امیدواریم همتی که صورت گرفته، هرچه سریعتر به سرانجام برسد. رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به موضوع تامین مالی پروژه آزادراه تهران- شمال افزود: موضوع ساماندهی بودجه این پروژه بسیار حائز اهمیت است که دولت باید در این خصوص اهتمام ویژه داشته باشد. همچنین ما در مجلس

گفت: از صمیم قلب از دست اندرکاران اجرای این پروژه تشکر می‌کنیم. ضمن اینکه همت وزارت راه و شهرسازی و شخص آقای آخوندی برای تسریع در اجرای این پروژه قابل تقدیر است. رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: این گونه مدیریت پروژه‌ها از نزدیک کمک می‌کند که کارهای بزرگ در کشور به درستی انجام شود. ضمن اینکه اجرای پروژه آزادراه تهران- شمال کار پیچیده‌ای است و از جهات مختلف به ویژه موضوعات فنی، صاحب استانداردهای خوبی برای کشور است. لاریجانی با تاکید بر اینکه پروژه بزرگ آزادراه تهران-شمال با حجم زیادی از فعالیت عمرانی به لحاظ فنی و دقت نظر در حال اجرا است، ادامه داد: معمولاً در پروژه‌های جاده سازی، کمتر این حجم از پیچیدگی را شاهد بودیم. در حالی که در هروجب از این پروژه دشواری‌های فنی را می‌توان ملاحظه کرد. بنابراین از

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه ۴ تیر با همراهی وزیر راه و شهرسازی و رئیس بنیاد مستضعفان و با حضور در پروژه آزادراه تهران- شمال در جریان روند کار این پروژه قرار گرفت. این پروژه با قرارداد شرکت چینی آغاز شد و بعد از اتمام مدت قرارداد، وزارت راه و شهرسازی با همکاری بخش خصوصی احداث آن را ادامه داد. سایت خانه ملت در گزارشی عنوان کرده پروژه آزادراه تهران- شمال که تا پیش از سال ۹۴ تقریباً ۴۰ درصد پروژه پیشرفت داشته است، اما از سال ۹۴ تا کنون پیشرفت پروژه ۹۰ درصد برآورد می‌شود.

آمادگی مجلس برای کمک به تامین مالی آزادراه تهران- شمال

به گزارش مهر، علی لاریجانی در جریان بازدید از روند اجرای پروژه آزادراه تهران- شمال با حضور عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی و جمعی از مسئولان این پروژه

این آمادگی را داریم که کمک کنیم منابع بودجه ای این پروژه تامین شود؛ همچنین لازم است بنیاد مستضعفان نیز در زمینه تامین مالی، پشتیبانی های لازم را انجام دهد.

وی در ادامه با اشاره به طولانی شدن پروژه آزادراه تهران-شمال ادامه داد: در زمان بندی اجرای این پروژه باید توجه شود. این پروژه یک سابقه طولانی در ذهنیت مردم ایجاد کرده که از این به بعد امیدواریم این پروژه طبق زمان بندی پیش بینی شده به سرانجام برسد تا هرچه زودتر تردد مردم در مسیر تهران-شمال را تسهیل کند. لاریجانی در پایان گفت: از صدا و سیما درخواست می کنم از فرایند اجرای این کار عظیم مهندسی برنامه مستند بزرگی تهیه و به مردم معرفی کنند. همچنین رسانه های دیگر نیز تلاش کنند این پروژه عظیم را به مردم معرفی کنند.

فعالیت مهندسان ایرانی در اجرای پروژه حیرت آور است

رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه بازدید از روند اجرای پروژه آزادراه تهران-شمال گفت: فعالیت مهندسان ایرانی در اجرای پروژه آزادراه تهران-شمال حیرت آور است.

علی لاریجانی در حاشیه بازدید از روند اجرای پروژه آزادراه تهران-شمال در جمع خبرنگاران گفت: از صبح اول وقت امروز فرصتی شد تا با حضور آقای آخوندی وزیر راه و شهرسازی، آقای احمدی لاشکی نماینده مجلس و آقای سعیدی کیا رئیس بنیاد مستضعفان از

منطقه یک پروژه بازدید کنیم و به نظر من کار حیرت آوری توسط مهندسان ایرانی انجام شده است که از نظر ساختار مهندسی سطح بالایی دارد و حجم اصلی کار توسط مهندسان و مشاوران داخلی اجرا شده است.

وی ادامه داد: حجم زیادی از منطقه یک آزادراه تهران-شمال (حد فاصل تهران تا شهرستانک) دارای تونل های بزرگ است که از استانداردهای بالایی در حوزه ایمنی برخوردارند. ضمن اینکه در فرایند ساخت پل های این پروژه نیز دقت نظر بالایی وجود دارد. بنابراین کار بسیار ارزشمند و البته پرهزینه ای در آزادراه تهران-شمال انجام می شود که ارتباط جدیدی بین تهران و شمال کشور برقرار می کند.

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: براساس دستور وزیر راه و شهرسازی، مجموعه زیباسازی در طول این مسیر طراحی می شود که یک اقدام ارزشمند است و انتظار داریم همزمان با تکمیل منطقه یک، امکانات تفریحی، رفاهی و خدماتی این منطقه نیز به بهره برداری برسد تا ضمن اشتغالزایی، آسایش مردم را فراهم کند.

وی در بخش دیگری از اظهاراتش درباره وجود نقدینگی زیاد در جامعه گفت: در حال حاضر نقدینگی زیادی در دست مردم است که هدایت این نقدینگی ها در جهت پروژه های بزرگ به دلیل ثروت زا بودن می تواند برای کشور منفعت داشته باشد.

لاریجانی افزود: نکته مهم این است که دولت بسترهایی را فراهم کند که نقدینگی به سمت پروژه های ثروت زا هدایت شود؛ نکته مهم دیگر به خود

مردم مربوط می شود و مردم باید بدانند که هدایت نقدینگی به موضوعات جزئی نفعی برای کشور ندارد و ثروتی هم به کشور اضافه نمی کند اما پروژه های عمرانی، ایران را آباد می کنند، ضمن اینکه استفاده از اوراق مشارکت برای اجرای پروژه های عمرانی تضمینی برای سود مردم است که ثروت زیادی را فراهم می آورد.

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: برای پروژه هایی که به حجم زیاد سرمایه گذاری نیاز دارند باید بستر مشارکت مردم فراهم شود.

منطقه یک آزادراه تهران. شمال امسال تکمیل می شود

خیرالله خادمی، معاون وزیر راه و شهرسازی در جریان بازدید رئیس مجلس و وزیر راه و شهرسازی از پروژه آزادراه تهران - شمال حدفاصل تهران تا شهرستانک، با اشاره به پیشرفت فیزیکی ۹۱ درصدی منطقه یک آزادراه تهران - شمال اظهار داشت: در ۹ درصد باقی مانده نیز عملیات روسازی بتونی پروژه باید تکمیل شود؛ ضمن اینکه تأسیسات مکانیکی برقی این منطقه باید در داخل تونل های این قطعه نصب شود.

وی درباره زمان تکمیل منطقه یک آزادراه تهران - شمال گفت: قطعاً این منطقه از آزادراه در سال ۹۷ به بهره برداری می رسد، اما با توجه به سختی کار و تلاش ما برای ارتقاء ایمنی کار، مشخص نیست این منطقه از آزادراه چه زمانی در سال جاری به بهره برداری برسد.

دکتر لاریجانی:

نکته مهم این است که دولت بسترهایی را فراهم کند که نقدینگی به سمت پروژه های ثروت زاهدایت شود؛ نکته مهم دیگر به خود مردم مربوط می شود و مردم باید بدانند که هدایت نقدینگی به موضوعات جزئی نفعی برای کشور ندارد و ثروتی هم به کشور اضافه نمی کند اما پروژه های عمرانی، ایران را آباد می کنند، ضمن اینکه استفاده از اوراق مشارکت برای اجرای پروژه های عمرانی تضمینی برای سود مردم است که ثروت زیادی را فراهم می آورد.



خادمی افزود: تأکید ما رعایت تمام اصول ایمنی عبور و مرور و سپس بهره‌برداری از این منطقه است که با حساسیت زیادی ادامه دارد.

مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور در بخش دیگری از اظهاراتش درباره آخرین وضعیت اجرای منطقه ۲ آزادراه تهران - شمال حد فاصل شهرستانک تا پل زنگوله تصریح کرد: خوشبختانه عملیات اجرای منطقه ۲ آزادراه به طول ۲۲ کیلومتر شروع شده و تاکنون ۲۱ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. مهمترین بخش این منطقه، تونل عریض و طویل البرز خواهد بود که در حال حاضر فقط کمتر از ۲۰۰ متر از اجرای این تونل باقی مانده است که تا سه ماه آینده حفاری تونل به اتمام می‌رسد و امیدواریم تردد بین دو طرف کوه البرز با اجرای این

اینکه آزادراه تهران - شمال توسط متخصصان و پیمانکاران ایرانی در حال ساخت است، گفت: این آزادراه نمایشگاه کاملی از توانمندی فنی و مهندسی کشور است. مهندس سعیدی‌کیا گفت: از مشخصات مثبت این پروژه استقرار مدیریت در پروژه است، مدیر طرح که همان شرکت آزادراه تهران - شمال است در پروژه مستقر است و هر زمان که هر مشکل رخ دهد بلافاصله از طریق پیمانکار منعکس شده و شرکت آزادراه به سرعت تصمیم‌گیری می‌کند.

وی افزود: پروژه با استانداردهای روز دنیا در حال احداث است و رویه بتنی در همه ۳۲ کیلومتر منطقه یک اجرا می‌شود. رئیس بنیاد مستضعفان گفت: از تیر ماه سال ۹۶ منطقه دو آزادراه تهران - شمال در قالب ۴ قطعه آغاز شد که هر ۴ قطعه آن فعال است و امیدواریم طبق

زمان‌بندی پیش برود. سعیدی‌کیا اضافه کرد: منطقه دو معارضان زیادی دارد از تجربه منطقه یک در رفع معارضان و ارزیابی استفاده کرده‌ایم تا در منطقه دو در رفع مشکل معارضان کمتر با مشکل مواجه شویم. وی افزود: در همین منطقه یک آزادراه در برخی قطعات فاصله خانه‌ها و ویلاها با آزادراه کمتر از ۲۰ متر است و در برخی قطعات خانه‌ها، باغ‌ها و ویلاها کاملاً مشرف به جاده است.

رئیس بنیاد مستضعفان مشخصات فنی آزادراه تهران - شمال را با دیگر آزادراه کشور بسیار متمایز دانست و گفت: در منطقه یک میزان ۱,۲ میلیون مترمکعب بتن‌ریزی کرده‌ایم که این رقم غیر از روسازی است و در پروژه‌های جاده‌سازی بی‌نظیر محسوب می‌شود. وی اضافه کرد: تا کنون ۲۸ گروه از دانشگاه‌های مختلف از این پروژه بازدید کرده‌اند که امیدواریم در نظام اجرایی و تفکر کشور مثمرتر باشد.

اجرای قطعه سوم آزادراه

تهران - شمال از ابتدای ۹۸

رئیس بنیاد مستضعفان بیان کرد: در منطقه ۳ آزادراه با ۶ شرکت خارجی شامل اروپایی و چینی در حال مذاکره هستیم، ضمن آنکه احجام پروژه و قیمت‌ها هم بررسی خواهد شد، پروژه در قالب دو شرط به مناقصه می‌رود یکی اینکه طرف خارجی فاینانس را تأمین کند همچنین اجرا با پیمانکاران ایرانی باشد. بدین ترتیب از توان عظیم پیمانکاری کشور برای اجرای این منطقه با لحاظ دو شرط مذکور استفاده می‌شود.

سعیدی‌کیا اضافه کرد: امیدواریم تا پایان تابستان مناقصه منطقه ۳ برگزار شود دولت هم باید تضامنی دهد و این روند کمی‌زمان‌بر خواهد بود، اما پیش‌بینی می‌کنیم مقدمات اجرای منطقه ۳ تا پایان سال به اتمام برسد و عملیات عمرانی احداث منطقه سوم آزادراه تهران - شمال از سال ۹۸ آغاز شود. وی همچنین درباره ماندن شرکت‌های خارجی در پروژه پس از خروج آمریکا از برجام گفت: شرکت ایتالیایی در این پروژه حضور دارد، اما کره جنوبی رفته است.



مهندس سعیدی‌کیا:

آزادراه تهران - شمال توسط متخصصان و پیمانکاران ایرانی در حال ساخت است این آزادراه نمایشگاه کاملی از توانمندی فنی و مهندسی کشور است.

از مشخصات مثبت این پروژه استقرار مدیریت در پروژه است،

تونل به راحتی امکان‌پذیر باشد. خادمی‌خاطر نشان کرد: تمام عملیات فرآیند اجرای پروژه توسط مهندسان ایرانی انجام می‌شود و بالغ بر ۴۰ پیمانکار و مشاور ایرانی در پروژه فعال هستند؛ البته دو پیمانکار این پروژه برای اجرای تونل بزرگ البرز و همچنین طراحی معماری و منظر پروژه آزادراه تهران - شمال خارجی هستند.

این آزادراه نمایشگاه کاملی

از توانمندی فنی و مهندسی کشور

در حاشیه این بازدید رئیس بنیاد مستضعفان در جمع خبرنگاران با بیان

دومین کنفرانس بین‌المللی نقش مهندسی مکانیک در ساخت و ساز شهری روزهای ۵ و ۶ تیر به همت سازمان نظام مهندسی در مرکز همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت برگزار شد. محورهای این همایش انرژی و محیط زیست، فناوریهای نوین در سامانه‌های سرمایش، گرمایش، تهویه مطبوع و تبرید، شرایط آسایش و کیفیت هوا در ساختمانها، آب و فاضلاب، حفاظت ساختمان‌ها در برابر حریق، آینده پژوهی و اقتصاد مقاومتی بود.

مصرف انرژی در ایران معادل

۸ بشکه نفت است

مشاور رئیس جمهور در بافت فرسوده گفت: هم اکنون ۴۱ درصد از مصرف انرژی کشور در ساختمان‌ها هدر می‌رود و دولت باید با الزام مبحث ۱۹ میزان مصرف را کاهش دهد. اکبر ترکان در دومین کنفرانس بین‌المللی نقش مهندسی مکانیک در ساخت و ساز شهری با اشاره به اینکه میزان مصرف انرژی در کشور در مقایسه با سایر کشورهای دنیا بسیار زیاد است، گفت: کشورهای خارجی میزان مصرف انرژی‌شان معادل دو بشکه نفت است و این در حالی است که میزان مصرف انرژی در ایران معادل ۸ بشکه نفت است که این برای کشور بسیار نگران‌کننده است. وی افزود: میزان تولید گاز در ایران ۶۰۰ میلیون متر مکعب است در حالی که میزان گازی که مصرف می‌شود معادل ۲۴۰ میلیارد متر مکعب است و این روند برای کشور بسیار خطرناک است. ترکان گفت: مقدار انرژی که در کشور مصرف می‌شود باید تبدیل به ثروت شود ولی متأسفانه بازدهی ما در این بخش بسیار کم و میزان اثتلاف انرژی ما بسیار زیادتر از حد مجاز است.

مشاور رئیس جمهور تصریح کرد: باید مقررات ملی ساختمان در کشور بازبینی شود و رعایت مبحث ۱۹ در همه ساختمان‌ها الزامی شود.

وی گفت: متأسفانه مبحث ۱۹ قانون مقررات ملی ساختمان سال‌ها پیش تصویب شد ولی تا به امروز کمتر کسی این قانون را در ساخت و سازها رعایت می‌کند. ترکان با اشاره به اینکه ۴۱ درصد از مصرف انرژی کشور در ساختمان‌ها است گفت: میزان مصرف انرژی در بخش حمل و

۴۱ درصد انرژی کشور در ساختمان‌ها هدر می‌رود

نقل بسیار کمتر از ساختمان‌هاست و ما می‌توانیم با اجرای درست مبحث ۱۹ مانع هدر رفت انرژی در کشور شویم. مشاور رئیس جمهور با بیان اینکه شهردار تهران باید پایان کار ساختمان‌ها را به مالکانی که مبحث ۱۹ را رعایت نمی‌کنند ارائه ندهند تصریح کرد: اصلی‌ترین بخشی که در مبحث ۱۹ باید رعایت شود عایق‌بندی جداره‌های ساختمانی است. وی تأکید کرد: هم اکنون تولید گازهای کربنیک در شهرها بسیار زیاد شده به طوری که از طریق تولید این گازها تهران دچار پدیده وارونگی دما شده است که این برای مردم بسیار خطرناک است. ترکان با اشاره به اینکه میزان مصرف انرژی و گاز در خانه‌ها سه برابر بیشتر از سوخت برق و گاز در ادارات است گفت: میزان مصرف گاز در تهران ۸۰ میلیون متر مکعب است که ۲۵ میلیون متر مکعب آن مربوط به مصرف برق و گاز است. مشاور رئیس جمهور افزود: باید کارهای غیرمهم و ساده مانند مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در کشور اجرایی شود و دولت و شهرداری باید گام‌های بلندی در این بخش بردارد.

دستگاه‌های دولتی موظف به کاهش ۵۱ درصد از تلفات انرژی هستند

حامد مظاهریان در دومین کنفرانس بین‌المللی نقش مهندسی مکانیک در ساخت و سازهای شهری با بیان اینکه همه مسئولان از اهمیت بحث انرژی و تأثیرگذاری آن بر محیط زیست آگاه هستند، اظهار داشت: نقش مهندسی مکانیک در تصمیمات مرتبط با حوزه ساخت و ساز می‌تواند زمینه‌ساز

کاهش مصرف انرژی باشد. وی افزود: دانشگاه‌های خارج از کشور در حال تحقیق بر روی پدیده‌ای هستند که بتوانند دمای محیط را متناسب با دمای بدن انسان کنند به طوری که انسان در محیطی که قرار دارد بتواند بهترین دما را تجربه کند. مظاهریان تصریح کرد: با دستگاه‌هایی که در این دانشگاه‌ها اختراع می‌شود به ازای هر یک درجه هفت درجه کاهش مصرف انرژی خواهیم داشت. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی گفت: هم اکنون این کارهای تحقیقاتی در حال انجام است و به زودی وارد مراحل نهایی و ابلاغ می‌شود. وی با اشاره به اینکه در بُعد اجرایی دو کار مهم و اساسی را شروع کرده‌ایم، افزود: آیین‌نامه ماده ۱۸ قانون مصرف انرژی و جهت‌گیری آن به سمت فضای سبز و خانه سبز در حال اجرایی شدن است. مظاهریان با اشاره به اینکه آیین‌نامه ماده ۱۸ هم اکنون تهیه و به تصویب دولت رسیده است، گفت: دولت در این آیین‌نامه تغییرات را از خود شروع و به همه دستگاه‌های خود ابلاغ کرده است که باید در ۵ سال آینده میزان مصرف انرژی خود را کاهش دهند؛ در غیر این صورت باید دستگاه‌ها دو برابر مصرف انرژی خود هزینه پرداخت کنند. وی اظهار داشت: با دو جداره کردن پنجره‌ها علاوه بر کاهش مصرف انرژی دمای محیط و میزان روشنی ساختمان‌ها نیز کنترل می‌شود. وی گفت: در ماده ۴۴ قانون برنامه ششم توسعه تأکید شده که دولت باید مصرف انرژی و تلفات انرژی را تا ۵۱ درصد کاهش دهد و هرچه سریع‌تر این برنامه‌ها را به مرحله اجرایی شدن برساند. مظاهریان ادامه داد: وزارت نیرو، وزارت نفت و وزارت راه و شهرسازی مکلف هستند که آیین‌نامه را تهیه کنند؛ هم اکنون وزارت راه و شهرسازی پیش نویس این قانون را آماده کرده است. وی با بیان اینکه هم اکنون در ایران ۲۷ میلیون واحد مسکونی داریم، گفت: کار ساده‌ای نیست که همه مالکان را مجبور به رعایت مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان کنیم بلکه در این بخش از راهکارهای دیگری استفاده کرده‌ایم به طوری که شهرداری باید علاوه بر دریافت پایان کار باید یک گواهی نامه رعایت مقررات ملی ساختمان را به مالکان ارائه دهد.

در شورای گفتگو مورت گرفت

بررسی پیش نویس جدید آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور



پیام آبادگران
تیرماه ۱۳۹۷
شماره ۳۶۸

نشست کارگروه تخصصی شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی با موضوع «بررسی پیش نویس جدید آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور» در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۷ با حضور نمایندگان از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان های تامین اجتماعی، کمیسیون مالیات و تامین اجتماعی اتاق ایران، اتاق سمنان، اتاق کرمان، انجمن زغال سنگ ایران و سندیکای شرکت های ساختمانی ایران در محل دبیرخانه شورا برگزار شد

بررسی پیش نویس جدید آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور

در ابتدای جلسه علی چاغروند مدیر پژوهش‌های حرفه‌ای کسب و کار شورای گفتگو ضمن معرفی این شورا و با تاکید بر اینکه مصوبات شورا، ظرف یک ماه قابلیت طرح در هیات وزیران را دارد به جایگاه ویژه شورای گفتگو اشاره نمود و ادامه داد: این جلسه به منظور بررسی تطبیقی آیین نامه قدیم و پیش نویس آیین نامه جدید مشاغل سخت زیان آور تشکیل شده است.

قدرت‌اله قدسی مشاور بیمه‌ای سندیکا در توضیح موضوع مشاغل سخت و زیان آور توضیح داد: این قانون در تاریخ ۱۴/۷/۸۰ تحت عنوان بازنشستگی قبل از موعد مشاغل سخت و زیان آور تصویب گردید شاید آن زمان هدف از تصویب این قانون نوسازی صنایع و تعدیل نیروها بود. وی ادامه داد پس از تصویب این قانون اجرا شد و همچنین عطف به ما سبق گردید و سنوات گذشته را هم پوشش داد. قدسی با توضیح اینکه هر شغلی که توسط کمیته‌ها سخت و زیان آور تشخیص داده می‌شد، توسط سازمان تامین اجتماعی به جای ۳۰ درصد، ۳۴ درصد حق بیمه مطالبه می‌گردید. وی ادامه داد اگر آن زمان در خصوص مطالبه ۳۴ درصدی حق بیمه، بررسی دقیق و صحیحی انجام می‌شد شاید منافع هر دو طرف را در برداشت و طرفین با تکالیف خود آشنا می‌شدند. کارفرما از سخت و زیان آور بودن مطلع می‌شد و همانند حق بیمه این هزینه را هم در هزینه‌های تولید خود محاسبه می‌نمود و مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین غیرمنتظره نمی‌گردید و در خصوص برطرف نمودن سخت و زیان آوری شغل مورد نظر تلاش می‌کرد.

مشاور اتاق ایران با اشاره به بندی از قانون، که لزوم استاندارد بودن کارگاه‌هایی که پس از تصویب این

قانون تاسیس می‌شوند گفت: همزمان با تصویب این قانون، طی شکایتی، دیوان عدالت اداری رای‌ی صادر کرد که عملاً اجرای این قانون را متوقف کرد. با شرح اینکه زمانی که کارگران درخواست بازنشستگی کنند، ۴ درصد سخت و زیان آوری کار از سوی تامین اجتماعی مطالبه شود که این موضوع منجر به ایجاد مشکلات زیادی می‌گردد. به عنوان مثال بعد از ۲۰ سال امکان بازرسی و تشخیص سخت و زیان آوری کار مورد نظر وجود ندارد. قدسی ادامه داد: یکی از مشکلات موجود در این خصوص مربوط به صدور رای کمیته‌ها به صورت احساسی بوده که تبعات جبران ناپذیری را برای واحدهای تولیدی ایجاد کرده است. به طور مثال به علت نامناسب بودن آب و هوا در خوزستان و بوشهر تمامی افرادی که اقدام به سخت و زیان آوری شغل خود می‌کنند رای تایید از کمیته‌ها دریافت می‌کنند. وی در ادامه بیان کرد: به دلیل عدم دقت سازمان تامین اجتماعی به قطعی بودن رای کمیته‌ها، تقریباً ۳۰ درصد بازنشستگان از کانال سخت و زیان آور بوده و این موضوع منجر به پایین آمدن ۱۰ سال سن بازنشستگی شده است که در صورت ادامه، صندوق تامین اجتماعی را دچار

قدسی مشاور بیمه‌ای سندیکا:
به دلیل عدم دقت سازمان
تامین اجتماعی به قطعی
بودن رای کمیته‌ها، تقریباً ۳۰
درصد بازنشستگان از کانال
سخت و زیان آور بوده و این
موضوع منجر به پایین آمدن
۱۰ سال سن بازنشستگی شده
است که در صورت ادامه،
صندوق تامین اجتماعی را
دچار بحران خواهد نمود.

بحران خواهد نمود.

قدسی در پایان گفت: پیش نویس آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور حداقل ترین اقدام در خصوص رفع مشکلات می‌تواند باشد که با فوریت به نتیجه برسد.

مصطفی اصفهانیان عضو کمیسیون مالیات و تامین اجتماعی اتاق ایران با اشاره به اینکه عدالت در تشخیص مشاغل سخت و زیان آور رعایت نمی‌گردد گفت: به عنوان مثال کارگاه‌های ریخته‌گری که کارگران با مواد مذاب سر و کار دارند با کارگاه‌های نساجی که کارگر به عنوان کنترلر نویس مشغول به کار است قابل مقایسه نیست و تشخیص این دو شغل به عنوان سخت و زیان آور عادلانه نمی‌باشد. وی در ادامه گفت: متأسفانه این موارد بدون اندازه گیری انجام می‌گیرد و کارگاه‌های کوچک و متوسط را دچار بحران کرده است، چون کارگران تخصص‌شان را از دست می‌دهند. ایشان گفت، با توجه به اینکه مشاغل سخت زیان آور به ۱۳ شغل تعدیل شده ولی برخی از کمیته‌ها، این بخشنامه را اجرا نمی‌کنند.

محمد اصابتی مشاور کمیسیون مالیات و تامین اجتماعی بیان کرد: فلسفه وجودی تغییر آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور به چند سال پیش برمی‌گردد که در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی اقدام شده بود لذا بنا به دلایلی بی نتیجه ماند. وی گفت در بحث اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور سه سرفصل وجود دارد، فصل اول در خصوص تغییر قانون است که به دلیل نیاز به زمان طولانی و عدم ضرورت آن پیگیری نشده البته در برنامه ششم، پیشنهاد مسکوت ماندن برای دو سال ارایه شد که پذیرفته نگردید. دومین سرفصل مربوط به تغییر آیین نامه است که توسط اتاق تهران پیشنهاد شد



ضمن تشکر از اهمیت دادن بخش خصوصی به اینگونه مسائل گفت: قانون این وظیفه را وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی و تامین اجتماعی داده است که آیین نامه را تهیه نماید و این موضوع در وظایف بخش خصوصی نیست.

چاغروند ضمن تاکید دوباره به قانون و جایگاه شورای گفتگو بیان کرد: قانون دستگاه ها را مکلف کرده است تا قبل از ابلاغ هر دستورالعملی نظرات اتاق ها و تشکلهای را تجمیع و لحاظ کند.

در پایان جلسه با عنایت به اینکه حاضرین جلسه نظرات مختلفی در خصوص این آیین نامه داشتند و با توجه به اینکه زمان جلسه اجازه بررسی به تمامی موارد مطروحه این آیین نامه را نمی داد، لذا مقرر گردید نامه ای از سوی دبیرخانه شورا به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تامین اجتماعی و سایر ذی نفعان ارسال گردد تا نظرات به صورت مکتوب تجمیع گردد و در جلسه کارگروه دیگری با لحاظ نمودن دیدگاه های ارسالی از وزارتخانه های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تامین اجتماعی و ذینفعان بخش خصوصی بررسی گردد.

تصمیم به تشکیل جلسه با حضور وزرات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و اتاق ایران را داشت تا موضوع به صورت سه جانبه بررسی گردد که این جلسه توسط اتاق ایران تشکیل شد و در ادامه گفت، ارایه این پیش نویس از طریق اتاق از نظر شکلی قابل قبول وزارتخانه نمی باشد. چاغروند در پاسخ به معاون اداره بازرسی گفت: قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به شورای گفتگو اجازه داده تا مصوبات خود را به هیات وزیران ارسال نماید.

مهمین حق شناس نماینده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

محمود خالقیان
معاون اداره کل بازرسی کار:
پیش نویس جدید آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور از سوی اتاق به دفتر ریاست جمهوری ارسال شده که متعاقباً این دفتر ریاست جمهوری موضوع را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارجاع و دستور بررسی و اقدام داد که با دستور وزیر جلسات متعددی در این خصوص تشکیل گردید

و متعاقباً جلسات متعددی با حضور دستگاه های مربوطه جهت بررسی پیش نویس آیین نامه تشکیل گردید. وی در ادامه موارد مطروحه در این آیین نامه را شرح داد:

■ انتقال دبیرخانه به سازمان تامین اجتماعی، با استناد به ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی
■ تاکید اندازه گیری در تشخیص آلاینده سنجی کمیته ها؛
■ تاکید بر تخصصی بودن اعضای کمیته ها؛

■ تاکید بر ابلاغ رای به کارفرمایان؛
■ محول نمودن تعیین مصادیق گروه (ب) به شورای عالی حفاظت فنی؛
■ بررسی درخواست خارج شدن کارگاه از گروه (الف) توسط کمیته ها در صورت تقاضای کارفرمایان.

محمود خالقیان معاون اداره کل بازرسی
کار نیز توضیح داد که: این پیش نویس از سوی اتاق به دفتر ریاست جمهوری ارسال شده که متعاقباً این دفتر ریاست جمهوری موضوع را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارجاع و دستور بررسی و اقدام داد که با دستور وزیر جلسات متعددی در این خصوص تشکیل گردید. وی ادامه داد: خوشبختانه نظرات اتاق با وزرات خیلی نزدیک است و وزرات

پروژه‌های که استانداردها را پاس نکرده باشد، افتتاح نمی‌کنم



شهردار تهران ایمنی پروژه‌های عمرانی را از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری دانست و گفت: در زمان من پروژه‌ای که در مسیر خدمت به مردم نباشد، افتتاح نمی‌شود.

محمدعلی افشانی در آئین بازگشایی خط ۷ مترو و افتتاح ایستگاه مهدیه از همه کسانی که در اجرای پروژه سهم داشتند اعم از مدیران، مجریان، کارگران و... تشکر کرد و با بیان اینکه یکی از چالش‌های اصلی تهران ترافیک و آلودگی هوا است، افزود: خوشبختانه توسعه و تجهیز مترو کمک زیادی برای حل دو مشکل ترافیک و آلودگی هوا می‌کند و بر همین اساس مهمترین مأموریت شهرداری در حوزه حمل و نقل عمومی خواهد بود و توسعه آن هم به بهبود ترافیک و آلودگی هوا کمک زیادی می‌کند. شهردار تهران اظهار کرد: احساس می‌کنم اگر بین صحبت و عمل ما فاصله نیفتد اعتماد بیشتری برای مردم ایجاد می‌کند و این اعتماد سبب می‌شود تا آنها همراهی بیشتری داشته باشند.

قول مساعد بانک‌ها برای مشارکت با شهرداری تهران

وی با بیان اینکه سیستم بانکی به علت طلب از شهرداری تهران که عمدتاً بابت همین پروژه‌های عمرانی است امروز رقبتی برای تامین منابع ندارد، گفت: با این حال جلسات زیادی با مسئولان بانکی برگزار شده تا مشارکت بیشتری داشته باشند و آنها قول مساعد دادند و من به آینده امیدوار هستم.

افشانی در واکنش به برخی اخبار در مورد ۶۳۰ واگن مترو تصریح کرد: نقد برای من بسیار ارزشمند است و من نقد منصفانه هم نمی‌خواهم اما نقدی می‌خواهم که پایه و مبنای آن دروغ نباشد و چندی پیش من دیدم که نوشته بودند شهردار خائن در سال حمایت از کالای داخلی و اشتغال، کالای بنجل خارجی می‌خرد

و خیانت کرده و منظورشان این ۶۳۰ واگنی بود که قرار است بین شرکت چینی و شرکت ایرانی ساخته شود اما دقت نمی‌کنند که در قراردادهای قبلی می‌بایست ۲۵ درصد داخلی سازی می‌شد اما در این قرارداد جدید به ۵۵ درصد داخلی سازی توجه شده است.

وی با بیان اینکه ایمنی برای ما مهم است، گفت: استفاده از امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ایجاد و تکمیل ایمنی بسیار مهم بوده و لازم است پروژه‌ای که مورد بهره برداری قرار می‌گیرد از ایمنی لازم برخوردار باشد و دقت داشته باشید اساساً در دوره مدیریت من هیچ پروژه‌ای که در مسیر خدمت به مردم نباشد و استانداردهای لازم را پاس نکرده باشد افتتاح نمی‌شود.

شهردار تهران با بیان اینکه موضوع دومی که باید در حوزه مترو به آن توجه شود این است که ما نباید به علت خشکسالی‌های اخیر از سیلی که ممکن است در تهران جاری شود غافل شویم، اظهار کرد: به همین دلیل به معاونت فنی و حمل و نقل ابلاغ کردیم که تمامی خطوط مترو را و همچنین پروژه‌های عمرانی را ظرف مدت یک ماه یک بررسی میدانی انجام دهند و باید نسبت به وضعیت موجود زمین بررسی‌هایی انجام شود تا خدایی ناکرده سیل ناپهنگام و حادثه غیر مترقبه‌ای رخ ندهد تا دچار حادثه شویم.

وی با بیان اینکه با توجه به منابع محدود، باید در کمترین زمان ممکن با کمترین هزینه، پروژه‌ها به بهره برداری برسد، گفت: تامین منابع می‌بایست هر چه سریعتر باشد تا پروژه‌های نیمه تمام به سرانجام برسد و متأسفانه به علت علاقه وافر برای کلنگ زنی و زیردوربین بودن مسئولان شاهدیم که کلنگ پروژه‌ها خورده می‌شود اما به دلیل کمبود منابع برای پیشبرد همزمان سال‌ها پروژه‌ها در خاک می‌مانند و پیش نمی‌روند. افشانی با بیان اینکه از مردم تهران خواهش می‌کنم که برای بهبود وضعیت تهران در حوزه‌های مختلف مشارکت کنند، ادامه داد: ما نیز نظارت جدی خواهیم داشت که خدایی ناکرده یک نفر جرأت نکند که به اموال مردم دست اندازی کند و البته باید در ابتدا یک نظام سیستمی در داخل شهرداری ایجاد شود و نظارت باید جزء به جزء باشد. وی با بیان اینکه ما هیچ یک از بخش‌های حمل و نقل را فراموش نکرده‌ایم، گفت: برقی کردن موتورسیکلت‌ها نیز در دستور کار قرار دارد و با سازمان برنامه و بودجه جلسه داریم تا این موضوع حل و فصل شود. همچنین موضوع ۶۳۰ واگن مترو نیز به نظر می‌رسد در دستور جلسه یکشنبه یا سه شنبه کمیسیون فنی شورای اقتصاد قرار گیرد و شاهد آغاز عملیات تولید این واگن‌ها باشیم و این در حال است که همزمان توسعه دوچرخه و پیاده راه را نیز در دستور کار داریم.

منبع: ایسنا- ۲۴ تیر

ناامیدی اجتماعی؛ پیامد و چرایی؟

پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....
کمیسیون انتشارات

است و یکی از انواع انحرافات اجتماعی «انزوای اجتماعی» است.

۴- اگر در یک جامعه بین واقعیت موجود مبنی بر خواست مردم و شهروندان درمنظومه فکری جهانی از یک سو و رویه حکمرانی، فاصله باشد، نه تنها توقعات و انتظارات شهروندان بی پاسخ باقی می ماند بلکه توقعات به شکل غیر منطقی، فزاینده هم می شوند. در جامعه‌ای که آحاد آن نتوانند برای زندگی شخصی خود تصمیم بگیرند و ده‌ها سال در این درخواست درجا بزنند که مثلاً آیا حجاب، چگونه باید باشد یا زنان می‌توانند به ورزشگاه بروند یا خیر، توقعات بعدی متراکم می‌شود و با پاسخ نگرفتن، ناامیدی اجتماعی پدیدار می‌شود.

بنابراین، «ناامیدی» یک پیامد است و یک رفتار یا کنش نیست که بتوان با برنامه‌ریزی، کنترلش کرد. این حالت در میان شهروندان بنا به دلایلی است که در منظومه فکری هر فرد وجود دارد و جنبه ذهنی صرف ندارد، بلکه از واقعیات موجود تغذیه می‌شود. بدبینی، قطعاً ناامیدی را تکثیر می‌کند. این بدبینی هم بی دلیل و بی علت پدید نمی‌آید.

انزوای اجتماعی و احساس طرد اجتماعی، از علل ایجاد بدبینی هستند پس برای کاهش بدبینی، باید در سطوح میانه و کلان به سیاست‌ها و چارچوب‌هایی توجه داشت که موجب تشدید احساس طرد اجتماعی شده‌اند، مانند سیاست گزینش محور در سطح کلان و محدودیت در روند آگاهی‌رسانی در سطح میانه. پس آنگاه می‌توان امیدوار بود که در سطح خرد، امید اجتماعی افزون شود.

«انزوای اجتماعی» وزن قابل توجهی دارد. انزوای اجتماعی یک شبه پدید نمی‌آید. اگر در جامعه‌ای این مشخصات باشد افراد به سمت انزوای اجتماعی سوق پیدا می‌کنند: ۱- نگاه و رویکرد «گزینش محور» وجود داشته باشد و این رویکرد بویژه از منشأ ایدئولوژیک تغذیه شود. در این صورت «رانت» شکل می‌گیرد و متعاقب آن «فساد» افزایش پیدا می‌کنند و آنان که دست‌شان از سفره رانت، دور است احساس طرد اجتماعی می‌کنند و آرام آرام، منزوی و ناامید می‌شوند. ۲- در چنین جامعه‌ای، یک منظومه فکری و معرفتی شکل می‌گیرد که حتی روشنفکران سیاسی و فرهنگی‌اش هم ناخواسته بدان متمایل می‌شوند و دیگر روشنفکران اجتماعی را از وجود تریبون، محروم می‌کنند. پس در این جامعه، روشنفکران مستقل هم منزوی می‌شوند و بالطبع، شهروندان از وجود جریان سالم آگاهی‌رسانی بی‌بهره می‌شوند و هم‌چنان در بستر سابق ناامیدی، به مسیر خود ادامه می‌دهند.

۳- جامعه‌ای که مبتنی بر «خودی- غیرخودی» اداره می‌شود نمی‌تواند جامعه پویایی باشد، چون بسیاری را فراری می‌دهد و آنان که می‌مانند هر لحظه منتظر واقعه‌ای جدید هستند تا شاید دستی از آستین برون آید و... این جامعه ناپویا، توان اشتغال‌زایی و امیدافزایی ندارد، زیرا تاروپود ساختارهای کلان مدیریتی‌اش آمیخته با عدم تخصص و تظاهر به وفاداری است. اگر اشتغال در یک جامعه به حد کافی نباشد آن جامعه مستعد منحرف شدن

گفته شده است که «رؤیاهای» برای روان، مانند اکسیژن برای ریه‌ها هستند که اگر به سمت آنها برویم هورمون‌های شادی آزاد خواهند شد و با نادیده گرفتن آنها احساسات بد را تقویت کرده‌ایم. البته این معنا در حوزه روان‌شناختی است اما در حوزه جامعه‌شناختی، «رؤیا» معادل «انتظار» است که برای شهروندان جامعه قرن بیست و یکمی آنچنان عرض اندام می‌کند که اگر پاسخ داده شود اکسیژن به جامعه تزریق شده است و امید اجتماعی تقویت می‌شود و الا نومی‌دی، افزون خواهد شد.

احمد بخارایی؛ جامعه‌شناس در روزنامه ایران نوشت: در حوزه جامعه‌شناختی، «رؤیا» معادل «انتظار» است که برای شهروندان جامعه قرن بیست و یکمی آنچنان عرض اندام می‌کند که اگر پاسخ داده شود اکسیژن به جامعه تزریق شده است و امید اجتماعی تقویت می‌شود و الا نومی‌دی، افزون خواهد شد. فرد ناامید، دیگر از پیروزی‌هایش هم لذت لازم را نمی‌برد و شادی‌ها را کمتر ارج می‌نهد. او احساس نمی‌کند جامعه به او تعلق دارد. او خود را قربانی می‌بیند. از نگاه او جامعه این گونه است: «هر کسی کار خودش، بار خودش، آتش به انبار خودش» جامعه ما بر اساس نتایج تحقیق رضایت ملی، در بین ۱۴۹ کشور رتبه ۱۱۷ را دارد یعنی از میزان رضایت ملی در حد «کم» برخوردار است. ناامیدی اجتماعی مانند تمام پدیده‌های اجتماعی دارای علل و دلایل مختلف است. در سطح «خرد»، ناامیدی ناشی از بدبینی و این هم ناشی از وجود تبعیض در جامعه است. بنابراین، ناامیدی اجتماعی یک پیامد است نه یک «رفتار» یا کنش که با سیاست‌گذاری قابل رفع باشد. به همین علت، باید به سمت علل ایجاد ناامیدی توجه شود.

حال البته این سؤال مطرح می‌شود که آیا آن بدبینی و آن تبعیض، اموری هستند که در سطح خرد، قابل کنترل و تصحیح باشند؟ چنین به نظر نمی‌رسد. در میان مفاهیم مرتبط با ناامیدی اجتماعی،



بازی خوب تیم ژاپن در مقابل تیم بلژیک - تیم سوم رنکنینگ فیفا و یکی از شانس‌های قهرمانی این دوره از جام جهانی - با گلی که در آخرین ثانیه‌های بازی دریافت کرد اگرچه منجر به حذف آنها از دور مسابقات شد اما تحسین فوتبال دوستان جهان را به همراه داشت.

بعد از این باخت دراماتیک آنچه که تحسین دو چندان تمام جهان را نسبت به ژاپنی‌ها برانگیخت عکس رختکن تیم ژاپن بعد از ترک ورزشگاه بود، بعد از این شکست تلخ، ژاپنی‌ها رختکنی به غایت تمیز و مرتب به جا گذاشتند، همراه با کاغذی روی میز وسط رختکن و نوشته‌ای به زبان روسی بر روی آن سپاسیبا (Спасибо) که در زبان روسی به معنی تشکر است، تشکر از میزبانی روسها.

همواره در طول این سالها برخوردهای این چنینی تماشاگران ژاپنی بعد از مسابقات فوتبال را در سراسر جهان دیده‌ایم و شنیده‌ایم، بعد از بازی سکوی تماشاگران توسط خود آنها از هرگونه آشغال و زباله‌ای پاک می‌شود و این اقدام به نحوی باعث فرهنگسازی برای تماشاچیان سایر کشورها هم شده است. تماشاگران ایرانی هم در روسیه بعد از مسابقه‌های ایران چنین کاری را انجام می‌دادند.

چگونه می‌توان چنین کارهایی انجام داد؟ پاسخ این است در فرهنگی که نظم، مسئولیت‌پذیری و سخت‌کوشی از مهمترین ارکان هویتی فرد و جامعه است چنین نتایجی حاصل می‌شود.

آن عکس از فرهنگ ژاپن بود، نه رختکن ژاپن

در فرهنگ ژاپن اولین و مهم‌ترین قضیه مسئولیت‌پذیر بودن است به همین دلیل است که بارها شنیده‌ایم که فلان مدیر ژاپنی به دلیل ضعف در مجموعه زیردستش خودکشی کرد یا همین اواخر شنیدیم مدیران مترو ژاپن به دلیل ۲۰ ثانیه زودتر حرکت کردن قطار عذرخواهی کردند، یا پدیده «کاروشی» یعنی مرگ بر اثر کار بیش از حد.

سال گذشته فیلم "زندگی بدون زندگی" در جشنواره توکیو حضور داشت و بنده به‌عنوان کارگردان، همراه با تهیه‌کننده و آهنگساز فیلم به پایتخت سرزمین آفتاب



جام جهانی و درس ژاپنی‌ها

کاوه معین‌فر



رفتیم، بعد از ۲ روز یک نکته به شدت توجه ما را جلب کرد: چرا در هیچ جای این شهر یک تکه کاغذ به اندازه یک عدس هم روی زمین نیافتاده است؟ واقعا هیچ جا یک فیلترسیگار یا حتی یک تکه دستمال کاغذی هم روی زمین ندیدیم! همه جا در حد باور نکردنی تمیز بود و هر کس وظیفه‌ای که داشت را به نحو احسن انجام می‌داد. (با روی گشاده و لبخند) آغاز تمام این دست آوردها از فرهنگ است جایی که خانواده و آموزش و پرورش در آن نقش بسزایی دارند و از همان شروع کودکی به آن می‌پردازند.

دانش آموزان ژاپنی از سال اول تا ششم ابتدایی باید اصول اخلاقی در برخورد با مردم را بیاموزند، از سال اول تا سوم مقدماتی هیچ نوع امتحانی وجود ندارد، چون هدف از آموزش و پرورش القای مفاهیم و ساختن شخصیت است و نه امتحان و اجبار.

آنها از سنین پایین به حفظ سلامتی اهمیت می‌دهند، دانش آموزان در ژاپن نیم ساعت طول می‌کشد تا وعده غذایی خود را تمام کنند به این دلیل که مطمئن شوند غذا به درستی هضم شده، وقتی که درباره این نگرانی‌ها پرسیده می‌شود، آنها می‌گویند که این دانش آموزان آینده ژاپن هستند.

در مدارس ژاپن به دانش‌آموزان نمره داده نمی‌شود و ارزیابی به صورت گروهی انجام می‌شود، گروه باید تلاش کند که همه در سطح خوبی قرار بگیرند.

کودکان هنگام نشستن روی صندلی اتوبوس یا قطار ابتدا کفش خود را در می‌آورند و بدون کمک مادر روی صندلی می‌نشینند.

بعد از سونامی سال ۲۰۱۱ در ژاپن، خویشتن داری ژاپنی‌ها بعد از چنین فاجعه هولناکی باعث تحسین و شگفتی تمام مردم جهان شد، چون مردم ژاپن در صفهای بلند برای دریافت کمک می‌ایستادند، ازدحام نمی‌کردند، دست به غارت نمی‌زدند و حتی پولهای یک بانک را که پیدا کرده بودند پس دادند.

همه این مثال‌ها و نمونه‌های بیشماری از این دست رفتار ژاپنی‌ها، فقط و فقط نتیجه عملکرد درست یک ملت در زمینه آموزش و ساختن فرهنگ است، این اتفاقات حاصل اعتقاد و زیستن با فرهنگی است که ژاپنی‌ها برای خود ساخته‌اند.

برای شواف یا به رخ کشیدن و مصلحت نیست چون اگر چنین چیزی بود قطعا تا به امروز لو رفته بودند و این گونه رفتارهایشان یک نوع تظاهر و فریب‌کاری بحساب می‌آمد که هر بار با دیدن آن احساس تهوع می‌کردیم.

واقعیت این است که ژاپنی‌ها دقیقا همان مردم سخت‌کوشی هستند که خارجی‌ها متصور هستند. نظم و برنامه ریزی آنچنان نقش پررنگی در سلامت، تفریح، آیین و سنت‌ها و حتی ارتباطات کاری شان دارد که کمتر با اتفاقی غیر قابل پیش بینی مواجه می‌شوند.

به شهادت آن نوشته تشکر به زبان روسی، آنها از قبل برنامه داشته‌اند که به این شکل از جام جهانی و میزبان خداحافظی کنند به همین دلیل برد و باخت در برنامه آنها هیچ خللی وارد نکرده است.

اینجاست که می‌فهمیم آن عکس از رختکن تیم ژاپن فقط یک عکس نیست، نتیجه و نشانگر فرهنگ آن ملت است.

ژاپنی‌ها اگرچه حذف شدند ولی علاوه بر فوتبال یکی از تصاویر ماندگار جام جهانی ۲۰۱۸ را در خاطره‌ها برجای گذاشتند! عکسی با یک نوشته در مرکز آن

Спасибо

عصر ایران- ۱۳ تیر

خوردگی و مواد بازدارنده خوردگی طی سالهای گذشته صورت گرفته است.

امروزه، بسیاری از روشهای جلوگیری از خوردگی و مواد شیمیایی بازدارنده، بطور موثری استفاده می شوند.

انواع خوردگی در کولینگ موتورها آب خنک

- ۱ خوردگی یکنواخت
- ۲ خوردگی PITTING
- ۳ خوردگی زیر رسوبی
- ۴ خوردگی شیاری
- ۵ خوردگی گالوانیکی
- ۶ خوردگی حبابی (CAVITATION CORROSION)
- ۷ خوردگی سایشی (EROSION)
- ۸ خوردگی جدایشی

۱ - خوردگی یکنواخت

به خوردگی گفته می شود که نرخ خوردگی در تمامی قسمت های سازه یکسان می باشد به عبارت دیگر ضخامت فلز در معرض محیط خورنده به طور نسبتاً یکنواخت تدریجاً کاهش می یابد . این نوع خوردگی در محیط های اتمسفری مرطوب و به وفور در انبارهای روباز کارگاه ها که قطعات فلزی یا ماشین آلات نگهداری می شوند دیده می شود و قابل تشخیص است . داخل موتور نیز این نوع خوردگی اتفاق می افتد و به تنهایی و در کوتاه مدت خطر چندان بی اهمیتی به چرخه سیستم وارد نمی کند اما با تکرار خوردگی لایه اکسید شده از سطح به علت عدم چسبندگی بالا در اثر حرکت سیال از روس سطح جدا شده و داخل سیستم معلق می شود و در اثر برخورد با سطوح مختلف باعث خوردگی های دیگر و یا تجمع در قسمت هایی از سیستم خنک کننده شده که باعث اختلال در فرآیند خنک کاری می گردد .



در محیط های اتمسفری خوردگی خود باعث محافظت از سطح فلز می شود، بدین صورت که یک لایه از سطح اکسید شده و خود به عنوان یک لایه محافظ از سطح زیرین محافظت می نماید. بهتر



آشنایی با سیستم خنک کننده موتورها آب خنک

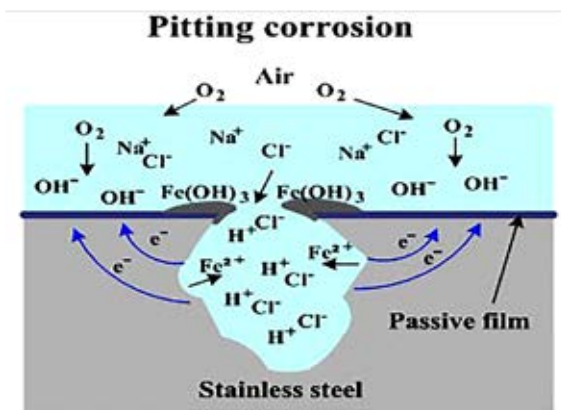
مهندس حمید خیاط نژاد - عضو کمیسیون ماشین آلات

خوردگی

همان طور که می دانید اکثر موادی که در معادن و طبیعت وجود دارند به صورت اکسیدی می باشند که با انجام عملیات خاص روی هر ماده آنها را استخراج کرده و با توجه به کاربردشان در صنعت به صورت خالص و یا ترکیب آنها با یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند. مواد با توجه به انرژی درونیشان تمایل دارند بعد از استخراج با اکسیژن و مواد اطراف خود ترکیب و به حالت اولیه خود برگردند به طور مثال فلز آهن که در ابتدا از معادن سنگ آهن استخراج شده است تمایل به ترکیب با اکسیژن و برکشت به حالت اولیه که اکسید آهن می باشد به Fe_2O_3 , FeO , Fe_3O_4 تبدیل شود .

به این فرایند در صنعت خوردگی گفته می شود، که مخالف استخراج می باشد. بررسی های ترمودینامیکی و سینتیکی روی مواد نشان می دهد که آیا فلز مورد نظر در محیط اسیدی، بازی، آبی خورده می شود یا نه و یا اگر خورده می شود با چه سرعتی این اتفاق می افتد.

پدیده خوردگی فلزات همواره از مشکلات مطرح در صنایع می باشد که سبب آلودگی و اتلاف محصولات، تخریب تجهیزات و در موارد بسیار حاد سبب انفجار و وارد آمدن آسیبهای بسیار انسانی، اقتصادی و محیط زیستی می گردد. مطالعات بسیاری در زمینه شناخت انواع خوردگی و عوامل ایجاد آنها، روشهای جلوگیری از



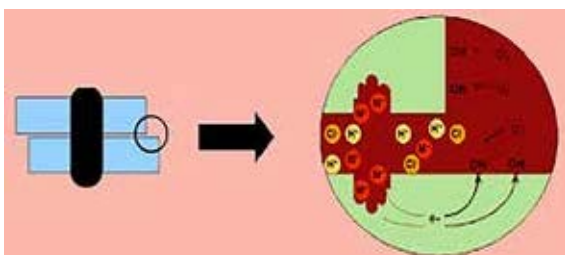
۳ - خوردگی زیررسوبی

سیستم‌های خنک کننده ای که از آب‌هایی با سختی بالا استفاده می‌کنند یون‌های رسوب گذار با یون فلز واکنش داده و روی سطح فلز می‌نشینند و علاوه بر اختلال در سیستم خنک کننده به مرور زمان به علت فقر اکسیژن در زیر رسوب همانند خوردگی حفره ای (Pitting) منجر به خوردگی سیستم می‌شوند.



۴ - خوردگی شیاری

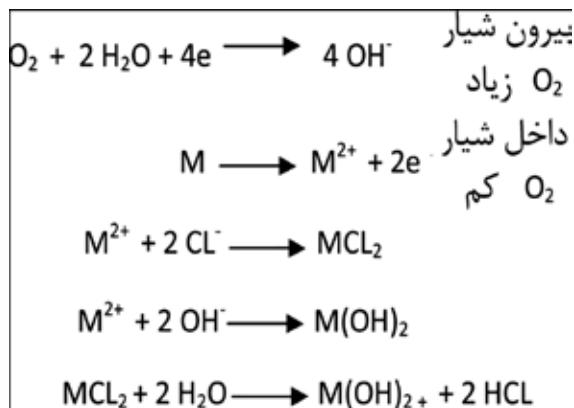
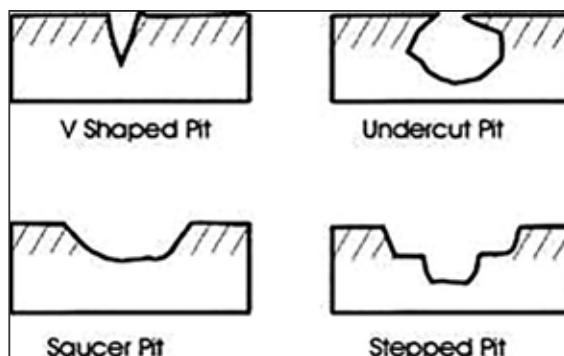
مکانیزم این نوع خوردگی شبیه به خوردگی حفره ای می‌باشد و بین دو اتصال اتفاق می‌افتد مانند دو فلز با هم یا واشرها، آب بندها در صورتی که بین دو اتصال فاصله ای برابر ۰.۲۵ الی ۰.۱ mm باشد و آب و یا رطوبت در آن مکان به صورت ساکن قرار بگیرد به علت فقر اکسیژن در داخل شیار آن مکان، آند شده و خوردگی رخ می‌دهد.



است تا قبل از اینکه بخواهیم از آنها استفاده کنیم لایه اکسیدی را از روی سطح برداریم. زیرا باعث اکسید مجدد سطح تمیز شده و در نهایت کاهش ضخامت قطعه را در بر خواهد داشت. در زمانی که نیاز به استفاده از قطعه، لوله و... را داشتیم باید لایه اکسیدی را از سطح به روش‌های شیمیایی و یا مکانیکی برداشت و فرایندهای کوتینگ را روی سطح اجرا نمود و بعد از آن در پروژه مورد استفاده قرار گیرد. در صورتی که لایه اکسیدی از روی سطح برداشته نشود و به همان صورت مورد استفاده قرار گیرد، به هنگام بهره برداری و به مرور زمان به علت عدم چسبندگی بالا، لایه اکسیدی از روی سطح جدا شده و منجر به جدایی لایه کوتینگ یا رنگ از روی قطعه، لوله و... می‌شود و باعث خوردگی موضعی شده و در نهایت خسارات و اختلال در عملکرد سیستم را در بر خواهد داشت. در انبارهای مسقف بهتر است در ابتدای کار قبل از اکسید شدن از مواد نگهدارنده جهت جلوگیری از اکسیداسیون سطح در زمان انبارداری استفاده نمود.

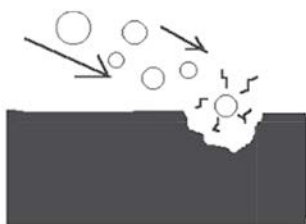
۲ - خوردگی PITING

این نوع خوردگی خطرناک ترین نوع خوردگی است. جایی که دچار خوردگی می‌شود قابل تشخیص نیست، به صورت موضعی سطح فلز دچار حفره می‌شود و راه شناسایی این نوع خوردگی، عمق حفره است که بیشتر از عرض حفره می‌باشد. این نوع خوردگی بیشتر در فلزات اکتیو پسیو اتفاق می‌افتد.



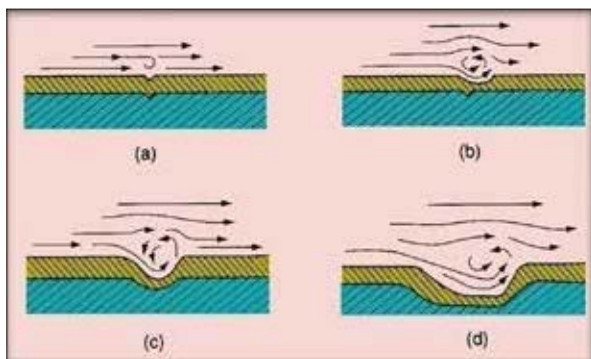
۵ - خوردگی گالوانیکی

این نوع خوردگی بین دو فلز ناهمنام که نسبت به هم دارای اختلاف پتانسیل باشند اتفاق می افتد که یا به هم متصل باشند و یا توسط یک الکترولیت با هم ارتباط داشته باشند. هر چه اختلاف پتانسیل بین دو فلز بیشتر باشد خوردگی بیشتر خواهد بود و فلزی که دارای پتانسیل کمتری هست آند شده و خورده می شود و فلزی که پتانسیل بیشتری دارد کاتد می شود.



۷ - خوردگی سایشی (EROSION)

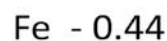
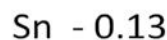
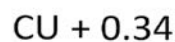
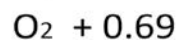
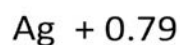
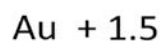
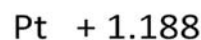
مکانیزم این نوع خوردگی شبیه به خوردگی حبابی است با این تفاوت که در خوردگی CAVITATION حباب به سطح برخورد می کند ولی در این خوردگی ذرات معلق موجود در آب و یا حرکت شدید آب به سطح فلز برخورد می کند و لایه های اکسیدی محافظ را جدا می نماید. معمولاً این نوع خوردگی بیشتر در سیستم هایی که دارای رسوب و عوامل خوردگی هستند اتفاق می افتد.



۸ - خوردگی جدایشی

این نوع خوردگی معمولاً در مواقعی در کولینگ ماشین آلات اتفاق می افتد که بخواهند رسوب زدایی کنند و در فلزات آلیاژی اتفاق می افتد و یکی یا چند فلز از آلیاژ جدا شده و فلز آلیاژی دیگر

پتانسیل الکترود استاندارد کاهش (احیاء) برای برخی از فلزات



۶ - خوردگی حبابی (CAVITATION CORROSION)

این نوع خوردگی در اثر انفجار و یا ترکیدن حباب های ایجاد شده بر روی سطح که در اثر جریان بالای سیال ایجاد شده و منجر به برداشتن لایه نازکی از سطح یا لایه اکسیدی محافظ می شود. خوردگی هایی که در بوش سیلندر، پروانه ها، محل خمش لوله ها و... دیده می شود.

خواصیت قبل را نخواهد داشت. بطور مثال اگر موتور ماشینی با ماده نامناسبی اسید شویی شود چدن موجود در سیلندر دگرپوره شده و کربن آن جدا می شود و آن سیلندر دیگر توانایی و کارایی قبل را نخواهد داشت.

راه های کنترل خوردگی

- ۱- انتخاب مواد مناسب
- ۲- استفاده از پوشش ها
- ۳- حفاظت کاتدی و آنودی
- ۴- استفاده از بازدارنده ها

در سیستم خنک کننده موتور ماشین آلات با توجه به طراحی شرکت سازنده تنها راه حفاظت از خوردگی استفاده از بازدارنده های شیمیایی می باشد که در صورت استفاده از ELC در سیستم خنک کننده می توان خوردگی و رسوب گذاری را کنترل نمود.

ELC چیست و مکانیزم عملکرد آن

طبق آمار ارائه شده از سوی شرکت کاترپیلار، نزدیک به ۵۰ درصد از کارافتادگی موتورهای ناشی از مشکلات سیستم خنک کننده می باشد. لذا حفظ سلامتی سیستم خنک کننده جهت افزایش بهره وری و بهره برداری حداکثری از موتور و افزایش طول عمر آن بسیار مهم و ضروری است. اجزایی از موتور و سیستم خنک کننده که در اثر عدم توجه کافی به نوع و کیفیت سیال خنک کن به طور مستقیم آسیب می بینند به قرار زیر هستند. لازم به ذکر است که در اثر تخریب سیستم خنک کننده خودرو بسیاری دیگر از اجزاء موتور به طور غیر مستقیم آسیب خواهند دید.

- رادیاتور موتور و درب آن
- رادیاتور بخاری
- واتر پمپ
- سر سیلندر
- بوش سیلندر (نوع آب گردان)
- سیلندر (کانال های عبور آب)
- واشر سر سیلندر
- لوله های انتقال آب (فلزی و غیر فلزی)
- آب بندها
- ترموستات
- کولر روغن

از آنجایی که خوردگی یک معضل پنهان است، لذا زمانی خود را آشکار می سازد که خسارات گسترده و سنگینی را به اجزاء و قسمت های مختلف وارد آورده است. در نتیجه می توان با استفاده از ماده ELC مهم در سیستم خنک کننده خودرو، پیشگیری از بروز خوردگی و توقف آن پس از استفاده، به سادگی داشت و موتور را در برابر خسارات سنگین ناشی از خوردگی ایمن کرد.

ELC مخفف عبارت Extended life coolant می باشد به معنای افزایش دهنده طول عمر سیستم کولینگ یا خنک کننده

ELC ترکیبی است از پلی فسفاتهای اختصاصی، استرهای آمینی اسید فسفریک و کمپلکس سازها، موثر و توانمند در کنترل خوردگی و جلوگیری از زنگ زدگی و رسوب گذاری که جهت استفاده موثر در موتورهای آب خنک توصیه می گردد.

ELC محصولی است حاوی مواد نگهدارنده سبز، کاملاً سازگار با محیط زیست، جهت حفاظت از فلزات مصرفی در موتورهای آب خنک و از خانواده آهن، برنج، آلومینیوم، روی، قلع، مس و سرب در برابر خوردگی، رسوب گذاری و اکسید شدن فلزات توسط آبهای مصرفی در رادیاتور.

ELC با ایجاد لایه ای مقاوم بر سطوح فلزات از رسوب گذاری و زنگ زدگی جلوگیری نموده و مواد جامد در آب را به صورت معلق در می آورد که این امر باعث جلوگیری از زنگ زدگی و رسوب گذاری شده و تبادل حرارت را در سیستم به سهولت میسر و نهایتاً خنک بودن مستمر موتور را به دنبال دارد.

ELC با کنترل رسوب گذاری، خوردگی و ذخیره قلیائیت بسیار بالا در ترکیبات خود عامل موثری در بالا بردن طول عمر مفید موتور می باشد.

مزایای استفاده از ELC

- ۱- جلوگیری کامل از خوردگی و ایجاد زنگ در سیستم
- ۲- جلوگیری کامل از ایجاد رسوب در سیستم خنک کننده
- ۳- بهبود رانندگی خنک کاری سیستم کولینگ (جلوگیری علمی و سیستماتیک از جوش آوردن موتور)
- ۴- کاهش هزینه های تعمیر و نگهداری و ایجاد آرامش در اپراتور
- ۵- افزایش طول عمر ضد یخ
- ۶- سازگاری با محیط زیست
- ۷- نداشتن تاریخ انقضاء
- ۸- مقرون به صرفه بودن ماده نسبت به نمونه خارجی
- ۹- استفاده آسان و سازگار با هر نوع آب و هوا

دستورالعمل استفاده از ELC

۱- دستگاه هایی که به تازگی خریداری شده و نو هستند در صورتی که دستگاه ها از شرکت های معتبر و بنام خریداری شده باشند در سیستم کولینگ از مواد ایمن و ELC استفاده شده است که با توجه به دستورالعمل شرکت سازنده باید عمل و استفاده شود و بعد از این که زمان کارکرد مایع خنک کننده به اتمام رسید حتماً باید مایع ELC با توجه به محل از نظر آب و هوایی به صورت تنها و یا به همراه ضد یخ داخل سیستم ریخته شود

- ۲- دستگاه هایی کارکرده بدون مشکل ظاهری آب دستگاه جهت تست خوردگی به آزمایشگاه ارسال شود و بعد از بررسی از مایع ایمن ELC در مناطق گرمسیر به تنهایی و در مناطق سردسیر به همراه ضد یخ مورد استفاده قرار گیرد
- ۳- دستگاه هایی که دمای کارکردشان بالاست

ابتدا باید سیستم خنک کننده با رسوب زدای انواع فلزات بدون کوچکترین خوردگی توسط شرکت مهام رسوب زدایی شده و بعد از مایع ELC همراه ضد یخ و یا به تنهایی با توجه به منطقه آب و هوایی و فصل سال مورد استفاده قرار گیرد.

از این رو

مجموعه مهام ایمن ساز با تجربه چندین ساله (۴۰ سال) تحقیقاتی و علمی خود در زمینه کنترل خوردگی و رسوب گذاری و ساخت مواد بازدارنده از خوردگی (corrosion inhibitor) توانسته با تکیه بر نیروهای متخصص خود چه در ایران و چه در خارج از کشور یکی از چند شرکت انگشت شمار تولیدکننده این نوع مواد در دنیا با کیفیت بهتر محسوب گردد.

همانطور که گفته شد، کلیه سیستمهایی که به نحوی با آب سرو کار دارند، به سرعت دچار خوردگی و رسوب گذاری و در نتیجه از کار افتادگی می شوند مگر اینکه به طور صحیح تحت حفاظت و نگهداری قرار گیرند. در این رابطه، این شرکت اقدام به ساخت و تولید مایع ایمن ساز رادیاتور و سیلندر موتور بنام تجاری MAHAM ELC نموده که قابل استفاده در رادیاتور کلیه موتورهای آب خنک از جمله سبک و سنگین می باشد. با استفاده از این ماده، از بروز کلیه مسایل و مشکلات ناشی از خوردگی و ایجاد رسوب در سیستم خنک کننده خودرو جلوگیری به عمل آمده و در نتیجه از گرم کردن موتور و استهلاک آن پیشگیری خواهد شد. این ماده در مناطق گرمسیر بدون ضد یخ مورد استفاده قرار می گیرد، که علاوه بر خاصیت ضد خوردگی و ضد رسوب با عملکرد مناسب جایگزین ضد جوش نیز خواهد شد و ماده ای سازگار با محیط زیست و غیر سمی برخلاف ضد یخ بوده و باتوجه به قیمت مناسب نسبت به ضد یخ از لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه خواهد بود و در مناطق سردسیر با ضد یخ مخلوط شده و به علت ذخیره قلیابیت

بالای خود باعث افزایش طول عمر ضد یخ و در نتیجه عدم تخلیه یک ماده سمی در محیط زیست و کاهش هزینه میگردد. استفاده از ماده ELC بسیار آسان بوده و کافی است داخل کارگاه یک مخزن ۱۰۰۰ لیتری تعبیه شود و یک گالن ۲۱ لیتری از محصول را با ۱۰۰۰ لیتر آب شیرین منطقه بدون در نظر گرفتن سختی مخلوط گردد و داخل کولینگ موتور مورد استفاده قرار گیرد و یا از ماده ELC+ مهام که آماده مصرف بوده و حاوی ضد یخ و مواد ضد رسوب و خوردگی می باشد بدون افزودن هیچ ماده ای در مناطق سردسیر استفاده نمود. لازم به ذکر است ELC استفاده شده در سیستم هر ۶ ماه یکبار به صورت رندم مانند آنالیز روغن از لحاظ خوردگی توسط شرکت مهام بررسی خواهد شد. در حالتی که سیستم خنک کننده خودرو دچار رسوب و گرفتگی شدید است و مدام داغ میکند پیش از استفاده از ELC مهام توصیه می شود، ابتدا سیستم خنک کننده را توسط ماده Maham L19Cr رسوب زدایی کنید تا مدار به طور کامل از رسوب پاک گردد.

این شرکت آمادگی خود را جهت ارائه خدمات فوق الذکر به مجموعهای محترم اعلام می دارد. این شرکت تا کنون با مراکز و سازمانهای متعددی از جمله قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص)، شرکت های سایبر، تابلیه، پرلیت، پارس خودرو، تراکتور سازی، نیروی دریایی ارتش، راه آهن جمهوری اسلامی ایران، شرکت کیسون، آبداراهان پارس، ربیبار، کولهام و... همکاری داشته است.

امید است با همکاری یکدیگر بتوانیم از خسارات سنگین ناشی از خوردگی که هر ساله هزاران میلیارد ریال از سرمایه های کشور را به هدر می دهد بکاهیم.

جوینت ونچر و تقسیم ریسک

آرزو نوری

جوینت ونچر (Joint venture) یا JV که اغلب معادل فارسی مشارکت انتفاعی برای آن به کار برده شده، نوعی قرارداد تجاری یا شرکت حقوقی است که در آن دو یا چند شرکت، و دو یا چند فرد مدیریت فعالیت خاصی را به نحو مشترک به عهده می گیرند و در سود و زیان حاصله شریک می شوند.

جوینت ونچر چه در قالب شرکت باشد یا قرارداد، مبتنی بر یک قرارداد حقوقی است که در آن نحوه افزایش سرمایه، نحوه حل اختلافات، نحوه انتقال سهام، زمان خاتمه همکاری و سایر جزئیات مورد توجه قرار گرفته است. در این نوع قرارداد هیچ کدام از طرفین نمی تواند به بهانه تامین سرمایه از مشارکت در مدیریت امتناع کند.

در مورد قرارداد جوینت ونچر با شریک خارجی، قالب قرارداد بر اساس قالبهای حقوقی رایج در کشور سرمایه پذیر انتخاب می شود.

برای تحقق کار و شروع همکاری در قالب جوینت ونچر ممکن است طرفین به ایجاد یک بنگاه اقتصادی یا تمرکز سرمایه بیشتر در بنگاه اقتصادی یکی از طرفین و افزایش سرمایه آن اقدام کنند و با تمرکز سرمایه در آن هدایت کار را بر عهده بگیرند، در این حالت می توان گفت یک جوینت ونچر شرکتی - با آورده یا سرمایه - شکل گرفته است. اگر جوینت ونچر بدون

به قوانینی که مالکیت شرکتهای خارجی را محدود و امکان تشکیل و ثبت شرکت را از آنها سلب می‌کند، شرکتهای داخلی در قالب این نوع قرارداد آزادی عمل بیشتری برای جذب شرکتهای سرمایه‌گذار خارجی را دارند. شرکتهای خارجی نیز از مشارکت و همکاری با یک شرکت داخلی به دلیل اشراف این شرکتها به فضای کسب و کار و قوانین حاکم استقبال می‌کنند. در درون کشورها هم این قرارداد با تجمیع و به کار بستن همزمان توان مالی و تخصصی شرکتها به تسریع در چرخه تولید محصول نهایی می‌انجامد.

البته این بنگاههای جدید با چالش‌هایی نیز در مراحل تولد و تکامل خود مواجه هستند، از جمله اختلاف دیدگاه یا تعصب نسبت به شرکت مادر در نیروهایی که وارد بنگاه جدید شده‌اند. تعریف دقیق و طراحی یک ساختار موثر برای این نوع بنگاهها هم از مواردی است که باید گذر زمان و خطا و آزمون را در تکامل آن مدنظر قرار داد. برخی انتقادات درباره اینکه جوینت ونچرها می‌توانند امکان رقابت را برای شرکتهای کوچک از بین ببرند نیز مطرح می‌شود که در این باره باید به پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی‌تری رجوع کرد.

شاید در پایان اشاره به ورود این مفهوم در ادبیات اقتصادی دنیا خالی از لطف نباشد، برخی معتقدند اصطلاح JV در جوامع باستانی رایج بوده و در مورد فعالیتهای اقتصادی دسته جمعی به کار می‌رفته است. برخی دیگر منشا آن را اسکاتلند عنوان کرده‌اند که با رواج سیستم کامن لا (Common law) در انگلستان، وارد ادبیات اقتصادی آن کشور شد و به هند و آمریکا منتقل شد. اگرچه آمریکایی‌ها مدعی شده‌اند که ریشه‌ای کاملاً آمریکایی دارد و از حدود سال ۱۸۹۰ میلادی در آمریکا مطرح شده است. در ایران برای اولین بار از این مفهوم در ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه با نام «گروه اقتصادی با منافع مشترک» یاد شده است.



وجود دارد از جمله اینکه در جوینت ونچر اشخاص یا شرکتها با هدف انتفاع ایفای نقش می‌کنند و در کنسرسیوم دو یا چند فرد، شرکت، سازمان یا حکومت برای انجام کاری انتفاعی یا غیرانتفاعی با هم شریک و همراه می‌شوند. البته در اصطلاح رایج عموماً طرفین تشکیل دهنده جوینت ونچر را شرکتها می‌دانند تا افراد. تفاوت دیگر این است که در کنسرسیوم هدف نقش محوری دارد و با اتمام پروژه کار کنسرسیوم به پایان می‌رسد، مگر اینکه با هدف جدید شراکت خود را بازتعریف کنند اما در جوینت ونچر شرکت شکل گرفته تا زمانی که طرفین اعتراضی نداشته باشند به اعتبار خود باقی است. هم جوینت ونچر و هم کنسرسیوم غالباً در دو نوع قالب شرکتهای سهامی خاص یا مسئولیت محدود شکل می‌گیرد که در جوینت ونچرهایی با قالب مسئولیت محدود، طرفین به میزان آورده خود در قبال تعهدات شرکت مسئول خواهند بود. در دنیای مدرن جوینت ونچر جایگاه خود را باز کرده است چرا که شکل‌گیری آن علاوه بر اینکه با تقسیم هزینه و درآمد ریسک کار را بین طرفین تقسیم می‌کند می‌تواند همکاری یک شرکت داخلی را با شرکتهای خارجی میسر کند و به انتقال فن آوری منجر شود. ضمن اینکه با توجه

تأسیس بنگاه اقتصادی شکل بگیرد و هر کدام از طرفین انجام قسمتی از کار و تأمین هزینه‌های آن را بر عهده بگیرند می‌توان از شکل‌گیری یک جوینت ونچر قراردادی خبر داد. در مقایسه این دو حالت از همکاری، شاید بتوان به دوام و استمرار جوینت ونچر شرکتهای اشاره کرد. عموماً جوینت ونچرها تا زمان فوت یکی از طرفین، اتمام مدت تعیین شده، انجام موضوع قرارداد یا اختلاف غیرقابل طرفین به حیات خود ادامه می‌دهند. همکاری فعال در انجام کار از ویژگی‌های بارز جوینت ونچر است و شاید وجه تمایز جوینت ونچر با شرکتهای سهامی در همین امر باشد، چرا که در شرکتهای سهامی بسیاری سهامداران در مدیریت شرکت نقش فعالی ندارند. این تمایز بین قرارداد جوینت ونچر با قراردادهای فاینانس هم وجود دارد چرا که در قرارداد فاینانس یا تأمین مالی نهاد تأمین کننده سرمایه از داشتن نقش موثر در اداره شرکت خودداری می‌کند. نکته جالب این است که در جوینت ونچر یکی از شرکا نمی‌تواند از شریک خود بخواهد در قبال دریافت اجرتی معلوم اداره امور را بر عهده بگیرد و باید آستین‌ها را بالا بزند و وارد چرخه کار شود.

جوینت ونچر شباهت زیادی با کنسرسیوم دارد در عین حال تفاوت‌های ظریفی نیز

که نکات زیر در رابطه با این عمارت قابل توجه هستند:

عدم وجود راهبرد: عمارت فوق در عین حالی که دارای اتاقهای بیشمار (به اندازه یک هتل) است، دارای سالنهای متعدد پذیرایی و رقص و غیره نیز هست که آن را از یک خانه مسکونی دور کرده و بیشتر به یک هتل شبیه کرده است.

عدم وجود نقشه فنی: در ساخت عمارت از هیچ نقشه فنی که نشان دهنده طراحی عمارت مورد نظر باشد استفاده نشده است. نقشه‌های موجود مربوط به بخش‌های خاصی از عمارت است.

عدم توجه به نیازمندی‌های واقعی: در انتخاب و ساخت بخشهای مختلف عمارت اعم از درها، پنجره‌ها، سقف، کف پوش و غیره به نیازمندی‌های واقعی توجه نشده و صرفاً به خاطر اینکه فعالیت‌های ساختمانی متوقف نشده یا بدلالی تجملاتی اقدام به انجام آنها شده است.

زمان غیرمعقول: ۳۸ سال برای ساخت عمارت صرف شده است.

هزینه غیرمعقول: ۵،۵ میلیون دلار صرف ساخت این عمارت شده است.

حضور نسل‌های مختلفی از سبک‌ها و سیستم‌ها: در این عمارت شاهد انواع سیستم‌های گرمایی (سه نوع بخاری معمولی، سیستم بخار، و سیستم هوای گرم) هستیم. علاوه بر آن عمارت فوق که تنها دارای دو طبقه است، دارای سه آسانسور مستقل است که راه‌اندازی آن بیشتر حالت تجملی و پرستیژ داشته است تا یک نیاز واقعی.

غیرقابل توسعه: توسعه عمارت فوق بدون تخریب بسیاری از قسمت‌های اصلی آن مقدور نیست.

بسیار پیچیده: تعدد راهروها، درها، پنجره‌ها، راه پله‌ها و اتاقها وضعیتی را بوجود آورده است که به راحتی در آن گم می‌شوید. در واقع به همین دلیل این خانه از مدت‌ها پیش به خانه ارواح جنگ‌های داخلی آمریکا معروف بوده است.

منابع:

صمدی اوانسر، عسگر. مقدمه‌ای بر معماری سازمانی (ویژه مدیران). دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، تیر ۱۳۸۴.



اسرار عدم معماری در عمارت وینچستر

دهنده خلاقیت‌های هنری فراوانی است، جای جای خانه شامل عجایب زیادی چون درها و پنجره‌هایی که رو به دیوار باز می‌شوند، راه پله‌هایی که به هیچ جاکتم نمی‌شوند، و تعداد بیشماری بخاری، راه پله، در و پنجره اضافی، انواع سیستم‌های گرمایی و غیره است.

نتایج حاصل از

بررسی عمارت وینچستر

آنچه که بررسی این عمارت را مهم می‌کند، تجسمی است که می‌تواند در رابطه با وضعیت فعلی بسیاری از سازمان‌ها و سیستم‌های اداری و ارتباطی آنها در مایجاد نماید. در واقع اگر زیرساخت‌ها و سازه بلوک‌های سیستم‌های اداری اغلب سازمان‌ها را با معادل‌های ساختمانی آن جایگزین کنیم، دقیقاً به عمارت‌هایی نظیر وینچستر خواهیم رسید. عماراتی که هر چند ظاهری آراسته داشته و هزینه و زمان زیادی جهت ایجاد آنها صرف شده است، ولی چون بر اساس معماری معینی بنا نشده‌اند، فاقد کاربری لازم بوده و در بهترین حالت به درد فعالیت‌های توریستی و موزه‌ها می‌خورند. در این مورد می‌توان با دقت بیشتری به مشخصات این عمارت توجه کرد. با توجه به موارد فوق می‌توان دید

عمار وینچستر که در اداره ملی ثبت اماکن تاریخی آمریکا ثبت شده و در سن خوزه، کالیفرنیا قرار دارد دارای سبک معماری ویکتورین است. این عمارت ویکتوریایی تمام شهرتش را مدیون چیزهای عجیب و غریبی است که در معماری آن وجود دارد. این عمارت که در طی ۳۸ سال (۱۹۲۲ تا ۱۸۸۴) توسط بیوه ثروتمند آقای جوزف وینچستر ریفیل ساخته شده، حاوی نکات بسیار جالب و آموزنده‌ای از چیزی است که باید آن را «عدم معماری» بنامیم.

صرفنظر از انگیزه‌های خرافاتی فعالیت‌های ساختمانی که ۳۸ سال از عمر خانم وینچستر و بسیاری از صنعت‌گران را به خود اختصاص داد، حاصل کارهای ایشان عمارتی است عجیب و باورنکردنی که امروزه یک محل توریستی به حساب می‌آید. این عمارت ۱۶۰ اتاقه برخلاف سایر خانه‌های هم عصر خود دارای سیستم‌های مدرن گرمایی (کانال‌های بخار و هوای گرم) چراغ‌های گازی که با فشار یک دکمه روشن می‌شوند، سه عدد آسانسور فعال، و ۴۷ عدد بخاری است. جدای از مواردی چون سقف‌های گردان، کف پوش‌های میناکاری شده، چلچراغ‌های نقره و طلا، و پنجره‌های شیشه‌ای مشبک که هر کدام نشان

اقتصاد ایران در شرایطی قرار گرفته است که هیچ ایرانی وطن دوستی نمی‌تواند نگرانی خود را پنهان کند، چه برسد به اینکه از دشواری اقتصادی کشور به دلیل نوع بینش سیاسی خود احساس خشنودی کند؛ چراکه بیشترین درد و رنج مشکلات اقتصادی را همواره اقشار متوسط به پایین متحمل می‌شوند. در این شرایط دشوار اقتصادی، به طور مشخص بسیاری می‌پرسند چرا وضعیت اقتصادی به اینجا رسیده است؟

چرا اقتصاد به اینجا رسید؟ مگر در دولت‌های یازدهم و دوازدهم جمعی از اقتصاددانان مطرح کشور مشغول مشاوره و سیاست‌گذاری نبوده‌اند که چنین شده است؟ اگر نتیجه علم اقتصاد (به طور مشخص علم اقتصاد متعارف) آن چیزی است که در عمل رخ داده است، پس علم اقتصاد چه کاربردی دارد؟ اگر نتیجه به‌کارگیری علم اقتصاد آنچه است که بی‌ثباتی اخیر اقتصاد کلان آن را به تصویر می‌کشد آیا زمان آن فرا نرسیده است که اصطلاحاً سراغ تغییر پارادایم فکری خود در زمینه علم اقتصاد و سیاست‌گذاری برویم (هرچند من شخصا معنی پارادایم را خوب متوجه نمی‌شوم)؟

در کنار پرسش‌هایی از این دست، مطالب دیگری نیز مطرح می‌شود که شاید مهم‌ترین آنها این است که چون اقتصاددانان مطرح و درگیر در مشاوره و سیاست‌گذاری در طول حدودی سال گذشته نماینده لیبرالیسم اقتصادی هستند، به‌کارگیری تفکر لیبرالیسم اقتصادی چنین بلایی بر سر کشور آورده است.

بدون آنکه قصد دفاع از یا نقد اقتصاددانان و مسئولان اقتصادی کشور را داشته باشم و بدون آنکه به خودم اجازه بدهم کسی را نماینده لیبرالیسم اقتصادی یا هرایسم دیگری بدانم (که مرا یاد ایسم‌های فراوان گروه‌های چپ در اوایل انقلاب می‌اندازد که در هر گفتار و نوشتار خود انبوهی از این ایسم‌ها را به‌کار می‌بردند بدون آنکه معنی آن را بدانند) که زیاد با معنی آنها آشنا نیستم و الحمدلله جزو هیچ ایسمی نیستم، ادعا



چرا اقتصاد به اینجا رسید؟

تیمور رحمانی؛ عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

می‌کنم که دشواری‌های اقتصادی پدید آمده به‌ویژه در ماه‌های اخیر به هیچ وجه بیانگر اشکال در علم اقتصاد نیست و آنچه رخ داده است را نمی‌توان به علم اقتصاد نسبت داد (ضمن اینکه می‌پذیرم که علم اقتصاد کامل نیست، بلکه در حال تکامل است و حتماً به توضیح کامل از همه پدیده‌ها دست نیافته است). البته این را هم می‌دانم که تصمیمات اقتصادی نه‌تنها در ایران بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته در محیط سیاسی و طی یک فرآیند سیاسی شکل می‌گیرد و هیچ ضرورتی ندارد که مسئولان اقتصادی دولت به تمام و کمال از علم اقتصاد برای تصمیم‌گیری بهره برده باشند؛ بنابراین آنچه رخ داده است یا می‌تواند انعکاس فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی موجود در کشور باشد که منجر به اقداماتی متفاوت از نظر اقتصاددانان درگیر در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور شده است و بنابراین آنها بری از نقد هستند یا اینکه به خاطر عدم درک و شناخت دقیق پدیده‌های اقتصادی جدید (مانند همزمانی بی‌ثباتی مالی و برنامه کاهش تورم) رخ داده باشد

که به‌طور طبیعی برنامه‌ریزی شده و تعمدی نبوده است.

با این حال، می‌توان مواردی را بر شمرد که آنچه به‌عنوان تصمیم اتخاذ و اجرایی شده بیانگر توصیه علم اقتصاد نبوده است (البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که انصاف حکم می‌کند بخشی با اهمیت از تلاطم‌های اخیر در محیط اقتصاد کلان را هم ناشی از اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌ها بدانیم که هیچ برنامه اقتصادی برای خنثی کردن کامل آن وجود ندارد و تقصیری متوجه مسئولان و تصمیم‌گیران نیست). با توجه به مقدمه فوق، در اینجا صرفاً به مواردی اشاره می‌شود که بی‌ثباتی اخیر در بازارها را شکل داده است و قابل نسبت دادن به نقص علم اقتصاد و ناسودمندی آن نیست و از موارد متعدد فراوان دیگر که بیانگر عدم انطباق تصمیمات اتخاذ شده با تحلیل علم اقتصاد حکایت دارد، صرف نظر می‌کنیم.

۱- هنگامی که نشانه‌های بی‌ثباتی بانکی بروز می‌نماید و ناترازی در ترازنامه بانک‌ها و موسسات اعتباری بروز می‌نماید، رقابت و جنگ قیمتی آنها روی نرخ سود دارای پیامدهای خارجی منفی برای اقتصاد است و براساس تحلیل علم اقتصاد لازم است با سیاست‌گذاری و تشدید نظارت، مانع ایجاد آن پیامدهای خارجی منفی شد. کدام قسمت علم اقتصاد گفته است که در چنین شرایطی صرفاً چون تورم در حال کاهش است نگرانی نباید داشت و اقدام بسیار جدی انجام نداد تا مشکلات کنونی را که به‌طور چشمگیری ناشی از این بی‌ثباتی مالی است، به علم اقتصاد نسبت دهیم.

۱- هنگامی که تنگنای مالی و اعتباری و رکود در اقتصاد وجود دارد و نرخ سود بسیار بالا است، ضروری است که اقداماتی برای کاهش نرخ سود انجام داد و اگر همزمان که نرخ تورم در حال کاهش است، نرخ سود در حال افزایش است، حتماً علامت آشکاری از یک دشواری بزرگ است که باید اقدامی برای آن انجام داد. کدام قسمت علم اقتصاد گفته است که در چنین شرایطی باید اوراق بدهی

تا براساس آن به انتقاد از علم اقتصاد بپردازیم.

اینها موارد معدودی از تصمیمات و اقدامات اجرایی است که انجام شده است و نمی‌توان آنها را توصیه علم اقتصاد دانست تا براساس آن به نکوهش علم اقتصاد پرداخت و آن را علمی ناسودمند تلقی کرد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که ما در آینده نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهیم بود که بدون به‌کارگیری علم اقتصاد نه تنها قادر به حل آنها نخواهیم بود؛ بلکه می‌تواند وضعیت را وخیم‌تر کند. علم نعمت خدا است و به‌کارگیری آن سپاسگزاری از خداوند است و اگرما از علم اقتصاد بهره نبرده‌ایم، بیانگر ناسودمندی علم اقتصاد نیست؛ بلکه بیانگر تزئینی دانستن علم اقتصاد در جلسات و بیانگر استفاده نکردن از تجربه‌های گذشته عدم به‌کارگیری علم اقتصاد در حل مشکلات است.

اگر می‌خواهیم بدانیم چگونه در مورد معضلی به نام تورم (که دیگر در سطح جهانی به‌عنوان یک مشکل دیده نمی‌شود چون متوسط نرخ تورم جهانی در حال حاضر حدود ۳/۵ درصد است) اشتباهات دستگاه تصمیم‌گیری تکرار می‌شود، خواننده را به مطالعه کتاب "پول و بانک" استاد گرانقدر دکتر باقر قدیری اصلی چاپ ۱۳۷۶ دانشگاه تهران ارجاع می‌دهم که فصلی از آن را با استفاده از بریده جراید و روزنامه‌ها به نحوه واکنش دولت‌ها و سیاست‌گذاران به افزایش قیمت‌ها از زمان ناصرالدین‌شاه (که هنوز علم اقتصاد و توصیه آن برای کنترل تورم شکل نگرفته بود) تا سال ۱۳۷۵ اختصاص داده است و شباهت شگفت‌انگیز این واکنش‌ها و البته بی‌فایده بودن همه آنها را نشان داده است. البته اگر آن استاد، کتاب خود را امروز بازنگری می‌کرد، حتما موارد دو دهه اخیر را نیز به کلکسیون واکنش تکراری دولت‌ها به افزایش قیمت‌ها اضافه می‌کرد که به جذابیت آن فصل می‌افزود.

منبع: دنیای اقتصاد - ۸ مرداد

کاسته شود. اگر سیاست‌گذار نتواند با اقدامات سیاستی خود حجم نقدینگی را کنترل کند، نهایتاً نخواهد توانست پایه پولی را هم کنترل کند و بنابراین همان بهتر که به کنترل شدید پایه پولی هم نپردازد. در واقع، نمی‌توان بدون کنترل نقدینگی به تداوم کنترل پایه پولی نیز پرداخت در حالی که عکس آن امکان‌پذیر است. کدام قسمت علم اقتصاد گفته است که اگر رشد بالای نقدینگی تداوم یابد، اگر ما صرفاً رشد پایه پولی را کاهش دهیم به کنترل پایدار تورم دست خواهیم یافت، تا براساس آن به سرزنش علم اقتصاد بپردازیم.

۵- هنگامی که عوامل بنیانی، افزایش قیمت‌ها را اجتناب‌ناپذیر نمایند، آن



افزایش رخ خواهد داد. با توجه به اینکه قیمت طلا جهانی است و قیمت آن به ریال براساس نرخ ارز تعیین می‌شود، اگر انتظار افزایش نرخ ارز وجود داشته باشد پس انتظار افزایش قیمت طلا هم وجود دارد و چون ما قادر به تغییر قیمت جهانی طلا نیستیم با فروش تمام طلای موجود در کشور (شامل طلای بانک مرکزی و بانک‌ها و خانوارها) نیز قادر به کنترل قیمت طلا نخواهیم بود.

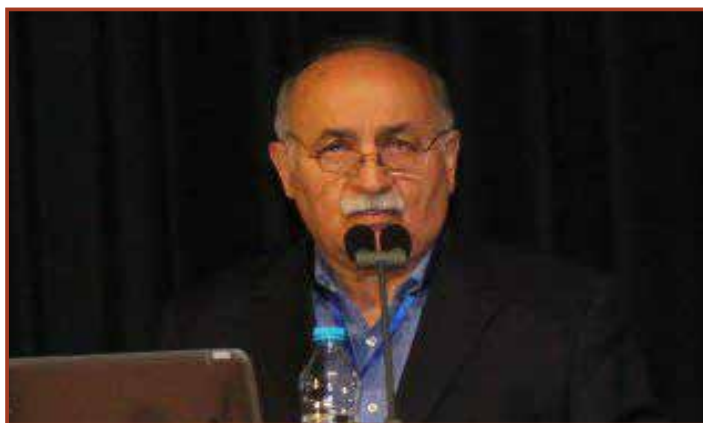
کدام قسمت علم اقتصاد گفته است که در چنین شرایطی دولت باید طلا بفروشد و دارایی با ارزش خود را از دست بدهد

کوتاه مدت با نرخ سود بالا منتشر کرد و تازه ادعا شود که این به کاهش نرخ سود کمک می‌کند تا براساس آن به نکوهش علم اقتصاد پرداخت.

۳- هنگامی که کشوری یک برنامه کاهش و کنترل تورم را به‌طور جدی در دستور کار قرار می‌دهد، لازم است که علاوه بر کنترل کمیت‌های پولی سیاست مالی نیز انقباضی شود. کدام قسمت علم اقتصاد گفته است در شرایطی که دولتی سعی دارد با سیاست پولی انقباضی و به‌طور مشخص کنترل پایه پولی، نرخ تورم را به شدت کاهش دهد، هزینه‌های اسمی دولت رشدی بیشتر از سایر متغیرهای اسمی اقتصاد داشته باشد و در این زمینه نه تنها به توصیه علم اقتصاد

توجه نشود؛ بلکه به توصیه حضرت سعدی، نیز که فرمود "چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن، که می‌گویند ملاحان سرودی، اگر باران به کوهستان نبارد، به سالی دجله گردد خشک رودی" هم توجه نشود تا براساس آن به نکوهش علم اقتصاد پرداخت.

۴- هنگامی که از ابزار نرخ سود به‌عنوان ابزار سیاست پولی استفاده نمی‌شود و به جای آن سعی می‌شود پایه پولی کنترل شود، شرط توفیق در کنترل تورم آن است که رشد تمامی کمیت‌های پولی شامل پایه پولی، حجم پول و حجم نقدینگی



چالش‌های ماندگاری شرکت‌های فعال در صنعت احداث

مهندس محمدرضا طبیب‌زاده

بخش پایانی

بخش اول مقاله با محوریت چالش‌های ماندگاری شرکت‌های فعال در صنعت احداث ارائه شد. در ادامه نگاه‌های نگارنده مقاله در حوزه چالش‌های تامین منابع مالی در شرایط حال بازار کسب و کار پیمانکاران و فعالان صنعت احداث ارائه شده است.

۳- بحث دوم: چالش‌های بخش خصوصی در شرایط حال در حوزه تامین منابع مالی و بانکی

در حوزه چالش‌های تامین منابع مالی و بانکی در کشور در شرایط حال و شرایط حداقل (نه محدود به آنها) بایستی به سوالات ذیل پاسخ روشن داد.

۱-۳- در شرایط حال ساختار، چارچوب و عملکرد فضای بانکی و بیمه‌ای در کشور ما با ثرم و استانداردهای بین‌المللی (همچون بیمه‌های سازه، کوفک، هرمس، لویڈز و نظایر آن) وجود ندارد و علاوه بر آن بانک‌های دولتی و خصوصی داخلی به علت پاره‌ای از قوانین دست و پاگیر بالادستی و علاوه بر آن به علت مشکلات مالی درون سازمانی خود نمی‌توانند در کنار مشاورین/پیمانکاران بخش خصوصی

بانکی خارج شود و در شرایط حال نیز با خروج آمریکا از توافق ۵+۱ شرایط برای سیستم بانکی و تبادل مالی ما در سطح بین‌المللی بسیار مشکل‌تر خواهد بود.

۳-۳- تاکنون بانک‌ها اعتقاد بر این دارند که حوزه وظایف آنها تنها در دادن چند ضمانتنامه شرکت در مناقصه، ضمانتنامه تضمین انجام تعهدات، ضمانتنامه پیش‌پرداخت و ضمانتنامه مربوط به حسن انجام کار در برابر پروژه‌های عمرانی خلاصه می‌شود. قطعاً شرایط موجود چنین نیست و نیاز به حضور بسیار گسترده‌تر می‌باشد.

۴-۳- اجباراً پیمانکاران با ورود به حوزه بانکی و بسته به اعتبار و سابقه خود با بانک‌های مربوطه و از منابع خود نسبت به تامین اعتبار مالی برای اجرای پروژه‌ها (Self-Financing) عمل می‌نمایند. میزان هزینه‌های بانکی (کارمزدها و یا میزان وثائق برای دریافت ضمانتنامه‌ها) با نظامات بین‌المللی انطباق ندارد و به علت بالا بودن این هزینه‌ها در سیستم بانکی کشور با توجه به نرم‌های بین‌المللی بایستی بالاجبار بار مالی آنها در بالاسری (Over Head) پیمانکاران/مشاوران منظور شود و در نتیجه بار مالی مضاعفی به پروژه وارد می‌نماید.

۵-۳- بانک‌های خصوصی و دولتی کشور قبول و تمایل ندارند که به عنوان یک بازوی تامین‌کننده مالی در پروژه‌ها و در قالب عضوی از گروه همکاری با پیمانکاران/مشاوران به صورت مستقیم در مقابل پروژه مسئولیت بپذیرند؟

۶-۳- به کدامین دلیل افتتاح اعتبار اسنادی ریالی (L.C) که در بیش از سه دهه گذشته هم در قوانین متعدد جاری کشور به آن اشاره و تاکید شده است تاکنون عملی نشده است؟ و به عنوان یک چالش جدی باقی مانده است. مشکلات این امر بین سیستم دولتی و سیستم بانکی کشور به چه دلیل تاکنون حل و فصل نگردیده است؟ مسئول حل این مورد کدام یک از بخش دولت یا نظام بانکی کشور است؟

۷-۳- در شرایط حال کشور و در اجرای پروژه‌های بزرگ ملی نیاز مبرم به آورد منابع مالی از بازار سرمایه خارجی می‌باشد. آیا در شرایط حال امنیت سرمایه در داخل برای

بخش خصوصی درخواست دارد اگر دولت و زیرمجموعه‌های آن اقدام به انتشار اوراق به منظور تامین منابع مالی نموده و این اوراق را در فضای بورس و فرابورس برای خرید آن یا هر روش دیگر ارائه نماید و منابع مالی حاصله را صرف اجرای پروژه‌های مربوطه نموده و از قرار دادن این اوراق در اسناد مناقصه و قرارداد خودداری نماید

سرمایه‌گذاران خارجی و مشخصا با نگاه به موضوع Ranking بین‌المللی ایران و در پی آن شرایط بازیگران فعال در فضای کسب و کار در نرم‌های بین‌المللی در چه شرایطی است؟ آیا شرایط برای دریافت Ranking بین‌المللی فعالان بخش خصوصی مسیر است؟

۳-۸- با توجه به حجم و سطح پروژه‌های بزرگ کشور فی‌المثل در پروژه‌های کلان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی و محدود بودن حجم امکانات داخلی بانکی، بانک‌ها نیاز به تجمع امکانات خود به صورت سندیکایی (Syndicate نمودن بانک‌ها) دارند. این خواسته بخش خصوصی تا چه میزان از نظر قوانین داخلی بانکی در کشور قابل قبول و عمل می‌باشد؟ و علاوه بر آن اول آیا بانک‌ها توانمندی سندیکایی نمودن را دارند؟ و دوم آیا قوانین بالادستی بانک‌ها در این مورد همراه بانک‌ها می‌باشد؟

۳-۹- آیا این اعتقاد صحیح است که انداختن مسئولیت تعهد تامین منابع مالی پروژه‌ها به دوش پیمانکاران و آن قرارگرفتن آنها با سیستم‌های مالی و بانکی به عوض مسئولیت دولت صحیح و منطقی است؟ یا این که بهتر است پیمانکاران به وظایف مشخص خود در حوزه اجرای پروژه‌ها ورود نموده و توان خود را در این محور صرف نمایند و تامین منابع مالی پروژه‌ها به روش‌های مختلف همچون روش پرداخت با LC ریالی یا فروش اوراق قرضه به دولت محول شود؟ متأسفانه علیرغم مصرح بودن افتتاح LC ریالی در قوانین سه دهه گذشته کشور و عدم توفیق در این حوزه و همچنین معضل بزرگ پرداخت مطالبات پیمانکاران از طریق انواع اوراق قرضه مشکلات فعالان بخش خصوصی دو چندان شده است.

۳-۱۰- در نرم‌های بین‌المللی و استانداردهای جهانی شرکت‌های پیمانکاری برای دریافت پشتیبانی از بانک‌ها پس از ورود به مناقصات و برنده شدن در آن و عقد قرارداد با پیمانکاران با قرار دادن "قرارداد امضاء و تأیید شده کارفرما" Bankable "قرارداد" بر روی میز بانک‌ها و به راحتی اقدام به دریافت پشتیبانی مالی از آنها را می‌نمایند؟ به چه دلایلی این امکان در کشور ما وجود

ندارد؟

۳-۱۱- آیا نحوه دادن تضامین توسط بخش دولتی به بانک‌های خصوصی برای بازپرداخت تامین منابع مالی پروژه‌ها Financing از بازار پول مورد قبول و پذیرش بانک‌ها می‌باشد؟ و در این ارتباط دولت می‌تواند تضامین کافی به بانک‌ها برای بازپرداخت دیون خود ارائه نماید؟

۳-۱۲- در اغلب پروژه‌های دولتی مبلغ قانونی قرارداد به صورت ارزی پیش‌بینی می‌شود ولی در عمل دولت نمی‌تواند بدون قید و شرط ارز مورد نیاز قرارداد را با شرایط مطمئن Secured means of payment در اختیار پیمانکاران قرار دهد و به عنوان مختلف با ایجاد قیودی در قراردادها عملاً پیمانکار در پروژه با ماهیت ارزی مواجه نیست. مشکل در این حوزه کجاست؟ و روش اصلاح مسیر کدام است؟

۳-۱۳- ایضا در طول دوران تحریم اعتبار اسناد ارزی توسط بانک‌های داخلی مورد تأیید سازندگان خارجی قرار نگرفت و در شرایط حال این رویه جاری است و لذا پیمانکار با روش Back To Back می‌بایستی اقدام به باز نمودن اعتبار اسنادی در یکی از بانک‌های خارجی مورد تأیید سازندگان خارجی (از منابع چینی، ترک، روس و نظایر آن) از طریق Commissionerها کار را دنبال بنماید که رفتن در این مسیر دارای بار مالی زیادی بعضاً تا ۱۵٪ علاوه بر شرایط قرارداد برای پیمانکاران/مشاوران هزینه در بردارد که کارفرمایان این بار مالی را نمی‌پذیرند. آیا این شرایط نص صریح تغییر نرخ یک پیمان تلقی نمی‌شود؟ و پیمانکار می‌تواند این درخواست را از کارفرما بنماید؟

۳-۱۴- کاهش ارزش بی‌رویه پول ملی خصوصاً در دو سال اخیر در مقابل ارز خارجی

آیا این اعتقاد صحیح است که انداختن مسئولیت تعهد تامین منابع مالی پروژه‌ها به دوش پیمانکاران و رودررو قرارگرفتن آنها با سیستم‌های مالی و بانکی به عوض مسئولیت دولت صحیح و منطقی است؟

به عنوان چالش جدی دیگر در بخش مالی پروژه‌ها به وجود آورده است گرچه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بخشنامه‌ای در مورد نوعی خاصی از قراردادهای ریالی با مبلغ ثابت صادر نموده ولی اعمال چنین بخشنامه‌هایی به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای شرایط موجود مالی قراردادهای در کشور نیست. دولت و سازمان برنامه و بودجه چه تمهیدات عملی و اجرایی پاسخگویی می‌تواند پیشنهاد نماید؟

۳-۱۵- در شرایط کنونی که حوزه اثر پیمانکاران با ورود به پروژه‌های EPCF BOO/BOT/PPP / و نظایر آن بسیار وسیع‌تر از پروژه‌های سنتی سه عاملی (C) قبلی می‌باشد مشکلات مالی برای دریافت ضمانتنامه‌ها و تامین منابع مالی پروژه‌ها توسط مشاوران/پیمانکاران بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر است. قوانین و ضوابط بالادستی قطعاً نیاز به بازنگری و اصلاح دارد. چه تمهیداتی توسط دولت و سازمان برنامه و بودجه برای حل این معضل پیشنهاد می‌شود؟

پیشنهادهات

در دو بخش فوق‌الذکر رئوس پرسش‌ها و چالش‌های اصلی در حوزه ماندگاری شرکت‌های پیمانکاری اشاره شد ذیلاً پیشنهاداتی در پاسخ به چالش‌های فوق (نه برای همه چالش‌ها) تقدیم شده است:

بخش اول حوزه ماندگاری:

۱. نگارنده اعتقاد دارد عوامل درون ساختاری بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی (مهندسین مشاور و پیمانکاران) می‌توان بعضاً هم‌مطراز با عوامل برون ساختاری در ماندگاری آنها اثرگذار باشد قطعاً حاضران و فعالان بخش خصوصی بایستی این عوامل در فضای بنگاه‌های خود شناسایی و در مسیر رفع آن عمل نمایند.

۲. نگارنده اعتقاد دارد از بین عوامل موثر در ماندگاری شرکت‌های پیمانکاری مسائل فرهنگی شاید بیشترین نقش را در عدم شکل‌گیری و ماندگاری بنگاه‌های داخلی بخش خصوصی توسط بنیان‌گزاران این بنگاه‌ها داشته است. مادر شرایط حال قادر به

تجميع امکانات خود برای حضور در پروژه‌های حتی داخلی خود نیستیم و از آزمون‌های قبلی در این مورد ناموفق بیرون آمده‌ایم.

۳. نگارنده اعتقاد دارد علل اصلی پاشیدگی و در هم گسیختگی شرکت‌های پیمانکاری/ مشاوره‌ای نگاه و عملکرد راس هرم قدرت و موسسین این بنگاه‌ها در پایداری درازمدت آنها بوده است و عموماً این صاحبان بنگاه‌ها نقش تله بنیان‌گذار (Founder trap) را در مورد شرکت‌های خود بازی نموده و عملاً ناخواسته باعث انهدام بنگاه‌های خود شده‌اند. بدون شک بنگاه‌های قدیمی خصوصاً پیمانکاران در کشور بیش از ۷۰ سال گذشته فعال در فضای کسب و کار گواه نگاه فوق‌الذکر است.

۴. عوامل برون ساختاری و خصوصاً عملکرد بخش دولتی در نگاه به بخش خصوصی و در اجرای مندرجات اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز نظام برای رسیدن به افق سال ۱۴۰۴ در یک دوران ۲۰ ساله که بیش از نیمی از مدت و دوره آن سپری شده و بسیاری از قوانین بالادستی موجود دیگر به درستی عمل ننموده است و می‌تواند از عوامل اثرگذار جدی در این حوزه باشد.

۵. نقش حوزه قوانین بالادستی حاکم بر فضای بخش خصوصی به عنوان قوانین بالادستی با یک نگاه کاملاً یکسویه و حاکمیتی در قالب نظام دولتی نوشته و تنظیم شده و می‌شود و عملاً بخش خصوصی قدرت مانور و ارائه نظرات کافی برای ایجاد بالانس و ایجاد یک شرایط متعادل را ندارد و علیرغم وجود و حضور قانون "بهبود مستمر فضای کسب و کار" در سال‌های اخیر این امکان برای حضور و اثرگذاری بخش خصوصی به درستی توسط زیرمجموعه‌های دولتی دیده نمی‌شود.

۶. بدون شک در شرایط حال بسترسازی و تدوین قوانین، دستورالعمل‌ها و مقررات به منظور حضور شفاف و روشن پیمانکاران ایرانی هم در صحنه اجرای پروژه‌های کلان داخلی و به طبع آن و هم برای حضور در صحنه‌های بین‌المللی و در پروژه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای صدور خدمات فنی مهندسی به طور کامل وجود ندارد. در این ارتباط نگاه به پشتیبانی‌های

همه جانبه مالی- عملیاتی دولت از پیمانکاران- مشاوران ایرانی بخش خصوصی برای توفیق آنها در پروژه‌های بین‌المللی در قالب صدور خدمات فنی- مهندسی امری الزامی و از واجب واجبات است.

۷. نگارنده پیشنهاد دارد فعالان حاضر در بخش خصوصی اعم از پیمانکاران/ مشاوران بایستی ابتدا خود چالش‌های خود را شناخته و در رفع آنها اقدام نماید و پس از آن درخواست از طرف مقابل خود یعنی بخش دولتی داشته باشد و قطعاً بخش خصوصی راه درازی پیش رو برای گذر از این مسئله دارد این امر با تبادل نظر در فضای کنفرانس‌ها، دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای هیات‌های مدیره سندیکاها و انجمن‌ها دارد قطعاً نشست‌های مشترک مسئولان محترم مهندسان/ پیمانکاران/ مشاوران می‌تواند در این مسیر مثمرتر باشد.

تجمع و ایجاد سندیکاها و با توافق با بانک مرکزی در کنار پروژه‌های عمرانی قرار گیرند.

۲. هم اکنون روش‌های انجام پروژه‌ها با تامین منابع مالی توسط پیمانکاران/ مشاوران اشاره شده در قانون سال‌های اخیر البته با توجه به ریسک‌های بالا برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی از طریق بانک‌ها در شرایط حال سهل به نظر نمی‌رسد لذا ورود پیمانکاران/ مشاوران به انجام پروژه‌ها بر اساس روش‌های مندرج "ماده ۳۴ قانون دائمی احکام" بایستی قانونمند شود و علاوه بر آن نیاز به تجدیدنظر جدی در سیستم بانکی کشور به منظور رفع موانع، الزامی به نظر می‌رسد.

۳. جمع‌آوری نقدینگی سرگردان در جامعه می‌تواند توسط بانک‌ها انجام و به مسیرهای صحیح یعنی ساخت و ساز و کارآفرینی سوق داده شود. این امر قطعاً با همت دولت، تشویق و اعتماد مردم



بخش دوم حوزه تامین منابع مالی و بانکی

۱. در بازار پول بانک‌های عامل داخلی چه خصوصی و چه دولتی حاضر در فضای اقتصاد نه چندان مطلوب کشور بایستی با

نقش حوزه قوانین بالادستی حاکم بر فضای بخش خصوصی به عنوان قوانین بالادستی با یک نگاه کاملاً یکسویه و حاکمیتی در قالب نظام دولتی نوشته و تنظیم شده و می‌شود و عملاً بخش خصوصی قدرت مانور و ارائه نظرات کافی برای ایجاد بالانس و ایجاد یک شرایط متعادل را ندارد

برای حضور و هدایت پول‌های سرگردان به حوزه بانکی کشور و با ابزار علاقه و پشتیبانی بانک‌ها میسر می‌گردد. رفتن نقدینگی‌های سرگردان به سمت انباشت ارزهای خارجی توسط مردم آنچه که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد، اثرات مخرب در این حوزه خواهد داشت.

۴. نگارنده اعتقاد دارد شرایط خاص مالی حال کشور با توجه به اقتصاد کاملاً دولتی نبایستی موجب اعمال این سیاست و استراتژی توسط دولت شود که پیمانکاران/ مشاوران را به یکباره به سمت تامین منابع مالی و قبول تعهدات سنگین و غیرقابل تحمیلی در این مورد بدون بسترسازی لازم ملزم و سوق دهد و دولت از این امر شانه

حق مشاوره قراردادهای پیمانکاری مشمول مالیات مشاغل می شود



معاون مالیات های مستقیم سازمان امور مالیاتی وضعیت دریافت مالیات از حق مشاوره را تعیین کرد.

نادر جنتی معاون مالیات های مستقیم سازمان امور مالیاتی در مورد دریافت مالیات از حق مشاوره نظر سازمان مالیاتی را اعلام کرد. در این اعلام نظر که به اداره امور مالیاتی شهر و استان تهران و سایر ادارات ارائه شده آمده است: نظر به اینکه پرداخت های موضوع تبصره ماده ۸۶ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ در مورد حق مشاوره، به دو طریق انجام می گیرد، مراتب زیر جهت اطلاع و بهره برداری لازم ابلاغ می شود.

۱- پرداخت هایی که وفق قانون کار و سایر قوانین موضوعه به اشخاص حقیقی که به صورت مستمر در خدمت دیگری به امر مشاوره اشتغال دارند، صورت می پذیرد، به عنوان حقوق محسوب و تابع مقررات فصل مالیات بر درآمد حقوق است.

۲- پرداخت هایی که به اشخاص حقیقی بابت حق مشاوره در قالب قرارداد پیمانکاری انجام می پذیرد، تابع مقررات فصل مالیات بر درآمد مشاغل می باشد که در این گونه موارد مشاوران ذیربط باید، براساس قوانین و مقررات مربوط به صاحبان مشاغل اقدام نمایند.

۳۰ خرداد- خبرگزاری فارس

نظامات بین المللی ارائه شد و شرایط لازم برای دریافت منابع مالی از بازار پول و سرمایه (چه داخلی و چه خارجی) برای پیمانکاران فراهم شود. الگوهای استفاده تامین منابع مالی بین المللی توسط کشورهای تازه پیشرفته منطقه از جمله کره می تواند به عنوان الگو قرار گیرد.

۹. پیمانکاران بخش خصوصی درخواست دارند که دریافت تضمین به صورتی که هم اکنون در قوانین جاری کشور است به نحوی با قوانین بین المللی همخوان شود به عنوان نمونه هزینه های ضمانتنامه مشاوران/پیمانکاران با روش های موجود در ضوابط جاری کشور قابل مقایسه با هزینه های مشابه در پروژه های بین المللی نیست. سیستم بانکی بایستی برای آن راهکار ارائه دهد.

۱۰. هم اکنون بحث استفاده از انواع اوراق قرضه به عنوان منبع تامین منابع مالی مورد توجه دولت می باشد و در قانون بودجه سال جاری نیز درج شده است پیشنهاد بخش خصوصی این است که اگر مراد دولت با نگاه به "ماده ۱۰ قانون جاری مناقصات" اعلان روش تامین منابع مالی توسط دولت cash basis contract می باشد نگاه به قرار دادن انواع اوراق قرضه به عنوان بازپرداخت مطالبات پیمانکاران (صورت وضعیت های پیمانکاران) و سایر مطالبات با اعمال روش «پرداخت تاخیری» نمی تواند با شرایط پیمان های جاری از جمله برای پیمان های سه عاملی و یا پیمان های طرح و ساخت EPC ملاک باشد بخش خصوصی درخواست دارد دولت و زیرمجموعه های آن اقدام به انتشار اوراق به منظور تامین منابع مالی نموده و این اوراق را در فضای بورس و فرابورس برای خرید آن یا هر روش دیگر ارائه نماید و منابع مالی حاصله را صرف اجرای پروژه های مربوطه نموده و از قرار دادن این اوراق در اسناد مناقصه و قراردادهای خودداری نماید.

امید است نظرات تقدیمی که بیشتر به رؤس و سرفصل های موضوعات پرداخته است مورد عنایت انجمن ها، سندیکاها و متعاقبا خوانندگان مجله آبادگران قرار گرفته و از راهنمایی های ارشادی به نگارنده دریغ نشود.

خالی کند. بلکه بایستی در این حوزه با داشتن یک "نقشه راه" (Road Map) روش های تامین منابع مالی پروژه ها البته با دریافت نظرات بخش خصوصی در چارچوب "قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار" و با استفاده از امکانات صندوق توسعه ملی نوشته و به اجرا درآورد.

۵. انجمن های صنفی مختلف پیمانکاری/ مشاوره ای البته با کمک سیستم دولتی می توانند با ایجاد صندوق های مالی برای پشتیبانی اعضای خود (Equity Fund) در داخل و خارج کشور خصوصاً در خارج از کشور به منظور استفاده از بازار سرمایه بین المللی در خدمت کسب و کار و توسعه صنعت قرار گیرند. دستیابی به این امر نیازمند به تدوین قانون برای تعریف روابط بین بخش خصوصی و بانک های دولتی و خصوصی است. بانک های کشور می توانند در این مورد پیش قدم شده و بخش خصوصی را راهنمایی نمایند.

۶. نحوه و روش های عملی تامین منابع مالی با بکارگیری نرم های بین المللی در شرایط حال با توجه به بازار پول و سرمایه در کشور توسط منابع خارجی بایستی قانونمند شود. با توجه به گستردگی موضوع این بحث نیاز به پیشنهاد انجمن ها و سندیکا های پیمانکاری در یک سمینار یا workshop البته با حضور فعال همه ذینفعان بخش خصوصی و پاسخگویان در این حوزه به این موضوع بپردازد. شورای هماهنگی تشکل های صنفی و حرفه ای کشور می تواند در این حوزه پیش قدم شود.

۷. فرایندهای ساختارهای کم کردن ریسک و بالابردن اعتماد سرمایه گذاران خارجی در کشور از نگاه های بین المللی در حوزه دولت با حق صیانت و حاکمیتی بر حوزه های پروژه های کلان صنعت احداث توسط دولت بایستی نظام مند شود. تا بتوان یک قرارداد Bankable بر روی میز بانک ها و موسسات مالی و بین المللی توسط پیمانکاران بخش خصوصی قرار گیرد.

۸. زمان آن رسیده است که سیستم مالی، اعتباری، بانکی و بیمه ای کشور متحول شود و در شرایط حال با الگوگیری از تجربیات بازار پول و سرمایه در سطح بین المللی روش های نوین و منطبق بر

چشم دوختن به فضای بین‌المللی هم به دردی جدید بدل شده با این تصور که از رهگذر توافق و تفاهم با آمریکا اثراتی حاصل شود که دردهای اقتصاد ایران را مانند کیمیا درمان کند. ولی همان طور که اکثریت اقتصاددانان و فعالان اقتصادی دلسوز کشور تأیید می‌کنند، درمان درد ما نه در بیرون مرزها، که دقیقاً نزد مدیران کشور است. خروجی نیز زمانی حاصل می‌شود که دست از محافظه‌کاری در عمل برداریم و سیاست «گفتاردرمانی» را برای همیشه کنار بگذاریم.

شاید با قطعیت بتوان ادعا کرد که اولین مشکل دولت یازدهم و دوازدهم «کمتر شنیدن» است. اتاق تهران طی چند سال گذشته به گواه بررسی‌های رسمی حداقل ۵۳ مرتبه در مورد یکسان‌سازی نرخ ارز و جهش ناگهانی آن، ۳۷ بار در مورد شفافیت و مبارزه با فساد و ۴۵ مورد درباره بهبود فضای کسب‌وکار به دولت راهکار و نظر ارائه داده است. حتی در حوزه زیربخش‌هایی مانند ممنوعیت ثبت سفارش واردات خودروهای خارجی به دولت و وزارت صنعت نامه رسمی زده شد که اگر در همان زمان به هشدار بخش خصوصی توجه می‌شد، حواشی بعدی پیش نمی‌آمد.

در مورد حوزه‌هایی مانند صنعت فولاد حداقل ۴ نظر کارشناسی و درباره صنعت سیمان حداقل ۷ نظر فنی ارائه شد که متأسفانه در کمتر مواردی دولت به این توصیه‌ها عمل کرد. صنایع دارویی، پتروشیمی و... هم بخش دیگری از لیست بلند بالای نظرات بخش خصوصی را تشکیل می‌دهند. اما دولت در شرایطی به این موضوعات کم‌توجهی می‌کرد و می‌کند که قانون بهبود فضای کسب‌وکار به صراحت اشاره به مشورت دولت پیش از هر تصمیم با بخش خصوصی دارد، ولی جای نگرانی است که خروجی سال‌های گذشته تنها تحقق کمتر از ۳۰ درصدی احکام قانون بهبود فضای کسب‌وکار بوده و نادیده گرفتن مطلق اصل مشورت با صاحبان کسب‌وکار بوده است.

جالب اینکه بلافاصله بعد از تصمیمات ارزی فروردین، اتاق بازرگانی طی نامه‌ای،



«کمتر شنیدن» اولین مشکل دولت یازدهم و دوازدهم

مسعود خوانساری؛ رئیس اتاق تهران

از ریاست جمهوری خواستار اصلاح آن شد که اولاً قیمت ۴۲۰۰ تومانی غیرکارشناسی است، ثانیاً دولت امکان پاسخ‌گویی به تمام نیازهای با ارز ۴۲۰۰ تومانی را ندارد و عملاً تقاضای ارز را افزایش می‌دهد.

همچنین قاچاق اعلام کردن خرید و فروش، به بالا رفتن امکان فساد دامن خواهد زد. در همین زمان درخواست شد که ارز با سوبسید فقط به کالاهای اساسی، حساس و داروها اختصاص یابد که در بازار قابل کنترل و ردیابی است و سایر کالاهای می‌توانند از ارز صادراتی استفاده کنند که باعث تقویت صادرات و تعادل در بازار ارز می‌شود.

اما متأسفانه در برابر این درخواست و پیشنهاد منطقی با پاسخ منفی مواجه شدیم. عملاً بعد از دو ماه بیش از ۲۷ میلیارد دلار تقاضای ارزی حاصل شد و جالب اینکه همان کالاهایی که با ارز ۴۲۰۰ تومانی به کشور وارد شد، در بازار به قیمت‌های بالاتری به فروش رفت. پس از آن صادرات کاهش یافت، خیلی از مواد اولیه کارخانه‌ها معطل‌اند، رانت و فساد برای تعدادی از شرکت‌های خاص

حاصل شده و در نهایت منجر به صدور بخشنامه‌های جدیدی شده است.

بازار دوم ارز اگرچه تا اندازه‌ای از التهاب بازار کاسته، اما کماکان بسیاری از نیازها بلا تکلیف مانده است. همین فرآیند را در مورد پیش‌فروش سکه هم که عملاً بدون کارشناسی لازم به انجام رسید، می‌توان دید. بحران اقتصاد ایران نقدینگی است. روزانه یک هزار میلیارد تومان به رقم نقدینگی اضافه می‌شود. پرداخت ۳۵ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های مالی و اعتباری منحل شده، بی‌انضباطی مالی دولت، پرداخت یارانه نقدی به آحاد مردم، بحران نظام بانکی، کسری بودجه دولت، متعادل نکردن سالانه قیمت‌های حامل‌های انرژی و ارز و رکود حاکم بر اقتصاد همگی عوامل موثری در جهت رشد بی‌مهار نرخ نقدینگی به حساب می‌آیند. بر این اساس تا پایان سال جاری باید شاهد رشد تورم و تعمیق بیشتر برخی از بحران‌های پیش روی هم باشیم.

امروز دولت نیاز به گفت‌وگو با مردم دارد. شهروندان باید آگاه شوند که اصلاحات اقتصادی با دردهای مقطعی همراه است، ولی نتیجه بلندمدت خواهد داشت. بخش خصوصی با وجود تمام نارسایی‌ها در کنار دولت آماده حرکت در مسیر اصلاحات است. اینکه امروز رفتارهای دولت شفاف شده، قدم در مسیر تازه گذاشته و به شکست سیاست‌های قبلی پی برده، می‌تواند سرآغاز حرکت‌های معقول بعدی باشد. هنوز هم جای اصلاح، بهبود و امید به آینده وجود دارد. واقعیت به اندازه‌ای که گاهی مدیران دولتی تصور می‌کنند پیچیده نیست. صاحبان کسب‌وکار فضایی را می‌خواهند که در آن به نقطه بازدهی بهینه برسند. آنها به دنبال کسب سودهای آتی، استفاده از بی‌نظمی بازار و... نیستند. شاید عده‌ای باشند که از این دریای گل‌آلود برای خودشان ماهی‌های بزرگ صید کنند، ولی آنها را نباید بخش خصوصی مولد و طرفدار شفافیت قلمداد کرد.

منبع: دنیای اقتصاد-۳۱ تیر

شرایط امروزی کشور دانست و افزود: اکنون دامنه انتظارات از دولت به مثابه یک دولت رفاه است و وظیفه جبران خسارات رخ داده شده در کشور را دارد. اگر در شمال کشور کیوی که یک میوه نسبتاً لوکس است، سرمازده شود، این دولت است که باید خسارت را جبران کند. یا به عنوان مثال کسی که خانه خود را بیمه نمی‌کند، به این امید است که خسارت احتمالی را دولت با استفاده از سرمایه عمومی جبران کند.

وی ادامه داد: این نقش به سرعت در حال دگرگون شدن است. دولت ایران مانند بسیاری از دولت‌های در حال توسعه نمی‌تواند نقش رفاه خود را ایفا کند. حتی اینکه دولت می‌تواند بار توسعه را در کشور به دوش بکشد، در معرض سوال جدی قرار دارد. با توجه به کمبود منابع و شرایط فعلی اقتصاد نقش واقعی دولت تنها می‌تواند نقشی مشارکتی باشد. به جز در موارد مرتبط با بهداشت، آموزش و مسائل اجتماعی دولت تنها می‌تواند در جایی که بازده اقتصادی دارد مشارکت کند.

مظاهریان ورود بیمه به اقتصاد به عنوان جبرانگر خسارت و جایگزینی آن با دولت را ضروری دانست و افزود: دولت همواره خود را داوطلب پرداخت خسارات جلوه داده است. اما اکنون حتی اگر دولت بخواهد این نقش را بازی کند، امکان پذیر نیست. دولت باید این جرات را پیدا کند که درباره نقش خود در دهه‌های آینده با مردم صحبت کرده و مردم باور داشته باشند آن دولت ثروتمندی که بتواند خسارات وارده را از جیب همه مردم جبران کند، دیگر وجود ندارد.

وی ادامه داد: اگر به این مرحله رسیده‌ایم در اینجا نقش بیمه بسیار مهم می‌شود. به عنوان مثال اگر کسی می‌خواهد کیوی کاشته و کسب سود داشته باشد، باید محصول خود را بیمه کند و نمی‌تواند ریسک کسب و کار خود را به دولت و مردم منتقل کند. اکنون در آستانه یک تغییر نگرش مهم نسبت به دولت و نقش آن در روند توسعه کشور و همچنین جبران حوادث قرار داریم. برای این تغییر نقش نیز نیازمند قوانین و



در سمینار ارزیابی خسارات بیمه ای ساختمان‌ها پس از زمین‌لرزه مطرح شد:

تشریح نقش صنعت بیمه در ایجاد تحول در صنعت ساختمان

وی ادامه داد: در وزارت راه و شهرسازی اکنون برنامه‌های مفصلی در حوزه ساختمان داریم، اما ارتباط با بخش بیمه کمتر از حد انتظار است و شرح اقدامات ما به این بخش منتقل نمی‌شود. معاون وزیر راه و شهرسازی سپس به نقش مهم صنعت بیمه در توسعه کشور اشاره کرد و گفت: بیمه در ایران قدمتی دیرینه دارد و قانون آن در ۱۳۱۶ تدوین شده است و باید یادآور شد که بیمه بخش جدایی ناپذیری از هر فعالیت پایدار اقتصادی است و ساختمان گرانترین کالایی است که اکثر مردم می‌توانند مالک آن شوند و این بیمه است که می‌تواند خسارات احتمالی به آن را جبران کند.

نگاه مردم به دولت به مثابه یک دولت رفاه است !

همچنین مظاهریان تغییر نگرش به دولت و خروج از دایره جبران خسارت را ضرورت

سمینار ارزیابی خسارات بیمه‌ای ساختمان‌ها پس از زمین‌لرزه با حضور معاون وزیر راه و شهرسازی و مسئولان بیمه مرکزی برگزار شد.

در این سمینار مظاهریان معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: یکی از نقاط ضعف در فرآیند انجام کارها، نبود ارتباطات افقی بین دستگاه‌های مختلف است.

مظاهریان در ادامه آموزه‌های صنعت بیمه را عنصری کلیدی در تدوین قوانین ساختمان دانست و افزود: تجاری‌سازی که تک تک شما در برآورد خسارات مخصوصاً در سوانحی مانند زلزله کرمانشاه دارید، می‌تواند در اصلاح فرآیندهای صنعت ساختمان کشور و تعدیل کدهای مقررات ملی موثر باشد. این آموزه‌ها و تجارب می‌تواند بیانگر آن باشد که خسارات چگونه رخ داده است؟ چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان در مقررات ملی ساختمان به آن پرداخت.

فرهنگ سازی در جامعه هستیم.

معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی نقش کنونی بیمه در صنعت ساختمان را کمرنگ توصیف کرد و گفت: به عنوان متولی بخش ساختمان متاسفم بگویم که ضریب نفوذ بیمه در کشور بسیار پایین است. اکنون ۳ میلیون واحد مسکونی در ایران تحت پوشش بیمه قرار دارد و این در حالی است که طبق آمار مرکز آمار ایران ۲۷ میلیون خانه در کشور وجود دارد. این یعنی درصد ضریب نفوذ بیمه در صنعت ساختمان ۱۰ تا ۱۲ درصد است.

وی بر لزوم رجوع بیشتر بخش خصوصی به صنعت بیمه اشاره کرد و افزود: در صنعت ساختمان، فقط بخش خصوصی، در سال ۹۵ که دوران رکود مسکن نیز تلقی می شود، ۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری کرده و این در حالی است که بخش دولتی حداکثر ۱۵ هزار میلیارد تومان در این صنعت سرمایه گذاری داشته است که این امر نشان می دهد در این تغییر پارادایم بخش خصوصی نقش اصلی را خواهد داشت. بنابراین بخش خصوصی باید این تغییر را نهادینه کرده و خود سرمایه خود را بیمه کند.

نقش بیمه به عنوان تعدیل گر فعالیت مهندسی

معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی در ادامه سخنان خود به برنامه های این وزارتخانه برای ایجاد تحول در صنعت ساختمان اشاره کرد و گفت: یکی از برنامه های وزارت راه و شهرسازی برای ایجاد تحول در صنعت ساختمان BIM است که آینده صنعت ساختمان در ایران و جهان به شمار می آید. در انگلستان از سال ۲۰۱۶ ساختمان های دولتی تنها در صورتی اجازه ساخت می گیرند که مطابق با نظام BIM باشد. این فرایند به سرعت در جهان در حال گسترش است.

مظاهریان ادامه داد: فاصله ما با جهان در این زمینه حدود دو دهه است که می توان آن را جبران کرد. اگر نتوانیم صنعت

ساختمان را با BIM منطبق کنیم، نه تنها فرصت های زیادی را داخل کشور از دست می دهیم، که در منطقه و جهان امکان رقابت در صنعت ساختمان را نخواهیم داشت.

وی افزود: BIM یک دید کل نگر میان مراکز آموزشی، مراکز حرفه ای، شرکت ها، صنعت ساختمان و متولیان این صنعت است. براساس این نظام در زمان طراحی تمام جزئیات ساخت در یک نقشه کلی آورده می شود. در واقع در BIM زمان و هزینه بیشتری در مرحله طراحی صرف شده، اما در کل فرآیند ساخت صرفه جویی می شود. مظاهریان با اشاره به ارائه لایحه BIM به هیات دولت در آینده نزدیک گفت: یکی از ارکان اصلی استقرار نظام BIM بیمه است. همه سیستم بر مبنای پروتوکلی جلو می رود که بر مبنای آن مسئولیت ها، نقش ها و ریسک ها مشخص شده است.

اصلاح قانون نظام مهندسی

معاون وزیر راه و شهرسازی از اصلاح قانون نظام مهندسی به عنوان اقدام دیگر این وزارتخانه در حوزه ساختمان یاد کرد و گفت: این قانون ۲۲ سال پیش شکل گرفته است. از آن زمان مهندسی گسترش یافته و تعداد مهندسان در کشور چند برابر شده است. اکنون در حدود ۵۰۰ هزار مهندس در کشور وجود دارد و پیش بینی می شود تا

دکتر مظاهریان:

دولت ایران مانند بسیاری از دولت های در حال توسعه نمی تواند نقش رفاه خود را ایفا کند. با توجه به کمبود منابع و شرایط فعلی اقتصاد نقش واقعی دولت تنها می تواند نقشی مشارکتی باشد. به جز در موارد مرتبط با بهداشت، آموزش و مسائل اجتماعی دولت تنها می تواند در جایی که بازده اقتصادی دارد مشارکت کند.

سال ۱۴۰۵ تا یک میلیون مهندس در بخش ساختمان حضور داشته باشند. این رشد در میزان سرمایه گذاری هم اتفاق افتاده است و اکنون بخش خصوصی پرچم دار ساخت و ساز در کشور است.

وی ادامه داد: قانون نظام مهندسی باید با این تحولات تغییر کند. درون مایه این تغییر مشخص شدن نظام مسئولیتی است و این وظیفه بر عهده صنعت بیمه قرار دارد. اکنون نحوه توزیع مسئولیت بین مهندسان بر پایه عددی صورت گرفته که مبنای مشخصی ندارد و این نظام کنونی در واقع بیشتر توزیع کوپن است.

مظاهریان به نقش صنعت بیمه در تحول قانون نظام مهندسی اشاره کرد و گفت: آنچه می تواند این مسئله را تنظیم کند صنعت بیمه است. مهندسان و اشخاص حقیقی و حقوقی باید به اندازه ای مسئولیت بپذیرند که می توانند برای کارشان بیمه بخرند. بیمه بر اساس سابقه کاری افراد، باید حجم مشخصی از فعالیت آن ها را بیمه کند و این می تواند مبنای توزیع کار میان مهندسان باشد.

وی افزود: این نقش کاملاً با آنچه اکنون رخ می دهد متفاوت است. اکنون بیمه در نگاه تعداد گسترده ای از افراد کالایی لوکس محسوب می شود. در حالی که بیمه ساختمان و بیمه مسئولیت باید یک الزام باشد. در اصلاح قانون نظام مهندسی بیمه در مرکز قرار دارد. این بیمه است که تعیین می کند افراد تا چه اندازه اجازه کار دارند تا بر اساس اشتباهاتشان، وظایفشان را تعدیل کنند.

عزم جزم برای براندازی نظام کوپنی در نظام مهندسی

معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی اقدام سوم این وزارتخانه را تهیه آیین نامه کنترل ساختمان دانست و گفت: در وزارت راه و شهرسازی چالش بزرگی را شروع کردیم تا تقسیم پول، تقسیم کار و کوپن فروشی را براندازیم. در مقابل این اقدام مخالفت سازمان یافته ای وجود دارد.



بنابراین نقش بیمه در نظام جبران خسارت پررنگ‌تر می‌شود. مظاهریان با انتقاد از صنعت بیمه گفت: در ازای این برنامه‌های گسترده در وزارت راه و شهرسازی بازخورد فعالانه‌ای از صنعت بیمه دریافت نکرده ایم. در این اصلاحاتی که وزارت راه و شهرسازی در حال انجام آن است، ظاهراً کمترین اشتیاق از سمت بیمه نشان داده شده است.

مسئولیت اجرایی خود را بیمه خواهند کرد، کسی که ساختمان را می‌سازد برای پایان کار باید برای کارکردهای اساسی ساختمان ضمانت نامه دهد. وی ادامه داد: در آیین نامه کنترل ساختمان، سازنده ضمانت‌نامه روشن و مشخص به مراجع صدور پروانه و قابل انتقال به خریدار و خریداران بعدی ارائه می‌دهد و اگر خسارتی وارد شود، سازنده موظف است آن را جبران کند.

در واقع هر کسی که می‌توانسته از این کوپن بهره‌مند شود، مخالف این اصلاح است. اما عزم وزارتخانه هم جزم است که این اقدام را علی‌رغم مخالفت منفعت طلبان جلو ببرد. مظاهریان به نقش پررنگ بیمه در این آیین نامه اشاره کرد و گفت: در نظام کنترل ساختمان که اکنون لایحه آن در صف تصویب هیات دولت است، صنعت بیمه نقش محوری دارد. غیر از آنکه مهندسان

موسسه حسابداری و خدمات مدیریت حساب و کتاب
با فکری آسوده حساب و کتاب خود را به ما بسپارید

✔ **ارائه و نصب نرم افزارهای یکپارچه مالی**
« مشاور مالی و مالیاتی انجمن شرکت های ساختمانی »
مشاوره رایگان در محل انجمن از ساعت ۱۱:۳۰ الی ۱۶
برای اطلاع بیشتر با تلفن ۶۶۴۶۴۲۶۱ داخلی ۱۰۸ تماس حاصل نمایید.
دفتر مرکزی: کوی نصر (کیش) - خ پرویزی غربی (علیایی) - پلاک ۵۹ - واح
تلفن: ۴-۸۸۲۴۸۸۵۳ فاکس: ۸۸۲۴۳۳۲۰ کدپستی: ۳۶۷۷-۴۷۷۸
www.hesabvaketaab.com info@hesabvaketaab.com

✔ **ارائه کلیه خدمات حسابرسی صورتهای مالی، حسابرسی مالیاتی (در اجرای ماده ۲۷۲ ق.م.م) و حسابرسی ویژه**
✔ **تأمین نیروی انسانی متخصص حسابداری در رده های مختلف با سوابق حرفه ای و نظارت مستمر بر واحد مالی**
✔ **ارائه کلیه خدمات حسابداری شرکت ها به صورت پیمانی**
✔ **ارائه خدمات مشاوره تخصصی در امور مالی و مالیاتی**
✔ **تهیه آئین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی شرکت ها**



بازگشت همه به سوی اوست

در کمال تأسف با خبر شدیم مهندس سید مهدی نورانی نجفی مدیرعامل شرکت پونل دارفانی را وداع گفت این ضایعه بزرگ را به خانواده محترم ایشان و شرکت پونل تسلیت عرض می نماییم و از خداوند متعال برای ایشان طلب مغفرت کرده و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

جناب آقای مهندس ساعد معودی جناب آقای مهندس سیامک معودی

درگذشت مادر گرامی تان شادروان بانو الوند شه میرزادی را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

جناب آقای مهندس ایرج عمرانی مدیریت ارشد شرکت کولهام

درگذشت برادر گرامی تان شادروان آقای غلام حسن عمرانی را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

جناب آقای مهندس علی اکبر مقیمی آذری ریاست هیأت مدیره شرکت ثریان

درگذشت برادر گرامی تان شادروان مهندس ابوالقاسم مقیمی آذری را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران

سرکار خانم مهندس ابوالحسنی معاونت محترم امور نظام فنی و اجرایی برنامه و بودجه کشور

درگذشت پدر گرامی تان شادروان اصغر ابوالحسنی را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران